



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

آینده پژوهی هویت ملی؛ شناسایی کلان روندهای اثر گذار بر آن

اسفند ۱۳۹۵



شناسنامه گزارش

کارفرما: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

عنوان گزارش: آینده پژوهی هویت ملی؛ شناسایی کلان روندهای اثرگذار بر آن

پدیدآورندگان: علیرضا اسدی، فروزنده جعفرزاده‌پور، اردشیر سیاح مفضلی

تاریخ: ۱۳۹۵

جهاد

Archive of SID

فهرست

۷	مقدمه
۷	۱- کلیات تحقیق
۷	۱-۱- بیان مسئله:
۹	۲-۱- سؤال‌های پژوهش:
۹	۳-۱- اهداف پژوهش:
۹	۴-۱- پیشینه پژوهش
۱۱	۲- میانی نظری
۱۱	۱-۲- معنای هویت
۱۲	۲-۲- هویت فردی؛ هویت جمعی
۱۳	۳-۲- هویت ملی
۱۴	۴-۲- ابعاد هویت ملی
۱۹	۵-۲- نظریه های هویت
۲۲	۶-۲- مفاهیم آینده پژوهی
۳۱	۷-۲- اهداف و اصول موضوعه آینده پژوهی
۳۲	۸-۲- ابزارهای آینده پژوهی
۳۵	۹-۲- آینده نگاری
۳۶	۱۰-۲- ذی نفعان برنامه های آینده پژوهی
۳۷	۱۱-۲- مزایای آینده پژوهی
۳۸	۱۲-۲- کاربردهای آینده پژوهی
۳۸	۱۲-۲- انواع مطالعات آینده پژوهی
۴۲	۱۳-۲- توسعه کاربردهای آینده پژوهی
۴۲	۱۴-۲- تمرکز برنامه های آینده پژوهی
۴۳	۱۵-۲- خروجی های برنامه های آینده پژوهی
۴۵	۱۶-۲- افق زمانی در آینده پژوهی
۴۵	۱۸-۲- عوامل موفقیتیک برنامه ی آینده پژوهی

- ۱۹-۲- چالش‌های موجود در انجام آینده پژوهی ۴۶
- ۳- روش‌شناسی ۴۸
- ۱-۳- روش‌های آینده پژوهی ۴۹
- ۲-۳- انتخاب روش‌های آینده‌پژوهی ۴۹
- ۳-۳- روش‌شناسی تحقیق ۵۰
- ۴- بررسی کلان روندهای اثرگذار بر هویت ۵۵
- ۱-۴- کلان روندهای اجتماعی ۵۶
- ۲-۴- کلان‌روند های فناوری ۷۰
- ۳-۴- کلان‌روند اقتصادی ۷۰
- ۵-۴- کلان روند زیست محیطی ۷۵
- ۶-۴- کلان‌روند سیاسی ۷۶
- ۷-۴- شهر نشینی ۷۷
- ۸-۴- شاخص قدرت ملی ۸۰
- ۵- آینده هویت ملی تحت تاثیر کلان روندها ۸۲
- ۱-۵- تاثیر کلان روند شهر نشینی ۸۳
- ۲-۵- تاثیر کلان روند پیری جمعیت ۸۳
- ۳-۵- تاثیر کلان روند دیجیتالی شدن (شبکه های مجازی و اینترنتی) ۸۳
- ۴-۵- تاثیر کلان روند عرفی گرایی ۸۴
- ۵-۵- تاثیر کلان روند رشد اقتصادی و درآمد سرانه ۸۴
- ۶-۵- تاثیر کلان روند کسب آموزش و توسعه انسانی ۸۴
- ۷-۵- تاثیر کلان روند مهاجرت ۸۴
- ۸-۵- تاثیر کلان روند شاخص حکمرانی ۸۵
- ۹-۵- تاثیر کلان روند جهانی شدن ۸۵
- ۶- ارزیابی تاثیر کلان روند ها بر ابعاد هویت جمعی ایرانیان ۸۵
- ۷- آینده هویت جمعی جامعه ایرانی ۸۷
- ۱-۷- سناریویک؛ ۸۸
- ۲-۷- سناریو دوم؛ ۸۹



۹۰ سناریو سوم؛ ۳-۷
۹۱ سناریو چهارم؛ ۴-۷
۹۲ سناریو پنجم؛ ۵-۷
۹۳ سناریو ششم؛ ۶-۷
۹۴ جمع بندی ۸-
۹۶ منابع

Archive of SID

فهرست شکل‌ها

شکل ۱- مخروط آینده و آینده‌های بدیل.....	۲۴
شکل ۲- مولفه‌های آینده از نگاه جیمز دیتور.....	۲۸
شکل ۳- فراوانی روش‌های مورد استفاده در مطالعات آینده پژوهی.....	۳۴
شکل ۴- طبقه‌بندی روش‌های متداول آینده پژوهی (پوپر، ۲۰۰۶).....	۵۱
شکل ۵- فرایند مطالعه.....	۵۳
شکل ۶- انواع هویت.....	۵۵
شکل ۷- پیش‌بینی روند کل جمعیت ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۵۶
شکل ۸- پیش‌بینی جمعیت بالای ۶۵ سال در ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۵۷
شکل ۹- پیش‌بینی نسبت جمعیت ۶۵ سال به کل جمعیت ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۵۸
شکل ۱۰- پیش‌بینی جمعیت بین ۱۵ تا ۶۵ سال در ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۵۹
شکل ۱۱- شاخص پیمایش جهانی ارزشها در سال ۲۰۱۰.....	۶۰
شکل ۱۲- پیش‌بینی شاخص اینگلهارت ایران تا سال ۲۰۶۰.....	۶۱
شکل ۱۳- سهم مصرف طبقه متوسط در جهان در بازه سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰.....	۶۲
شکل ۱۴- پیش‌بینی شاخص امید به زندگی در ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۶۴
شکل ۱۵- پیش‌بینی درصد جمعیت باسواد بالای ۱۵ سال تا سال ۲۰۵۰.....	۶۵
شکل ۱۶- پیش‌بینی شاخص تعداد سال تحصیل جمعیت بالای ۲۵ سال ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۶۷
شکل ۱۷- پیش‌بینی شاخص توسعه انسانی ایران تا سال ۲۰۶۰ نسبت به کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته.....	۶۸
شکل ۱۸- پیش‌بینی مقدار تولید ناخالص داخلی ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۷۱
شکل ۱۹- پیش‌بینی شاخص درآمد سرانه ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۷۳
شکل ۲۰- پیش‌بینی شاخص جینی ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۷۴
شکل ۲۱- پیش‌بینی شاخص آزادی اقتصادی ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۷۵
شکل ۲۲- پیش‌بینی شاخص کارآمدی حکمرانی ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۷۶
شکل ۲۳- روند افزایش جمعیت شهرنشینی در جهان [۷].....	۷۸
شکل ۲۴- پیش‌بینی جمعیت شهری ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۷۹
شکل ۲۵- پیش‌بینی نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت ایران تا سال ۲۰۵۰ در سناریو «پایه».....	۸۰
شکل ۲۶- پیش‌بینی شاخص قدرت ملی ایران تا سال ۲۰۵۰.....	۸۱

فهرست جدول‌ها

جدول ۱- ذی‌نفعان برنامه‌های آینده‌پژوهی.....	۳۷
جدول ۲- برخی از انواع خروجی‌های آینده‌نگاری - منبع: کینان (۲۰۰۳).....	۴۴
جدول ۳- افق‌های زمانی به کار رفته در گزینشی از فعالیت‌های ملی آینده‌پژوهی.....	۴۵
جدول ۴- بررسی تاثیر کلان روندها روی ابعاد هویت ملی.....	۸۲

مقدمه

«هویت ملی» پدیداری است که در جوامع مختلف عوامل متفاوتی در شکل گیری و تغییر آن تاثیر گذار بوده‌اند. این هویت به عنوان حس تعلق به یک واحد جمعی، امری سیال است، که موجب همبستگی جامعه در چارچوب یک واحد اجتماعی در روابط بین‌الملل می‌شود. این موضوع بویژه در برخورد با تهدیداتی که کلیت جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد مانند خطر جنگ از سوی کشورهای متخاصم و یا تهدید تجزیه‌طلبی و تفرقه‌های اجتماعی، بسیار اهمیت پیدا می‌کند. احساس هویت ملی، کمک به بسیج منابع و افزایش ثبات در برابر مخاطرات می‌شود. و بر عکس، تضعیف هویت ملی، می‌تواند توانایی مقابله جامعه را با مخاطرات کاهش دهد و در نتیجه موجب کاهش اقتدار ملی و بروز بحران‌های امنیتی شود. از این منظر، موضوع هویت ملی علاوه بر تاثیرات اجتماعی و فرهنگی، به عنوان یکی از منابع قدرت در نظام روابط بین‌الملل از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین، آینده‌پژوهی هویت ملی، به عنوان یکی از موضوعات کلیدی در معرض پرسش سیاست‌گذاران و کنشگران سیاسی بوده است. به این دلیل، این تحقیق بمنظور آینده‌پژوهی هویت ملی جامعه ایرانی طراحی و به اجرا درآمد.

در ادامه، ابتدا مسئله تحقیق، اهداف پژوهش و پیشینه آن در بخش «کلیات تحقیق» بررسی می‌شود. سپس در بخش دوم «مبانی نظری» ارائه شده است. در این بخش ابتدا معنای هویت، هویت فردی و هویت ملی، ابعاد هویت ملی، و نظریه‌های هویت بررسی شده است و بعد، مفاهیم آینده‌پژوهی، ابزارهای آینده‌پژوهی، انواع مطالعات آینده‌پژوهی، و چالش‌های آینده‌پژوهی بررسی شده است. در بخش سوم، «روش شناسی» تحقیق تشریح شده است. در بخش چهارم «کلان روندهای» تاثیر گذار بر هویت ملی ارائه شده است. در بخش پنجم، تاثیر کلان روندها روی ابعاد هویت ملی بررسی شده است و در انتها، سناریوهای آینده هویت جمعی جامعه ایرانی، بررسی شده است.

۱- کلیات تحقیق

در این بخش کلیات تحقیق شامل بیان مسئله، پرسش‌ها و اهداف تحقیق بیان شده است.

۱-۱- بیان مسئله:

هویت جمعی عبارت است از تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با عنوانی خاص، چنین تعلق موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که با عنوان «ما» از «ما» های دیگر جدا می‌گردد. یکی از جامع‌ترین بخش‌های هویت جمعی، هویت ملی است که نیاز به آن و احساس تعلق و وفاداری و گرایش به سمت آن از ضرورت‌های انکارناپذیر در هر جامعه‌ای است. امروزه این مفهوم به قدری اهمیت پیدا کرده است که برخی از اندیشمندان، هویت ملی را زیر بنای تمامی انواع دیگر هویت‌ها می‌دانند (لقمان نیا و دیگران، ۱۳۹۱ به نقل از توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳).

از آنجا که هویت امری سیال بوده و در زمانهای مختلف، متحول می‌گردد؛ تعهد و تعلق فرد به جامعه ملی که از اجزاء هویت ملی است نیز بر مبنای تغییر در مبنای آن، متغییر می‌گردند. «چگونگی احساس تعلق و تعهد فرد در برابر جامعه بازتاب ساختار معنوی و مادی هویت ملی است و تغییر این ساختارها، احساس تعلق و تعهد فرد در برابر جامعه نیز دچار تغییرات می‌شود. این احساس تعلق و تعهد با مسئله کیستی و چیستی در رابطه ای دقیق و نزدیک قرار دارد. من (ما) به چه جامعه ای با چه ساختاری معنوی و مادی تعلق دارم (داریم)؟ چه روابط معنوی و مادی مرا (ما را) به این جامعه و این جامعه را به من (ما) پیوند می‌دهد؟ و این احساس تعلق چه تعهداتی را برای من (ما) و جامعه ایجاد می‌کند؟...» (رواسانی، ۱۳۸۰: ۲۵). بدین ترتیب افراد در زمانهای مختلف با توجه به پاسخهایی که برای پرسشهایی از این دست دارند، هویت های متفاوتی را در سطح ملی بازنمایی می‌کنند. در واقع وضعیت و چگونگی هویت ملی در یک جامعه بر مبنای پاسخهای متنوع به این قبیل سئوالات در دوره های زمانی و تاریخی و در بسترهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه متفاوت خواهد بود.

عواملی که موجب تغییر هویت ملی می‌شوند از منابع مختلفی استخراج می‌شوند و روی ابعاد مختلف هویت تاثیر می‌گذارند. از این منظر با توجه به اهمیتی که هویت ملی در رفتارهای اجتماعی دارد، شناخت عوامل و روندهای موثر بر تغییرات هویت ایرانیان در دهه آینده برای سیاستگذاری های سیاسی و اجتماعی بسیار مهم است چرا که تغییر در هویت، موجب پایداری و یا ناپایداری جامعه، ایجاد شکاف های نهادی یا تقویت انسجام ملی؛ و در یک نگاه کلی همگرایی و واگرایی ملی خواهد شد که آینده سیاسی اجتماعی ایران را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد.

اهمیت بررسی تغییرات آینده هویت جامعه ایرانی با توجه به تاثیری که این موضوع بر وحدت ملی و همبستگی اجتماعی دارد، دوچندان خواهد بود. تحقیقات متعددی نشان داده است که هویت ملی در انسجامبخشیدنجامعه و پیشگیری از گروه‌گرایی و گروه‌گرایی‌ها نقش اساسی دارد (طالبی، ۱۳۷۸). (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۷). بنابراین با توجه به ظهور عوامل متعددی که همبستگی ملی ایران را می‌توانند مورد تهدید قرار دهند، توجه و در نظر گرفتن موضوعیتهویت ملیو بالخصوص تغییرات محتمل آن در آینده ضروری‌نماید. برخی محققان معتقدند با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک ایران از یک سو و تنوع قومی جامعه ایرانی، از سوی دیگر، عدم توجه به تغییرات هویت ملی می‌تواند بحران‌های عظیم و غیرقابل کنترل را بار آورد (قنبری و دیگران، ۱۳۹۰).

در این چارچوب، پرسش اساسی این تحقیق آن است که آیا وضعیت هویت جامعه ایرانی در آینده به همین شکل خواهد بود و یا دچار دگرگونی خواهد شد؟ در واقع این مسئله مطرح است که با توجه به تغییراتی که در عوامل تاثیرگذار بر ابعاد هویت جامعه ایرانی قابل مشاهده است، وضعیت هویت ایرانی در آینده چگونه تغییر خواهد کرد؟ این پرسشی است که هنوز مطالعه جامعی درباره آن نشده است و روند تغییرات و سمت و سوی آنها همچنان نامعلوم است.

طرح حاضر تحت عنوان «آینده پژوهی هویت ایرانی؛ شناسایی کلان روندهای اثرگذار بر آن» در جهت پاسخ به این نیاز ارائه شده است تا با شناخت کلان روندهایی که بر عالی ترین سطح هویت جمعی جامعه ایرانی (ملی-دینی) تاثیرگذارد، وضعیت آینده‌های هویت ایرانی شناسایی کند. در واقع در این مطالعه با توجه به اهمیت کلان روندها در شکل دهی به آینده نظام‌های اجتماعی، این سوال محوری را مورد توجه قرار می‌دهد که چه کلان روندهایی بر هویت جامعه ایرانی تاثیر گذارند و وضعیت این کلان روندها در ده سال آینده چگونه است. به عبارت دیگر این طرح مطالعاتی بدنبال شناسایی کلان روندهایی است که آینده هویت جامعه ایرانی را در عالی ترین سطح آن می‌توانند تغییر دهند. با شناخت این کلان روندها و تغییرات پیش روی آنها می‌توانیم آینده هویت ملی را رصد نموده و چالش‌های پیش رو را برای سیاست‌گذاران و نهادهای فرهنگی پیش‌بینی کنیم و به جای غافلگیری در برابر آن، آمادگی لازم برای طراحی سیاست‌های مورد نیاز را پیدا کنیم.

۱-۲- سؤال‌های پژوهش:

- کلان روندهای موثر بر «هویت ملی^۱» جامعه ایرانی کدامند؟
- کلان روندهای موثر بر هویت ملی در افق ۱۴۰۴ با در چه وضعیتی خواهند بود؟
- هویت ملی جامعه ایرانی بر اثر این کلان روندها ممکن است دچار چه تغییراتی شوند؟

۱-۳- اهداف پژوهش:

- شناسایی کلان روندهای موثر بر هویت ملی جامعه ایرانی
- پیش بینی وضعیت کلان روندهای موثر بر هویت ملی در افق ۱۴۰۴
- شناسایی تاثیر کلان روندها بر هویت ملی در آینده

۱-۴- پیشینه پژوهش

در زمینه آینده پژوهی هویت، مطالعات محدودی در مراکز علمی آینده پژوهی صورت گرفته است. یکی از شاخص ترین کارها تحقیقی است که دفتر آینده نگاری انگلستان در سال ۲۰۱۳ انجام داده است. در این مطالعه روندهای هویت جامعه انگلستان را در افق ده ساله بررسی کرده و به مهمترین چالش‌های آینده هویت در جامعه انگلستان پرداخته است (Future Identities, ۲۰۱۳). در این مطالعه افزایش تاثیر هویت‌های مجازی، گسترش تنوع هویت‌ها و نامتعیین شدن هویت‌های فردی و اجتماعی از جمله تغییراتی است که در در جامعه انگلستان ده سال آینده رخ خواهد داد.

^۱ در این تحقیق منظور از هویت ملی جامعه ایرانی هویت جمعی جامعه ایرانی در عالی ترین سطح آن است که تومان بر دو بعد اصلی اسلامی و ایرانی آن توجه دارد

در مطالعه دیگری که توسط سارما و گیرو انجام شده است، تاثیرات ناشی از اینترنت اشیاء را بر هویت های آینده بررسی شده است. مطالعه آنها نشان می دهد با بروز تکنولوژی های اینترنت اشیاء موضوع هویت نیازمند تعاریفی است که بتواند ابعاد جدید هویت را نشان دهد و تمایز بین نود های انسانی و غیر انسانی را پیدا کند (Sarma&Girão, ۲۰۰۹).

در تحقیق دیگری با بررسی ابعاد هویت و تغییرات ناشی از فضای مجازی، یک نقشه راه برای مطالعه آینده هویت متناسب با بافت جدید جوامع ارائه شده است (Halperin&Backhouse, ۲۰۰۸).

موضوع تبیین وضعیت هویت جمعی در ایران بیش از دو دهه است که مورد توجه محققین ایرانی بوده است و تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است (جعفرزاده پور و دیگران، ۱۳۹۳). در برخی از مطالعات به موضوع آینده هویت نیز پرداخته شده است.

حاجیانی (۱۳۸۸) در پژوهشی، نیروها و عوامل اثرگذار در آینده هویت را بدین ترتیب شناسایی کرده است. وی وضعیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی در کل کشور و در مناطق قومی، اقتدار و نفوذ دولت (نظام)، وضعیت هویت قومی اقوام ایرانی، وضعیت هویت مذهبی، جهان گرایی و هویت مدرن، سکولاریسم، کاهش یا افزایش تأثیر دولت بر فرایندهای هویت سازی، افزایش تأثیر فرایندهای اقتصادی جهانی شدن، اهمیت یابی سیاست تفاوت، گسترش فرهنگ سیاسی لیبرال دموکراسی، اهمیت یابی حقوق فردی، رشد شاخص های شهروندی، توسعه حقوق بین الملل، رشد جامعه مدنی جهانی (مبنتی بر اخلاق مدنی جهانی)، رشد شبکه مدنی جهانی، منابع مالی دولت، کیفیت جامعه اطلاعاتی، جامعه شبکه ای و مشخصه های جامعه صنعتی در ایران را به عنوان عوامل اثر گذار بر آینده هویت شناسایی کرده است و با توجه به مجموعه مؤلفه های فوق الذکر و تعاملات میان این متغیرها، نقش فرهنگ مشترک ملی در هویت ایرانی رو به کاهش می داند. از نظر نویسنده تحت تأثیر فرایند جهانی شدن، اخلاق مدنی جهانی و پذیرش حقوق شهروندی عناصر فرهنگ سنتی (مثل زبان و ادب فارسی، معماری بومی، موسیقی ایرانی، سنت های تاریخی و...) کمرنگ می شوند و آنچه به جای عنصر فرهنگی مشترک موجب انسجام و همبستگی جامعه ایران خواهد بود، «حقوق شهروندی» است که این به معنای شکل گیری «هویت مدنی» به عنوان مبنا و چارچوب شکل گیری هویت ایرانی در دنیای جدید می باشد. حاجیانی نتیجه گیری کرده است که تحقق این وضعیت به معنای تضعیف کامل عنصر فرهنگ و تعلقات اجتماعی در هویت آینده ایرانیان نخواهد بود.

قنبری (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان «نگاهی به آینده هویت ملی ایرانیان» به تحلیل آینده هویت ملی و هویت قومی، با استفاده از روش سناریونویسی پرداخته است. در این مقاله متغیرهای جهانی شدن، کارآمدی، مشروعیت، عدالت توزیعی، هویت

انقلابی، هویت قومی به‌عنوان متغیر مستقل مفروض مورد استفاده قرار گرفته و هشت سناریو شناسایی و از بین سناریوها، محتمل‌ترین سناریوهای ممکن نیز ارائه شده است. در این تحقیق، هویت قومی و هویت دینی هم به‌عنوان متغیر مستقل و هم به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفتند. این پژوهشگر پیش‌بینی کرده است در سال‌های آینده باید شاهد سازه‌های قوی‌تر از حال به نام «هویت ملی» باشیم. قنبری در تحقیق نتیجه‌گیری کرده است هویت‌میلدرآینده‌ردحداً انتظاروآنچنانکه‌نیازساخت‌سیاسیجامعه است نیازمند شرایط تقویت و ترمیم بهینه می‌باشد، اگرچه رو به ضعف هم نخواهد رفت لیکن باید به این واقعیت‌ها و دقایق هم باید توجه داشت که متغیرهایی مثل کارآمدی و پایگاه روحانیت و عدالت توزیعی می‌توانند چالش‌های جدی و بنیادین در این مسیر ایجاد کند و پتانسیل‌های کم اعتمادی و بی‌اعتمادی را تقویت کند. همچنین ملی‌گرایی و نیاز به همبستگی اجتماعی، جایگاه استواری در مجموعه فرهنگ سیاسی ایرانی پیدا نموده و در بسیاری از طبقات و اقشار شهری، تا روحانیت و طبقه متوسط جدید و سنتی، تجار و بازاریان و کارگران و روشنفکران، نفوذ می‌کند. هویت قومی فی‌نفسه و قائم به ذات سبب تهدید و تقویت آینده هویت ملی نمی‌شود. به عبارتی، نخبگان مطالبات اقوام را به سمت مطالباتی از جنس ناسیونالیسم مدنی هدایت می‌کنند. بر اساس تحلیل‌های ارائه شده در این پژوهش، متغیر مشروعیت و کارآمدی مهم‌ترین وزن را در تعیین آینده هویت مطلوب و یا هویت ملی ضعیف دارند.

۲- مبانی نظری

موضوع هویت‌پژوهی، مؤلفه‌ها، انواع و سطوح آن در کشور ما پیش از دودهم است که مورد توجه‌گسترده‌محققین رشته‌های مختلف قرار گرفته است و هر یک با رویکردهای متفاوتی به آن پرداخته‌اند. (ابوالحسنی، ۱۳۸۸؛ حاجیانی، ۱۳۸۶). در این بخش ابتدا مبانی جامعه‌شناختی هویت ملی را بررسی می‌کنیم. سپس در بخش بعدی، مبانی نظری آینده‌پژوهی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱- معنای هویت

وقتی سخن از «ما» پیش می‌آید بحث هویت مطرح می‌گردد. مرز ما از دیگران توسط خطوط ترسیم شده توسط هویت ما روشن می‌گردد (زاهد، ۱۳۹۰). پرسش دیرین «من کیستم؟» خبر از نیازی اساسی می‌دهد: نیاز به دانستن کیستی که هیچ‌گاه انسان را رها نساخته است (دوران، ۱۳۸۷: ۱). هویت مفهومی است که توسط محققین با رویکردها و شاخه‌های مختلف علم تعریف شده است. در یک بررسی اجمالی و معناشناختی می‌توان اظهار داشت که «هویت»، واژه‌ای است عربی که در زبان فارسی به جای واژه انگلیسی Identity به کار می‌رود. معین در فرهنگ فارسی خود، معنی آنرا تحت معانی مانند «ذات باری‌تعالی»، «هستی و وجود» و «آنچه موجب شناسایی شخص می‌شود»، آورده است. در بخش دیگری از این فرهنگ لغت

«هویت» در ارتباط با مفهوم «ماهیت» بیان شده و چنین آمده است که هر گاه ماهیتکه همانا حقیقت شئی است، با تشخیص،

لحاظ و اعتبار شود، هویت نامیده می شود (معین، ۱۳۷۴ به نقل از صالحی عمران و دیگران، ۱۳۸۶).

بنابر این هویت مجموعه ای نسبتاً منسجم و بادوامی از شیوه های آگاهی، احساس، عمل، و بودن است که امروزه در جوامع مدرن برای پاسخگویی به پرسش بنیادی «من کیستم» در سطح اجتماع تمهید یافته است. در نتیجه، همواره باید دو نکته را در نظر داشت: از سویی، هویت، اگر موضوعی در حوزه شناخت، احساس و کنش انسان است ولی صرفاً مفهومی فردی و در سطح فرد نیست؛ از سوی دیگر، از آنجا که نهاد هویت (همچون نهادهای اجتماعی دیگر) وابسته و پیوسته شرایط اجتماعی خود است، بنابر این با توجه به نهاد متولی پاسخ دهی به پرسش «من کیستم؟» در هر اجتماعی، با توجه به محتوای به غایت متفاوت آنها از یک اجتماع به اجتماع دیگر، قرار دادن آنها زیر عنوان هویت نادرست و غلط انداز خواهد بود، چرا که انسان در فرهنگهای مختلف، به گونه های متفاوتی به پرسش مذکور پاسخ می دهد. در واقع، فرهنگهای مختلف، نوع ظهور و بروز خود را تغییر می دهند و از این رو تصور از خود، در فرهنگها متفاوت است (پور حسین، ۱۳۸۴ به نقل از دوران ۱۳۸۷).

دهخدا در لغت نامه خویش، هویت را «تشخص» معنا نموده و تشخیص به مفهوم برخورداری از مجموعه ویژگی ها و خصوصیات متمایز از دیگران است، که موجب شناسایی و تمایز فرد از فرد، گروه از گروه و یا اهلیتی از اهلیتی دیگر می شود، در صورتی که کلیه اعضاء یک گروه و یا اهلیت را همانند می نماید.

۲-۲- هویت فردی؛ هویت جمعی

مولفه های هویت از دو بخش شناختی (ذهنی) و روانشناختی (روحی و روانی) تشکیل می شود. بخش ذهنی (باورها) شامل مجموعه ارزشها، اعتقادات، هنجارها، نمادها و ایستارها (طرز تلقی) است، و بخش روانی (احساسی) نیز مجموعه احساسات، محبت و نفرت، تمایل و بی رغبتی، تعلق، تعهد و تکلیف را... در بر می گیرد. وجود این مولفه ها و آگاهی نسبت به آنها موجب شکل گیری نوعی «خود» در یک فرد و یا یک اجتماع (دسته، گروه، جامعه) می گردد. لذا هویت در مرتبه نخست به دو سطح فردی و اجتماعی تقسیم می شود (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۲۵).

هویت فردی یعنی همان چیزی که فرد به واسطه ویژگی ها، خصوصیات یگانه و منحصر به فرد خود مورد شناسایی قرار می گیرد و در عین حال از دیگران متمایز می شود. نوع دیگر هویت، هویت جمعی است که عبارت است از تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با عنوانی خاص، چنین تعلق موجب احساس همبستگی و شکل گیری یک واحد جمعی می شود که با عنوان «ما» از «ما» های دیگر جدا می گردد. یکی از جامع ترین بخشهای هویت جمعی، هویت ملی است که نیاز به آن و احساس تعلق و وفاداری و گرایش به سمت آن از ضرورتهای انکار ناپذیر در هر جامعه ای است. امروزه این مفهوم به قدری

اهمیت پیدا کرده است که برخی از اندیشمندان، هویت ملی را زیر بنای تمامی انواع دیگر هویتها می دانند (لقمان نیا و دیگران، ۱۳۹۱ به نقل از توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳).

۲-۳- هویت ملی

دانشمندان هویت ملی را مفهومی مدرن دانسته و آنرا با شکل گیری دولت‌ها در دوران جدید همزمان می‌دانند. این درحالی است که در زبانهای اروپایی، واژه ملت (Nation) از ریشه لاتین (Natio) مشتق شده است و بر مردمانی دلالت دارد که از ولادت با یکدیگر نسبت دارند و از یک قوم و قبیله اند. اما در خلال شکل گیری دولتهای ملی در عصر جدید، گاهی سیر تحولات تاریخی، مردمانی را که از اقوام گوناگون بوده اند، گرد هم و از آنها یک ملت به وجود آورده است (اشرف، ۱۳۷۳). هویت ملی به عنوان یکی از اساسی ترین مولفه های ایجاد وحدت و انسجام در دوران اخیر مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. میرمحمدی در اهمیت هویت ملی و سیر تحول آن آورده است: «مفهوم هویت ملی به مثابه پدیده ای سیاسی و اجتماعی زاده عصر جدید است که از اواخر قرن نوزدهم میلادی به مشرق زمین و سرزمینهای دیگر راه یافت. اما به عنوان مفهومی علمی از ساخته های علوم اجتماعی است که از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به جای خلق و خوی و خصیصه ملی رو به گسترش نهاده است (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۷). روانسانی بر این باور است که موضوع هویت ملی در اواخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل جنبش مشروطیت در ایران مطرح شد. وی آورده است: «مطالعات تاریخی گواهی می دهد که مسئله هویت ملی همراه با مسئله ملی و ملی گرایی در جامعه ایران از اواخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل جنبش مشروطیت از طرف پاره ای از روشنفکران مطرح و به تدریج همراه با تغییر ساختار طبقاتی و بافت فرهنگی نضج گرفت و در ادبیات سیاسی اهمیت یافت» (رواسانی، ۱۳۸۰: ۳۸). تا کنون تعاریف مختلفی از هویت ملی ارائه شده است. شاید یکی از دلایل آن تفاوت در شیوه نگرش و برداشت از این مفهوم در حوزه های مختلف علمی باشد... برخی از تعاریف بر بعد احساسی و عاطفی هویت تاکید داشته و آن را عامل پیوند و تعلق فرد به گروه یا جامعه ای که عضو آن است، می دانند. در تعاریفی دیگر، هویت به معنای وجه تمایز اعضای یک جامعه از دیگران و تفکیک کننده «من» و «ما» از «غیر» و «دیگری» به کار رفته است. در این دسته از تعاریف، خود آگاهی از «هستی ما» با آگاهی از «هستی دیگران» همراه است و «ما» و «دیگران» دو روی یک سکه محسوب می شود که بودن یکی، بدون دیگری معنا ندارد. این بدان معناست که هویت (من) در خلا شکل نگرفته و با فرد متولد شده است... نکته اساسی در اینجا رابطه و نسبت میان ما و آنها، درون گروه و برون گروه یا خودی و غریبه مربوط می گردد. در این معنا هویت جمعی زمانی قابل تشخیص است که به مفهوم دیگری و آنها رجوع نماید، بنابر این مفهوم غیریت در بحث هویت ملی شرایطی را فراهم می سازد تا افراد، نمادهای برجسته کننده هویت ملی را با حساسیت بیشتری تعقیب نمایند» (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۷). توجه به مفهوم «ما»

و «آنها» که تاکید بر «غیریت» است، این مفهوم در تعریف هویت ملی به یکی از مهمترین کارکردهای هویت ملی که همان «کارکرد وحدت بخشی» آن اشاره داشته که «ما»ی جمعی را در مقابل «آنها» مطرح می سازد. بدین ترتیب هویت در سطح فردی و جمعی در مقابل «غیر» و «دیگری» مفهوم پیدا می کند و این یکی از مهمترین ویژگی های هویت است. رواناسانی بر این اعتقاد است که «از اجزاء سازنده هویت ملی، احساس تعلق و تعهد فرد به جامعه ملی است و چپسیتی و کیستی تنها یک مسئله فرهنگی معنوی و دارای محتوای اقتصادی و طبقاتی نیز هست» (رواناسانی، ۱۳۸۰: ۲۴).

اگر از بعد جامعه شناختی ملتی را که در یک قلمرو سیاسی مشخص زندگی می کند یک جامعه به حساب آوریم، هویت ملی عبارت از احساس تعلق و تعهد اعضای آن جامعه به رموز و نمادهای فرهنگی شامل هنجارها، ارزشها، زبان، دین، ادبیات و تاریخ است و در نتیجه موجب تمایز آن از دیگر جوامع و همچنین انسجام و همبستگی اجتماع بزرگ ملی می شود. بنابر این هویت ملی مفهومی دو وجهی است که همزمان بر تمایز، تشابه، افتراق و اشتراک دلالت دارد. بدین معنی که از یک سو با تاکید بر مشترکات و ملاک های پیوند دهنده، «ما» را پیرامون محوری واحد، همبسته، متحد و متعهد می سازد و از سوی دیگر «ما» را از دیگران باز می شناساند.

برخی نگرشها قلمرو جغرافیایی، تاریخ، زبان، هنر و میراث علمی و ادبی مشترک، نمادها و مذهب مشترک را از جمله عناصر ترکیبی هویت ملی می دانند و معتقدند: هر چند هویت دارای ماهید ترکیبی است، در عین حال دارای بعد سلبی، یعنی جداکننده، تمایز دهنده و شناساننده «خود» از «دیگری» نیز هست. این «دیگری» در قالب های گوناگون «غیر»، «بیگانه»، «رقیب»، «مخالف»، «دشمن» متبلور می شود و در مقابل هویت قرار می گیرد» (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۹-۷).

۲-۴- ابعاد هویت ملی

«هویت ملی مقوله ای مرکب است. لیکن محققان سنتی بر حسب علایق حرفه ای خود به یک یا چند عنصر آن توجه داشته اند (مجتهدزاده، ۱۳۷۷). البته در این بین، تعدادی از پژوهشگران نیز سعی در برشمردن تمامی ابعاد هویت ملی داشته اند. در اصل به منظور اندازه گیری دقیق و جامع هویت ملی و همچنین برای ورود به بحث آسیب شناسی هویت ملی، شناسایی تمامی ابعاد آن، ضرورت می یابد. این ابعاد مختلف در حقیقت «نقاط گره» هویت ملی هستند» (تاجیک، ۱۳۷۹ به نقل از شمشیری، ۱۳۸۷: ۵۵).

«هویت ملی ترکیبی متغیر و متحول از آگاهی های تاریخی، دینی و طبقاتی است از آنجا که در ترکیب هویت ملی، علاوه بر عناصر معنوی، عناصر مادی (روابط اقتصادی) نیز دخالت دارند محدود ساختن آن به فرهنگ معنوی نادرست است. از آنجا که

تلقى و تفسیر طبقات مختلف اجتماعی از جنبه های اقتصادی تاریخ و دین متفاوت و متاثر از خواستها و منافع طبقاتی آنان است، ترکیب اجتماعی هویت ملی در طبقات مختلف متفاوت می باشد.

ترکیب اجتماعی هویت ملی در افراد و طبقات و اقشار یک جامعه ثابت نیست و با تغییر آگاهی و تغییر قرائت از فرهنگ معنوی و دگرگونی روابط اقتصادی تغییر می کند» (رواسانی، ۱۳۸۰: ۸۷)

محققین بر عناصر و نتایج هویت‌های جمعی به طور کلی و هویت ملی به طور خاص تاکید داشته و معتقدند: «وجود و نتیجه هویت جمعی احساس پایداری، اعتقاد و دلبستگی به هنجارها و ارزشهاست و مقصود از تعهد نیز مشارکت در جهت توسعه و تثبیت ارزشها و هنجارها در گروه مربوطه است (رزازی فر، ۱۳۷۹)».

ابعاد مختلفی برای هویت ملی مطرح شده اند که به طور کلی می توان موارد زیر را به عنوان ابعاد هویت ملی مطرح نمود (شمشیری، ۱۳۸۷، ابوالحسنی، ۱۳۸۸، میرمحمدی، ۱۳۸۳):

۱. بعد اجتماعی هویت ملی
۲. بعد تاریخی هویت ملی
۳. بعد دینی هویت ملی
۴. بعد جغرافیایی هویت ملی
۵. بعد فرهنگی هویت ملی
۶. بعد زبانی هویت ملی
۷. بعد سیاسی هویت ملی

۲-۴-۱- بعد اجتماعی هویت ملی

از دیدگاه اریکسون، شرایط اجتماعی سومین عامل در شکل دادن و سامان دادن به شخصیت افراد می باشد. بعد اجتماعی هویت ملی، در ارتباط با کیفیت روابط اجتماعی فرد با نظام کلان اجتماعی است. در صورت تقویت مناسبات و روابط فرد با جامعه، هویت جمعی فرد در سطح ملی شکل می گیرد (حاجیان، ۱۳۸۴ به نقل از شمشیری، ۱۳۸۷: ۵۶). چلبی بعد اجتماعی هویت ملی را چنین تعریف می کند: «احساسا تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد افراد به اجتماع ملی یا «مای ملی» که به افراد هویت جمعی می بخشد» (چلبی، ۱۳۷۸ به نقل از شمشیری). این احساس تعلق موجب مشارکت جویی عمومی می شود.

میلر نیز بر این مهم تاکید کرده و معتقد است که یکی از مشخصه های هویت، فعال بودن آن است چرا که منجر به مشارکت افراد در جامعه می شود.

ابوالحسنی (۱۳۸۸) در توضیح بیشتر در مورد بعد اجتماعی هویت ملی آورده است: «... احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد افراد به اجتماع ملی، پذیرش یکدیگر به عنوان هم وطن، نگرش مثبت به دیگران متعلق به ملت، باورهایی در باب ریشه های اجتماع ملی، اعتقادات راجع به سرنوشت آینده جامعه، افتخار به عضویت در این جامعه و علاقه و تمایل به پرداختن هزینه های لازم برای عضویت خود و تداوم حیات این اجتماع و نگرش نسبت به میانی همبستگی و همکاری اجتماعی» (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۷۵)

۲-۴-۲- بعد تاریخی هویت ملی

تحولات و فرایندهای دراز مدت تاریخی در شکل دادن به احساس عمیق دلبستگی و تعلق به یک کشور موثر است. خاطرات، رخدادها و حوادث، شخصیتها و فراز و نشیبهای تاریخی، در شکل دادن به انگاره های جمعی بسیار موثر است. بدین ترتیب بعد تاریخی هویت ملی عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی یا به تعبیر دیگر «هم تاریخ پنداری» که پیوند دهنده نسلهای مختلف به یکدیگر شده و مانع جدا شدن یک نسل از تاریخش می شود. زیرا هر جامعه ای با هویت تاریخی خود تعریف و ترسیم می شود (معمار، ۱۳۷۸ به نقل از شمسیری، ۱۳۸۷: ۵۸-۵۷). برخی از صاحب نظران اهمیت دادن به بعد تاریخی هویت ملی را مثبت ارزیابی نموده و برخی آنرا منفی دانسته اند (هابرماس، استورمر). در مجموع هویت تاریخی را می توان آگاهی و دانش نسبت به پیشینه تاریخی و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان دانست. این تعریف در برگزیده سه بعد است:

۱- دانش تاریخی

۲- تعلق خاطر تاریخی

۳- اهتمام تاریخی (معمار، ۱۳۷۸ به نقل شمسیری، ۱۳۸۷: ۵۹)

۲-۴-۳- بعد دینی هویت ملی

«نکته ای که بنظر می رسد یادآوری آن در رابطه با تاریخ معاصر ایران ضروری باشد این است که نقش و میزان اهمیت و اعتبار دین در فرهنگ معنوی و مادی و از این طریق در ترکیب هویت ملی افراد، اقشار و طبقات اجتماعی، در رابطه ای دقیق و مستقیم با رفتار رهبران دینی قرار داشته و دارد. وقتی جامعه می بیند که رهبر و یا رهبران دینی با آگاهی و حمیت ندای عدالت

خواهی سرداده، از امتیازات مادی صرفنظر نموده و با تمام وجود در راه خدا و خلق قدم برداشته، با ستمهای طبقاتی و استعماری غارتگران داخلی و خارجی مبارزه کرده و سلطه یک اقلیت را بر سیاست و فرهنگ و اقتصاد جامعه رد و نفی می کند، بر نقش و اهمیت دین در فرهنگ معنوی و مادی و در ترکیب هویت ملی افزوده می شود، و دین به صورت عامل مهم و تعیین کننده در رفتار افراد، اقشار و طبقات تجلی می کند.

برعکس، زمانی که جامعه می بیند و احساس کند که رهبران دینی در دام امتیازات دنیوی گرفتار شده و با غارتگران داخلی همکاری و با استعمارگران خارجی مصالحه و موافقت دارند و در برابر ستم های طبقاتی استعمارگران داخلی و تلاش سرمایه داران خارجی برای نفوذ و سلطه جامعه مقاومت کرده و یا عملاً اقدامی نمی کنند و به قضاوت و قناعت می ورزند. نه فقط از اهمیت و نقش دین در ترکیب هویت ملی کاسته می شود بلکه تردید و تزلزلی که به این علت در اعتقادات فرد و جامعه، آغاز شده ممکن است منجر به روز واکنشهایی گردد که به هیچ وجه با اصول سلامت و سعادت جامعه سازگار نیست. دوری از عدالت موجب تضعیف نقش دین و سیر قهرقرایی آن در ترکیب هویت ملی است» (رواسانی، ۱۳۸۰: ۴۶).

«... باید این حقیقت را پذیرفت که به علت حل نشدن تضادهای طبقاتی و اجتماعی، افزایش فقر توده های محروم و زحمتکش، افزایش روند سریع شکاف طبقاتی، ثروتمندتر شدن ثروتمندان همراه با فقیرتر شدن فقرا، ورود سرمایه های خارجی دول استعماری، واگذاری ثروتها و سرمایه ها و منابع طبیعی کشور تحت عنوان خصوصی سازی به افراد و شرکتهای خارجی و سلطه روابط فامیلی بر ضوابط اجتماعی و ثروت اندوزیهای «طبقه جدید» به تدریج اهمیت و نقش دین در ساختار فرهنگ معنوی هویت ملی اجتماعی در جامعه ما دچار نقض و تزلزل شده است. امروزه، فرار سرمایه ها و فرار مغزها از علائم تشدید بحران هویت در جامعه ماست» (رواسانی، ۱۳۸۰: ۵۱).

۲-۴-۴- بعد جغرافیایی هویت ملی

محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می آید. برای شکل گیری هویت ملی، تعیین محدوده و قلمرو و یک سرزمین مشخص، ضرورت تام دارد. تعریف در این بعد عبارت است از نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که «ما» ساکن یک شکور و یک سرزمین معین هستیم و از جایگاه مشخصی در نظام هستی برخورداریم. عنصر سرزمین که با اقتصاد و سیاست پیوند نزدیک دارد، واحد بقا را برای شخص معلوم می سازد. ... دل بستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری که با مرزهای معین مشخص می شود، شاخص های متعددی دارد که از آن جمله اند: آمادگی برای دفاع از سرزمین در زمان

بروز خطر، ترجیح دادن زندگی در کشور خود بر سایر نقاط جهان یا عدم تمایل به مهاجرت و پذیرش سرزمین مشخص به عنوان کشور (گنجی، ۱۳۷۸ به نقل از شمشیری، ۱۳۸۷: ۶۰).

۲-۴-۵- بعد فرهنگی هویت ملی

مقصود از فرهنگ، مجموعه ذهنی مشترکی است که در گذشته تاریخی مشترکی شکل گرفته و طی فرایند جامعه پذیری به نسلهای بعد منتقل گردیده و نسلهای نوین آن را به عنوان میراث گذشته به ارث برده اند (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۷۶). تعریف حاضر بسیار کلی بوده و می توان زیر مجموعه هایی را برای تدقیق آن مطرح نمود. ... میراث فرهنگی هر ملت که در هویت ملی آن موثر است مشتمل بر مجموعه مناسک عام، شیوه های معماری، سنتها، اعیاد، اسطوره ها، عرفها و فولکلور می باشد. فولکلور عبارت است از اعمال و رفتارهای کلی و گروهی که در بین مردم رایج و متداول بوده و بنا به مقتضیات، تکراری است. به علاوه در تمام فعالیتهای زندگی نقش دارد. فرد مشخصی آنها را ابداع نکرده است و در محافل رسمی جای ندارد (علیزاده ایبانه، ۱۳۷۸ به نقل از شمشیری، ۱۳۸۷: ۶۴). شاخص خای مهم این بعد چنین است:

- آیین ها و سنتهای عام
- جشنها، اعیاد و فرهنگ عامه
- ارزشهای سنتی
- لباس و طرز پوشش
- معماری بناها و مکانها
- رسوم
- عرف
- هنرهای ملی و بومی (حاجیانی، ۱۳۸۳).

۲-۴-۶- بعد زبانی هویت ملی

زبان و آثار ادبی، بعد مهمی از میراث مکتوب هر ملت است. زبان نه تنها به عنوان یک محصول اجتماعی، ابزار و وسیله ارتباطات به شمار می رود، بلکه خود به عنوان بخشی از متن روابط اجتماعی محسوب می شود که در تولید و بازسازی فرهنگ و هویت متعلق به هر جامعه نقش مهمی دارد. زبان یک ملت، نظام معنایی یک ملت است و ابزاری مهم برای حفظ، شکل گیری و انتقال فرهنگ به شمار می آید (حاجیانی، ۱۳۸۳ به نقل از شمشیری ۱۳۸۷: ۶۵). در واقع زبان هر ملت تنها وسیله سخن گفتن

و رفع نیازمندیهای روزانه وی نیست، بلکه وسیله اندیشیدن، جهان بینی، عمل اجتماعی، هویت اجتماعی و روابط خرد و کلان با یکدیگر و با جهان پیرامون و نیز با زمانهای گذشته، حال و آینده است (همتی، ۱۳۷۸ به نقل از شمشیری همان).

هر چند بایستی پذیرفت که نقش زبان در دنیای جدید در حال تغییر و نوسان است اما به هر حال زبان از عناصر فرهنگی مهم اکثر جوامع به حساب می آید و در صورت از بین رفتن آن، مسلماً هویت فرهنگی و هویت ملی آن جامعه نیز در معرض خطر قرار می گیرد (حاجیانی، ۱۳۸۴ به نقل از شمشیری، همان). در کنار زبان گفتاری، ادبیات مکتوب اشعار و منثورات ادبی و نیز مجموعه های داستانی و تصنیف ها در این حوزه کارکردهای قابل توجه دارند. ارکان عمده این بعد را می توان چنین برشمرد:

- ادبیات علمی، فلسفی، سیاسی و ... به همراه شخصیت‌های مربوط به آنها
- آثار منظوم ادبی و داستانی و شخصیت‌های مهم آنها
- ادبیات عامه
- زبان رایج
- موسیقی

۲-۴-۷- بعد سیاسی هویت ملی

۲-۵- نظریه های هویت

در یک نگاه کلی می توان نظریات مطرح شده در باب هویت را در دو رویکرد نظری شامل رویکرد مدرن و رویکرد پسامدرن دسته بندی نمود. رویکرد مدرن به تعریف هویت به وسیله عوامل از قبل موجود طبیعی، روانی، اجتماعی و یا ذاتی می پردازد (دوران، ۱۳۸۶: ۲۹)، رویکرد پسا مدرن در مقام نقد رویکرد مدرن، در تعریف هویت به وسیله عوامل از قبل موجود و یا ذاتی، به شکل گیری و تعریف هویت می پردازد. به گونه ای که بر خلاف تمرکز جامعه شناسان بر من مفعولی، و پیش فرض های روان شناسان درباره فرایندهای شناختی انسان، تمرکز رویکرد گفتمانی بر من فاعلی و اظهار بی نیازی از مفروضات معمول روان شناختی است (دوران، ۱۳۸۶: ۶۱).

در رویکرد مدرن، مهمترین نظریات مطرح شده در باب هویت جمعی نظریه کنش متقابل نمادین است که مبنای نظری این مطالعه را تشکیل می دهد و در ادامه به این نظریه که توسط جرج هربرت مید مطرح شده پرداخته می شود.

«دیدگاه کنش متقابل نمادی به عنوان یکی از دیدگاههای مسلط روانشناسی اجتماعی و مورد اقبال جامعه شناسان کوشش کرده است بنیان های نظری هویت را در قالب سازه هایی اجتماعی ارائه نماید (Howard, ۲۰۰۰). از این رو سنت جامعه شناختی نظریه هویت، بیش از همه با تعامل گرایی نمادین پیوند خورده است. قضیه بنیادین در تعامل گرایی نمادین از این قرار است که مردم معانی نمادین را به اشیاء، رفتارها، خودشان، و دیگران الصاق، و این معانی را طی تعامل منتقل می کنند و بسط می دهند. بنابر این، افراد نه بر مبنای خصوصیات انضمامی اشیاء، بلکه بر مبنای معانی که این اشیاء برای آنان دارند؛ رفتار می کنند. پس معانی و در نتیجه هویتها طی تعامل شکل می گیرند و بسط می یابند. هر چند تجربه فردی و ساخت شخصی معنا، معانی مشترک اجتماعی را جرح و تعدیل می کند. بدین ترتیب هویتها، شخص را بنابر روابط ضمنی شان، در فضای اجتماعی قرار می دهند و نمادهایی هستند که معانی شان بسته به کنش گران و موقعیتها تغییر می کند.

ویژگی مشترک تعامل گرایان نمادین، اهمیتی است که برای محیط اجتماعی در شکل گیری خود قائل اند، لیکن رویکردهای تعامل گرا به هویت، در تاکید شان بر ساخت هویت از سویی و فرایندها و تعاملاتی که طی آنها هویتها ساخته می شوند، از سوی دیگر، تفاوت می کنند و به دو دسته تعامل گرایان ساختی و تعامل گرایان فرایندی تقسیم می شوند (دوران، ۱۳۸۶: ۳۱).

هربرت مید از صاحب نظرانی است که در حوزه هویت اجتماعی نظرات ارزشمندی دارد. وی بر این باور است که جامعه همان مناسبات میان افراد است، و افراد نیز خارج از مناسبات اجتماعی نمی توانند وجود داشته باشند. از دیدگاه مید، هر فرد هویت خود خویشتن را از طریق سازماندهی نگرشهای فردی دیگران در قالب نگرش های سازمان یافته اجتماعی یا گروهی شکل می دهد. به بیان دیگر تصویری که فرد از خود می سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می کند، بازتاب نگرشی است که دیگران نسبت به او دارند (مید، ۱۹۷۶: ۲۲۲). وی بر این باور است که «رفتار یک فرد را تنها می توان از طریق فهم کلی رفتار گروه اجتماعی اش دریافت، زیرا کنش های فردی به کنش های اجتماعی گسترده تری وابسته اند که به فراسوی یک فرد و به اعضای یک گروه مرتبط اند (همان، ۲۵۱) همچنین اشاره می کند که «بدون کنش متقابل اجتماعی با افراد دیگر، هیچ فردی نمی تواند بین محتوای ذهنی و خصوصی تجربیاتش پیوند برقرار نمایند و بدون ارتباط با دیگران فرد نمی تواند به خود به عنوان یک انسان آگاهی یابد و صاحب هویت و شخصیت شود (همان، ۲۲۵). مید در ادامه می نویسد که ما افرادی هستیم که با یک ملیت مشخص زاده می شویم و از نظر جغرافیایی در یک نقطه خاصی قرار می گیریم و دارای روابط خانوادگی متنوعی هستیم، همه اینها موقعیت خاصی را باز می نمایند که «من مفعولی» را می سازند اما ارگانسیم «من فاعلی» هر فرد در برابر «من مفعولی» پیوسته واکنش نشان می دهد. انسانها در ساختارهای اجتماعی که خود نیافریده اند زاده می شوند و باز در درون سازمان

اجتماعی و نهادی ای که خود نساخته اند زندگی می کنند و تحت فشار محدودیتها، آداب و رسوم و قوانین عمل می کنند؛ از این رو رفتار یک را فرد تنها می توان از طریق فهم کلی گروه اجتماعی اش دریافت، زیرا کنش های فردی به کنش های اجتماعی گسترده تر وابسته اند که به فراسوی یک فرد و به اعضای دیگر گروه مرتبط اند (کوزر، ۱۳۷۶: ۴۴۴). با این اوصاف اگر فرد ببیند طرز تلقی دیگران نسبت به آنها تغییر پیدا کرده است و یا دریابد که طرز تلقی دیگران عمومیت و اهمیت بیشتری یافته است آنها نیز هویت خود را تغییر می دهند و هم‌رنگ جماعت می شوند.

به طور کلی می توان اظهار داشت که مید تاکید بیشتری بر «من مفعولی» دارد که ذاتا و لزوما اجتماعی است و در جریان ارتباطات و تعاملات شکل گرفته است، این «من مفعولی» که می توان آن را هویت محسوب کرد نقش مهمی در احساس تعهد و تکلیف نسبت به گروه و اعمال کنترل اجتماعی دارد اما «من فاعلی»، یا خلاق هر فرد نشان دهنده قوه ابتکار و آزادی شخصی است و جنبه منحصر به فرد «خود» را تشکیل می دهد و از آنجا که در آگاهی حضور ندارد و نامناسب با موقعیت ها بروز می کند نمی توان آن را «هویت» قلمداد نمود. بنابر این «هویت» را می توان همین «من مفعولی» دانست که در اینجا عبارتست از پنداشتی که شخصی از خودش در جریان تعاملات با دیگران بدست می آورد.

«دیدگاه کنش متقابل نمادی به عنوان یکی از دیدگاههای مسلط روان شناسی اجتماعی و مورد اقبال جامعه شناسان کوشش کرده است بنیان های نظری هویت اجتماعی را در قالب سازه های اجتماعی ارائه نماید (دوران به نقل از افروغ، ۱۳۸۰: ۹؛ Howard, ۲۰۰۰). از این رو سنت جامعه شناختی نظریه هویت، بیش از همه با تعامل گرایی نمادین پیوند خوده است (دوران به نقل از شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۰: ۶-۵۴) قضیه بنیادین در تعامل گرایی نمادین از این قرار است که مردم معانی نمادین را به اشیاء، رفتارها، خودشان و دیگران الصاق، و این معانی را طی تعامل منتقل می کنند و بسط می دهند. بنابر این، افراد نه بر مبنای خصوصیات انضمامی اشیاء، بلکه بر مبنای معانی که این اشیاء برای آنان دارد، رفتار می کنند. پس معانی و در نتیجه هویت ها طی تعامل شکل می گیرند و بسط می یابند (دوران به نقل از Woodward, ۲۰۰۰: ۱).

نظریه جرج هربرت مید درباره خود^۲ و نحوه تکوین آن به خوبی نشان می دهد که هویت (به معنی خود) مضمون و ماهیتی اجتماعی دارد. در چارچوب این نظریه هویت اجتماعی میان روانشناسی فرد یا بازنمایی خود و ساختار و فرایند گروههای اجتماعی که خود در درون آنها قرار دارد پیوند برقرار می شود. هویت یا «خود» در نزد مید دارای دو وجه فاعلی و مفعولی است. بر اساس بعد مفعولی، هویت باید به عنوان یک «خود باز» دیده شود که تحت تاثیر «دیگران» شکل می گیرد. فرایندهای جامعه پذیری موجب می شود که خود تحت تاثیر زمینه، عرصه یا موقعیت اجتماعی خصلتی پویایی و بازتابی به خود بگیرد. فکر اصلی مید آن

^۲Self

است که شخصیت (که منظور همان خود یا هویت است) در فرایند تحولات اجتماعی و در بطن زندگی جمعی ظهور و رشد می کند. بعدها بلومر این ایده را توسعه داد که من اجتماعی تحت تاثیر هنجارهای فرهنگی، موقعیتها و توقعات اجتماعی به وجود می آید. منظور وی از موقعیت شرایطی است که در آن هم هنجارهای فردی یا خرده فرهنگی نهفته اند و هم هنجارهای کلان قرار دارند. در واقع در برخورد میان فرهنگ کلان جامعه و فرهنگ قومی یا فردی، خرده فرهنگها به وجود می آیند (حاجیان، ۱۳۸۷: ۱۴۶).

۲-۶- مفاهیم آینده پژوهی

آینده پژوهی به عنوان یک علم جدید ریشه در اندیشه های دانشمندان چون ولز و آگبرن دارد، به گونه ای که در دهه ۱۹۴۰ میلادی نخستین پروژه پیش بینی باموضوع فناوری های آینده به شکلی موفقیت آمیز انجام شد. در این پروژه ظهور بسیاری از فناوری ها مانند الکترونیک و لیزر پیش بینی شده بود. دانش آینده پژوهی به شکل امروزی آن، پس از جنگ جهانی دوم در اندیشه رند^۳ نیروی هوایی ایالات متحده شکل گرفت. این اندیشه گاه با توجه به رشد سرسام آور سرعت تغییرات در حوزه های مختلف که در پی توسعه روز افزون علم و فناوری پدید آمده بود به آینده پژوهی به عنوان ابزاری برای جلوگیری از غافل گیری در برابر این تهدید روی آورد. در این اندیشه گاه مبانی نظری، اصول موضوعه و روش های علمی این دانش توسعه یافت و این دانش به یک رشته علمی و دانشگاهی مبدل گشت. دیری نپایید که اهمیت آینده پژوهی در تحقق اهداف نظامی آمریکا موجب شد که اندیشه گاه رند از نیروی هوایی به پنتاگون منتقل گردد. از دهه ۱۹۶۰ میلادی پروژه های غیرنظامی نیز در دستور کار رند قرار گرفت. در پی این امر اندیشه گاه رند از حالت یک مؤسسه نظامی خارج و به بازوی تفکر کاخ سفید مبدل گشت. با این اتفاق در دانشگاه های مختلف رشته آینده پژوهی راه اندازی شد و دانش مدرن آینده پژوهی در خدمت اهداف غیرنظامی نیز قرار گرفت. از آن زمان تاکنون به طور روز افزونی این دانش نقش پررنگ تری در زندگی بشر پیدا کرده و هر روز با اقبال بیشتری از سوی دولت ها، سازمان ها و گروه های مختلف جامعه روبهرو می شود.

در این بخش تلاش شده است تا مفاهیم محوری و کلیدی مطرح در آینده پژوهی مورد بررسی قرار گیرد. هدف از ارائه این مفاهیم فراهم ساختن زمینه ای برای شفاف سازی مفاهیم و برداشت مشترک از واژگان مورد استفاده در علم آینده پژوهی و همچنین در این گزارش است. در ادامه دو مفهوم کلیدی «آینده ها» و «ابعاد مختلف آینده» مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۶-۱- مفهوم کلیدی «آینده‌ها» در آینده‌پژوهی

یکی از مفاهیمی کلیدی در آینده‌پژوهی تغییر تمرکز از یک آینده محتوم به چندین آینده است. مطرح شدن این نوع نگاه بر اساس نظریه‌ای است که در زیر بدان پرداخته شده است. در این نظریه ابعاد مختلفی برای آینده در نظر گرفته شده است و معتقد است که حداقل چهار نوع آینده شامل «آینده‌های ممکن»، «آینده‌های باورپذیر»، «آینده‌های محتمل» و «آینده‌های مطلوب» باید مورد نظر قرار گیرد.

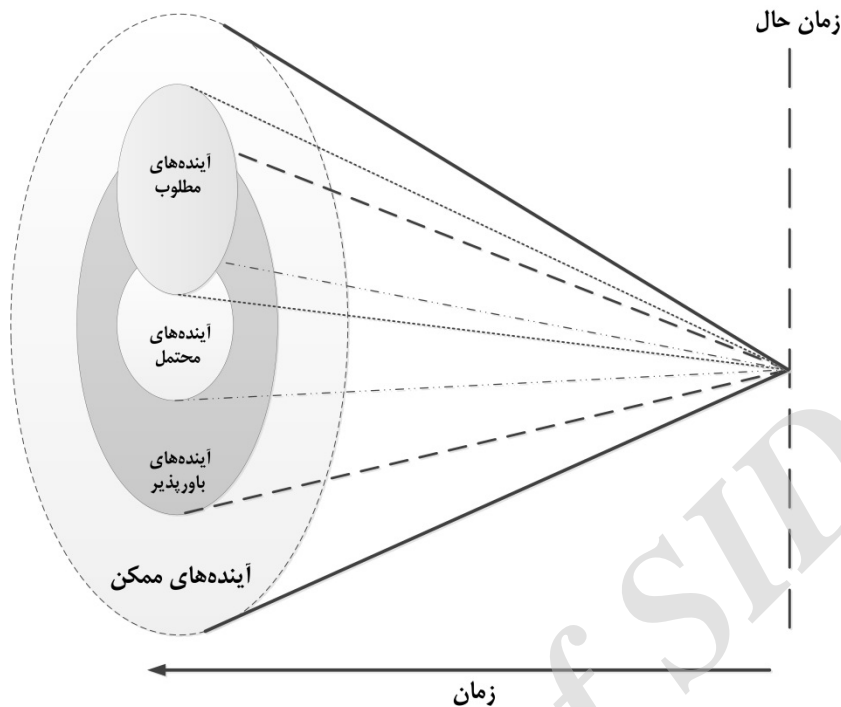
الف- آینده‌های ممکن^۴: شامل تمامی وضعیت‌های ممکن یا شدنی است که امکان تحقق آن در آینده وجود دارد، هرچند از نحوه تحقق آن اطلاعی وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر آینده‌های ممکن در صدد افزایش دامنه تفکر و کشف آن دسته از آینده‌هایی هستند که به صورت معمول مورد توجه قرار نمی‌گیرد و یا شواهدی برای توجه عموم به آن وجود ندارد.

ب- آینده‌های باورکردنی^۵: شامل آن دسته از موقعیت‌هایی است که تحقق آن‌ها قابل باور باشد. به عبارت دیگر گروهی از آینده‌های متفاوت که رخداد آن‌ها براساس دانش فعلی بشر امکان‌پذیر نیست، می‌تواند در این دسته قرار گیرد. برخلاف «آینده‌های ممکن»، که ممکن است شامل آینده‌هایی باشند که متناقض با درک و دانش فعلی بشری هستند، آینده‌های باورکردنی منطبق بر علوم موجود و تثبیت شده هستند. به عنوان مثال در آینده‌های باورکردنی، آینده‌ای مخالف و متناقض با اصول فیزیکی قابل پذیرش نیست. به عنوان مثال بر اساس دانش حال حاضر، سرعت هیچ پدیده فیزیکی نمی‌تواند بیش از سرعت نور باشد. پس در نظر گرفتن آینده‌ای که در آن سرعت پدیده‌ای بیش از سرعت نور باشد، هرچند آینده‌ای ممکن است، اما باورکردنی نیست. بدین ترتیب آینده‌های باورکردنی زیر مجموعه‌ای از آینده‌های ممکن خواهند بود. این دسته از آینده‌ها در پاسخ به پرسش «چه چیزی می‌تواند تحقق یابد؟»، بیان می‌شود. سناریوها، آینده‌های باورکردنی هستند که می‌توانند در آینده محقق شوند و هر یک داستان متفاوتی از آینده را بیان می‌کند. به عبارتی دیگر سناریوها^۶، مطلوب یا نامطلوب نیستند، بلکه وضعیتی باورپذیر از آینده هستند.

^۴Possible Futures

^۵Plausible Futures

^۶Scenario



شکل ۱- مخروط آینده و آینده‌های بدیل

ج- آینده‌های محتمل^۷: به آن دسته از آینده‌هایی اشاره دارد که احتمالاً تحقق می‌یابد. به عنوان مثال ادامه روندهای فعلی از جمله آینده‌هایی است که احتمالاً اتفاق می‌افتد. برای این نوع آینده‌ها می‌توان احتمال وقوع مختلف را برای هر حالت در نظر گرفت، زیرا برخی از آینده‌ها نسبت به بقیه محتمل‌تر هستند. معمولاً آینده‌هایی که ادامه وضعیت گذشته و حال هستند، برای کوتاه‌مدت به عنوان آینده‌های محتمل در نظر گرفته می‌شوند، حال آنکه هرچه افق زمانی آینده‌اندیشی خود را گسترده‌تر کنیم، از احتمال تحقق آن‌ها کاسته می‌شود؛ زیرا در بلند مدت بسیاری از روندها به صورت پیوسته فعلی نخواهند بود و تعدادی از روندهای فعلی محو یا دچار گسست می‌شوند. آینده‌های محتمل زیرمجموعه‌ای از آینده‌های باورکردنی است. در پیش‌نگری (به عنوان حوزه‌ای علمی) بیشترین توجه به آینده‌های محتمل است و سعی می‌شود تا محتمل‌ترین آینده‌ها شناسایی شوند. این دسته از آینده‌ها در پاسخ به پرسش که «چه چیزی احتمالاً تحقق می‌یابد؟»، پدید می‌آیند.

د- آینده‌های مرجح (مطلوب)^۸: این دسته از آینده‌ها، آینده‌های مطلوب ما هستند. برخلاف سایر آینده‌های دیگر (آینده‌های ممکن، آینده‌های باورکردنی و آینده‌های محتمل) که از نوع شناختی هستند، آینده‌های مطلوب از نوع برانگیزاننده هستند. این آینده‌ها بر آمده از قضاوت‌های ارزشی بوده و از این رو بیشتر ذهن‌گرا هستند تا عین‌گرا. از سویی دیگر به واسطه آنکه افراد

^۷ Probable Futures

^۸ Desirable (Preferable) Futures

متفاوت دارای قضاوت‌های ارزشی مختلفی هستند، لذا آینده‌های مرجح برای افراد گوناگون متفاوت است و ممکن است آینده‌ای که برای فرد یا گروهی ارجح است برای دیگران نامطلوب باشد. دست‌یابی به آینده‌های مرجح نیز وابسته به مشارکت‌کنندگان در ساخت آینده است و هر آینده مرجح تنها برای مشارکت‌کنندگان در تدوین آن، آینده‌ای برتر از سایر آینده‌ها است. تدوین آینده مرجح غالباً از طریق برگزاری کارگاه‌های هم‌اندیشی و با مشارکت صاحب‌نظران صورت می‌پذیرد. در مورد آینده‌های مرجح این امر اهمیت دارد که این آینده یا آینده‌ها برای چه کسانی ارجح است؟ آینده‌های مرجح در پاسخ به پرسش که «چه چیزی را مطلوب می‌دانیم؟»، پدید می‌آیند.

مجموعه این مفاهیم که در نموداری توسط ژوزف وروس ترسیم شده (شکل ۱)، نشان‌دهنده این است که از زمان حال به آینده‌های بالقوه‌ای می‌توان رسید که هر یک نشان‌دهنده مجموعه‌ای از رویدادهای آینده خواهند بود. (Voros, ۲۰۰۳)

۲-۶-۲- ابعاد مختلف آینده

براساس پیش فرض‌های دیدگاه‌های آینده‌نگارانه، لازم است تا برای ساخت آینده به ابعاد مختلف آن دقت شود. لذا ضروری است تا به این پرسش پاسخ داده شود که «آینده چگونه ساخته می‌شود؟» بدین ترتیب آینده‌پژوه تنها ناظر بیرونی نیست که آینده قطعی را می‌بیند، بلکه کسی است که در ساخت آینده‌ای مطلوب گام برمی‌دارد و می‌تواند مشارکت گروه‌های مختلف را برای ساخت آینده جلب و هماهنگ سازد. جیمز دیتور^۹، یکی از آینده‌پژوهان برجسته، آینده را حاصل اندرکنش چهار عامل می‌داند (شکل ۲). این چهار عامل عبارتند از: «روندها»^{۱۰}، «رویدادها»^{۱۱}، «تصویرها»^{۱۲} و «اقدامها»^{۱۳}.

بی‌شک روندها و رویدادها به عنوان شناخته‌شده‌ترین واژه‌های آینده‌اندیشی، بر دو ویژگی آینده متمرکز هستند. روند به پیوستگی تاریخی و زمانی اشاره دارد و طبق آن، آینده ادامه وضعیت گذشته دانسته می‌شود. برخلاف روندها، رویدادها بر گسستگی تاریخی تأکید دارد و آینده را نتیجه تغییر در وضعیت فعلی می‌داند. هر یک از این دو مفهوم دو جنبه از آینده را نشان می‌دهند که لازم است به هر دو آن‌ها توجه شود. روند عبارت است از: تغییرات منظم داده‌ها یا پدیده‌ها در خلال زمان. روندها از گذشته آغاز می‌شوند و تا آینده ادامه می‌یابند. اما رویداد، بر خلاف روند، حاصل یک اتفاق یا حادثه است که به شدت بر روند و به طور کلی بر آینده تأثیر می‌گذارد.

^۹J. Dator

^{۱۰}Trends

^{۱۱}Events

^{۱۲}Images

^{۱۳}Actions

تصاویر، حاصل برداشت یا خواست افراد یا گروه‌های گوناگون درباره آینده است. تصاویر به صورت‌های مختلف انتشار می‌یابند. از جمله در سخنرانی‌ها، گفتگوها و سناریوهایی که از طرف بازیگران تهیه می‌شود. در نهایت اقدامی عملی است که براساس تصاویر بازیگران از آینده شکل می‌گیرد. (Dator, ۱۹۹۶) در ادامه درباره هر یک از این مفاهیم به اجمال توضیحاتی ارائه شده است.

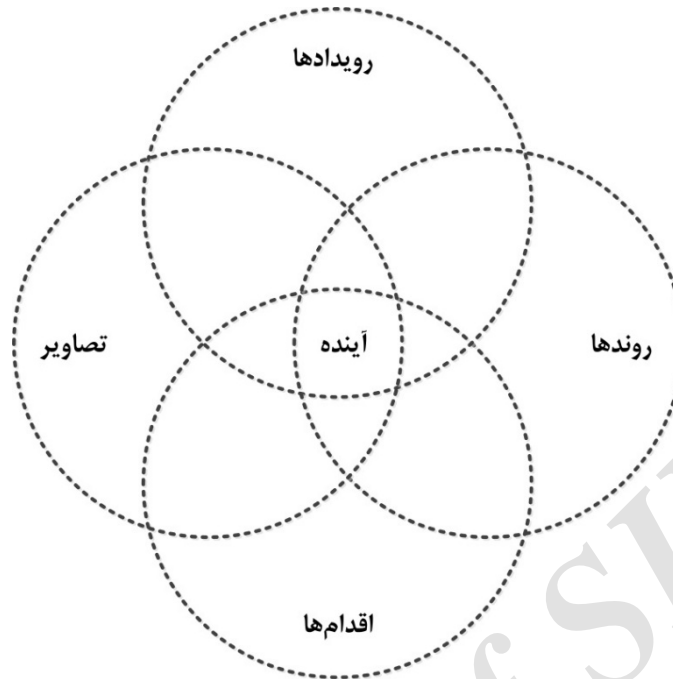
الف- روندها: روندها در اغلب روش‌های آینده‌پژوهی مورد استفاده قرار می‌گیرند و به طور معمول اولین بخش فعالیت‌های آینده‌پژوهی را تشکیل می‌دهند. مفهوم روند از حوزه مباحث مالی به آینده پژوهی وارد شده است. در مباحث مالی جهت اصلی تغییر قیمت‌ها «روند قیمت» نامیده می‌شود. این جهت‌گیری ممکن است فزاینده یا کاهنده و بلند مدت، کوتاه‌مدت یا میان مدت باشد. آلن دیردورف^{۱۴} مفهوم روند را در واژه‌نامه بین‌المللی اقتصاد به صورت ذیل تعریف کرده است: «تعریف بلندمدت یک متغیر اقتصادی، به گونه‌ای که میانگین نرخ افزایش یا کاهش آن متغیر، در یک بازه زمانی کافی در نظر گرفته شده باشد تا ادوار مختلف تجاری را شامل شود». (deardorff, ۲۰۰۶) این تعریف بر این نکته تأکید دارد که تغییرات متغیر مورد نظر باید در بازه زمانی بلندمدت در نظر گرفته شود تا متغیر بتواند شامل ادوار تجاری گوناگون باشد. به عنوان مثال برای برآورد نرخ اشتغال کارگران، تنها فصل تابستان را به عنوان یک دوره کاری نمی‌توان در نظر گرفت بلکه سایر فصول را نیز باید برای برآورد نرخ اشتغال مد نظر قرار داد.

در تعریفی دیگر «روند، هنگامی ظاهر می‌شود که چند پدیده دارای گرایش یا جهت تغییری یکسان باشند». در نگاهی کلی می‌توان روند را بدین شکل تعریف کرد: «تغییرات منظم داده‌ها یا پدیده‌ها در خلال زمان». طبق این تعریف مهم‌ترین ویژگی‌های روندها را می‌توان موارد زیر دانست «تغییرات دسته‌ای از داده‌ها یا پدیده‌ها هستند»، «تغییرات در بازه زمانی خاصی رخ می‌دهند»، «به ساده‌سازی پیچیدگی در پدیده‌ها می‌پردازند». واژه «منظم» در تعریف فوق، بیانگر آن است که می‌توان تغییرات داده‌ها را براساس الگویی ساده شده نشان داد. ذکر روند درباره بسیاری از پدیده‌هایی که بر ساخته اجتماعی هستند، مشکل است و لذا تجربه‌پذیری یا آزمایش تجربی آن با مشکل مواجه می‌شود. روندها براساس این پیش فرض شکل می‌گیرند که تغییرات در جهان دارای پیوستگی تاریخی هستند. روندها در بازه‌ای مشخص از زمان قابل توصیف هستند، اما این بازه زمانی، به شدت به موضوع روند و حوزه دانشی آن وابسته است. البته باید اشاره کرد گردآوری داده‌ها، مرتب‌سازی آن‌ها، یافتن الگوی روند و تحلیل آن، به سادگی امکان‌پذیر نیست. دو موضوع وجود اغتشاش و تعیین نظری الگوی مناسب، مهم‌ترین مشکلات تعیین روند هستند.

^{۱۴} Deardorf

انواع روندهای شناسایی شده در سه دسته زیر جای می‌گیرند:

- روندهایی که استمرار حال و گذشته‌اند: برای فهم این روندها باید آنچه که در شرف وقوع است و آنچه را که پیش‌تر روی داده، به‌دراستیمورد شناسایی قرار گیرد. بخشی از این شناخت با تأمل در تجربه‌های شخصی و بخشی دیگر با درک آموزه‌های علوم طبیعی و اجتماعی به‌دست می‌آید. آداب و رسوم و آموزه‌های مذهبی، فلسفیه تاریخی نیز می‌توانند در این شناخت مؤثر باشند. این نوع از روندها بیش‌تر در طرح‌های استراتژیک مورد بررسی قرار می‌گیرند.
- روندهای یادآوری: این روندها در گستره تجارب شخصی ما قرار نمی‌گیرند، بلکه بخشی از ابعاد گذشته‌های دورتر هستند. در این وادی، تکیه بر موفقیت‌ها یا شکست‌های شخصی برای پیش‌بینی آینده می‌تواند گمراه‌کننده باشد، زیرا ما هیچ‌گاه شخصاً آن طور که در آینده تجربه خواهیم کرد یا چنان‌که دیگران پیش از ما آزموده‌اند، آن‌ها را در حال حاضر تجربه و لمس نخواهیم کرد، اما شاید در اسناد و مدارک تاریخی، فلسفیه مذهبیه در آداب و رسوم مردم، ثبت و ضبط شده و به طور ضمنی در دسترس ما قرار گیرند. همچنین شاید کشف و شناخت پاره‌ای از این روندها، مستلزم بهره‌گیری از فنون ریاضی باشد، بنابراین چون ما تأثیر این روندها را شخصاً نیازموده‌ایم، در درک کامل این مسأله که چه انتظاراتی از آن‌ها داشته باشیم، مشکلات فراوانی خواهیم داشت.
- روندهای نوظهور: آینده ممکن است آستن اموری باشد که کاملاً نو بوده و پیش از آن هرگز به تجربه بشری درنیامده باشد. چنین روندهایی «مقوله‌های نوظهور» نامیده می‌شوند. گرچه احتمال بروز آن‌ها در آینده وجود دارد، اما در حال حاضر به‌سختی قابل مشاهده‌اند و در گذشته هم موجود نبوده‌اند. «بسیاری از آینده‌پژوهان استدلال می‌کنند که مهم‌ترین روندهای آینده، مقوله‌های نوظهورند که عمدتاً پیامد مستقیم یا غیرمستقیم فناوری‌هایی جدید هستند». به اتکای این فناوری‌ها، بشر می‌تواند دست به کارهایی بزند که قبلاً نمی‌توانسته (یا به عکس، کارهایی را که قبلاً به‌سادگی انجام می‌داده، اکنون برایش دشوار شده) و در عین حال، محیط زندگی انسان را نیز تغییر داده‌اند. روش‌های شناسایی مقوله‌های نوظهور کاملاً با روش‌های سنجش و پیش‌بینی روندهای یاد شده بالا تفاوت دارد. برای درک و شناخت سی سال آینده و پس از آن، مهم‌ترین نوع روندها مقوله‌های نوظهور هستند.



شکل ۲ - مولفه‌های آینده از نگاه جیمز دیتور

ب- رویدادها: رویدادها، توصیفی از گسستگی تاریخی هستند، آنها وقایعی هستند که باعث قطع پیوستگی تاریخی می‌شوند. رویدادها همان وقایعی هستند که مردم را نسبت به کفایت و کارایی تفکر، پیرامون آینده به تردید می‌اندازند. به عنوان مثال روند رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^{۱۵} در کشورهای جهان، در سال‌های پس از جنگ سرد به صورت نمایی افزایش یافت. رشد سالیانه فزاینده سرمایه‌گذاری‌های خارجی در آن سال‌ها، فعالان این عرصه و همچنین شرکت‌های چند ملیتی را با برآوردهای خوش‌بینانه‌ای نسبت به آینده امیدوار می‌کرد، اما واقع یازدهم سپتامبر و حمله تروریستی به برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی، این روند را با گسست رو به رو ساخت، به طوری که از سال ۲۰۰۱ روند سرمایه‌گذاری خارجی در جهان با کاهش مواجه شد تا آنجا که پس از هشت سال از این رویداد، میزان سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۰۹ برابر با میزان سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۲۰۰۱ برآورد می‌شود. رویدادها به دلایل گوناگون رخ می‌دهند، اما در بسیاری از روش‌های آینده‌پژوهی، شناسایی رویدادها از آن رو اهمیت دارد که بر مواردی تأکید دارند که متفاوت با وضعیت فعلی و روندهای موجود است و با وقوع آنها آینده تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

^{۱۵} Foreign Direct Investment

یکی از انواع مهم رویدادها شگفتی‌سازها^{۱۶} است. شگفتی‌ساز، رویدادی است که احتمال وقوع بسیار کمی دارد اما وقوع آنها آینده را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. ممکن است بسیاری از سناریوها درباره وقوع یک رویداد یا یک شگفتی‌ساز باشد. به عنوان مثال وقوع زلزله در سال جاری احتمال چندانی ندارد اما در بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها، با نگارش سناریویی درباره رخداد زلزله در سال جاری، تلاش می‌شود وضعیت سازمان، شهر یا کشور را در آن سناریو شناسایی کرد.

ج- تصویرها: مفهوم تصویر که پیش از دیتور توسط آینده‌پژوه هلندی، فرد پولاک^{۱۷}، در کتابی تحت عنوان «تصویر آینده»^{۱۸} آینده^{۱۸} معرفی شد (polak, ۱۹۶۱) به این پرسش مهم پاسخ می‌دهد که: «آیا موفقیت جمعی یک قوم (یا تمدن) نتیجه و پیامد تصویری است که آن قوم (یا تمدن) از آینده دارد یا برعکس تصویر مثبت یک قوم (یا تمدن) نتیجه و پیامد موفقیت جمعی است؟» پولاک پس از بررسی وضعیت اقوام و تمدن‌های تاریخی مانند قوم یهود و تمدن ایران باستان، چنین نتیجه می‌گیرد که تصویر مثبت از آینده مقدم و موفقیت، تالی آن است. دیتور نیز ضمن تأکید بر درستی این ادعا معتقد است که: یکی از مأموریت‌های آینده‌پژوهی این است که به مردم کمک کند تا تصویرهای خود را از آینده، شامل ایده‌ها، دغدغه‌ها، امیدها، باورها و علاقه نسبت به آینده محک زده، شفاف کنند و بدین ترتیب کیفیت تصمیم‌گیری‌های آینده را بهبود دهند. دیگر این که آینده‌پژوهی در صدد کمک به مردم است تا تصویرها و اقدام‌های خود را از حد کوشش‌های منفعلانه فراتر برده، بکوشند تا آینده را پیش‌بینی کرده و سپس بر پایه‌ی این پیش‌بینی‌ها، طرح‌های عملی خود را به پیش ببرند. این فقط گام اول آینده‌نگری است. گام بعدی ایجاد «تصویرهای مثبت از آینده» (آینده‌های مطلوب و مرجح) و اقدام به طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری براساس تصویرهای مثبت است.

بدین ترتیب تصویر چیزی نیست که اکنون به صورت اطلاعات واقعی و صریح وجود دارد بلکه مؤلفه‌هایی از آینده است که مردم در ذهن خود می‌پروراند. در نتیجه، این تصویرها از جنس چشم‌انداز و هنجاری هستند. تصویر، هم براساس امیدها و هم براساس ترس‌های جامعه ساخته می‌شود. آرمان‌شهرها^{۱۹} نمونه‌هایی از تصاویری هستند که امیدها و مطلوب‌های یک جامعه را در وضعیت آرمانی‌اش توصیف می‌کنند؛ در مقابل، ویران‌شهرها نمونه‌هایی از تصاویر جامعه ناشی از ترس هستند. ویران‌شهرها^{۲۰} تصاویری از جامعه‌ای هستند که نامطلوب تلقی می‌شوند و ترس یک جامعه را از وضعیت آینده به نمایش می‌گذارند. هاکسلی^{۲۱}

^{۱۶} Wildcards

^{۱۷} Fred Polak

^{۱۸} The image of the future

^{۱۹} Utopia

^{۲۰} Dystopia

^{۲۱} Huxley

به عنوان یکی از نویسندگان متقدم ویران‌شهری، با کتاب «دنیای شگفت‌انگیز نو»^{۲۲} تصاویر وحشتناکی را از دنیای آینده پیش روی خوانندگان می‌گذارد (Huxley, ۲۰۰۶).

د- اقدام‌ها: اقدام، به کنش و آنچه جامعه‌شناسان با نام «کنش اجتماعی» از آن یاد می‌کنند، اشاره دارد به گونه‌ای که برآمده از تصورات فرد یا سازمان است. اقدام می‌تواند متأثر از عوامل متعددی از جمله تصویرهای فرد درباره آینده باشد. به اعتقاد آینده‌پژوهان تصویرهایی که مردم از آینده در ذهن خود می‌پروراندند و اقدام‌هایی که بر مبنای آن‌ها انجام می‌دهند، شکل‌دهنده وضعیت آینده است (Dator, ۱۹۹۶).

اقدام‌ها از یکسو بر شکل‌گیری آینده و در نتیجه بر کل فرآیند آینده‌پژوهی تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر از سایر عوامل و برون‌دادهای آینده‌پژوهی تأثیر می‌پذیرند، چرا که اقدام‌های افراد براساس تصویرهای تولید شده درباره آینده شکل می‌گیرد. وندل بل، آینده‌پژوه برجسته، یکی از اهداف عمده آینده‌پژوهی را «یکپارچگی میان دانش و ارزش‌ها برای طراحی کنش اجتماعی» می‌داند (Bell, ۱۹۹۷) مهم‌ترین نکات مرتبط با «کنش اجتماعی» به شرح زیر است:

الف- براساس تعریف وبر^{۲۳} از کنش اجتماعی، کنش‌گر در کنش خود، رفتار دیگران و حضور یا وجود آنها را در نظر دارد. به عبارت دیگر کنش در هر موقعیت اجتماعی وابسته به حضور یا عدم حضور دیگران است. ادراک آنان از کنش، واکنش آنان و تأثیر آن بر کنش دیگران از جمله مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کنش هستند؛

ب- رفتار کنش‌گر دارای ارزش نمادین برای دیگران و کنش دیگران هم واجد ارزش نمادین برای کنش‌گر است. این امر به ایجاد ارتباط بین کنش‌گر و دیگران منجر می‌شود و هر دو به صورت متقابل با کنش‌ها و واکنش‌های خود پیام‌هایی را به یکدیگر ارسال می‌کنند؛

ج- رفتار افراد در یک کنش اجتماعی، تحت تأثیر ادراک آنها از معنای کنش دیگران و کنش خودشان قرار دارد؛

د- بعضی از اقدام‌ها عمداً به قصد تأثیرگذاری بر آینده صورت می‌گیرند اما برخی دیگر نه. ولی تمامی آن‌ها بر آینده تأثیر می‌گذارند، گرچه تاکنون آنچه دلخواه بوده، به ندرت اتفاق افتاده است. (Dator, ۱۹۹۶). یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش روی آینده‌پژوهی شناسایی کنش‌هایی است که به صورت ناخواسته دارای تأثیرات بالقوه بر موضوع مورد مطالعه است؛

^{۲۲} Brave new world

^{۲۳} Weber

ه- آینده‌پژوهان به دنبال شناسایی پیامدهای برآورده نشده، غیرعامدانه و ناشناخته کنش‌های اجتماعی هستند (Bell, ۱۹۹). از این رو، لازم است تا در مطالعات آینده‌پژوهی، اقدام‌ها و کنش‌های اجتماعی به عنوان یکی از منابع تأثیرگذار و شکل‌دهنده آینده، مطالعه شوند؛

و- آینده‌پژوهی در صدد کمک به مردم است تا تصویرها و اقدام‌های خود را از حد کوشش‌های منفعلانه فراتر برده، بکوشند تا درک بهتری از آینده داشته باشند و سپس بر پایه این درک، طرح‌های عملی خود را پیش ببرند. (Dator, ۱۹۹۶) به عبارت دیگر با رویکردی فعالانه در تحقق و شکل‌دهی آینده مشارکت یابند.

۲-۷- اهداف و اصول موضوعه آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به آینده مطلوب است. آینده‌پژوهی همواره صحبت از آینده‌ها می‌کند. هدف اصلی این دانش، کشف یا ابداع، امتحان، ارزیابی و پیشنهاد آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح به منظور شکل‌گیری آینده‌ای مطلوب است. آینده‌پژوهان می‌خواهند بدانند چه آینده‌هایی می‌توانند رخ دهند (ممکن)، چه آینده‌هایی با احتمال بیشتری شکل می‌گیرند (محتمل) و چه آینده‌هایی باید برپا شوند (مرجح). آینده‌پژوهان در تلاش هستند که تصاویری بدیل و نو از آینده خلق نمایند، تصاویری از اکتشافات و چشم‌اندازهای ممکن، محتمل و مرجح از آینده. به طور کلی اهداف آینده‌پژوهی عبارتند از:

- مطالعه آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح؛
- مطالعه تصاویر آینده؛
- تفسیر گذشته و جهت‌گیری‌های حال؛
- تفسیر ارزش‌ها و معلومات برای طراحی عوامل کلیدی اجتماعی؛
- افزایش مشارکت عمومی در تصویرپردازی و طراحی آینده؛
- ترویج و اشاعه تصاویر مطلوب آینده.

آینده‌پژوهی مانند هر حوزه‌ی معرفتی دیگر، بر پیش‌فرض‌های ویژه‌ای بنا شده است. این پیش‌فرض‌ها بر تلقی مدرن از جهان هستی و نقش انسان استوار است. از این رو، چنانچه جامعه‌ای تلقی دیگری از جهان داشته باشد، پیش‌فرض‌های متفاوتی در این حوزه مطالعاتی خواهد داشت. این نکته توجه به خصلت بومی و ارزشی بودن دانش آینده‌پژوهی را به خوبی نشان می‌دهد. بسط آینده‌پژوهی با مبانی اسلامی در جامعه ما با تأمل و ایجاد تغییر در همین پیش‌فرض‌ها ممکن است. به هر حال ورود به

حوزه آینده پژوهی مستلزم توجه به این پیش فرض هاست. تلقی خطی از زمان، حتمی نبودن آینده و امکان تغییر دادن آن و تلقی ما از آرمان شهر که دستیابی به آن هدف نهایی تمامی فعالیت های آینده گرایانه است، از اصول موضوعه آینده پژوهی به حساب می آیند.

۲-۸- ابزارهای آینده پژوهی

با معرفی مؤلفه های سازنده آینده، لازم است ابزارهایی معرفی شود تا براساس آن بتوان آینده های باورکردنی و مطلوب را شناسایی کرد و مشارکت گروه های مختلف برای ساخت آینده ای که مطلوب را به صورت بیشینه و نامطلوب را به صورت کمینه دارد، هماهنگ ساخت. تفاوت آینده پژوهی با سایر تلاش های تاریخی بشر در دستیابی به تصویری از آینده، در روش علمی آن نهفته است. آینده پژوهی معرفتی علمی است و از این رو از روش شناسی علمی نیز بهره می گیرد. ابزارهای آینده پژوهی همان روش های علمی هستند که آدمی با کمک آن ها می تواند به شناخت علمی تری از آینده دست یابد. در خصوص ابزارهای آینده پژوهی توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است:

الف- گرچه روش های خاص آینده پژوهی مانند «دلفی»^{۲۴} یا «سناریو»^{۲۵} را آینده پژوهان ابداع کرده اند، اما امروزه از این روش ها در سایر حوزه های علوم اجتماعی نیز بهره گرفته می شود. به تعبیر دیگر امروزه دلفی فقط ابزار خاص آینده پژوهی نیست و به عنوان روش علمی عام برای تحقیق نیز شناخته می شود؛

ب- روش هایی که در سایر علوم به ویژه در علوم اجتماعی به عنوان روش های تحقیق شناخته می شوند، در آینده پژوهی نیز کاربرد دارد. به عنوان مثال امروزه روش های «سری های زمانی»^{۲۶}، «پیمایش»^{۲۷}، «پانل»^{۲۸}، «مدل سازی»^{۲۹} و «شبیه سازی»^{۳۰} در آینده پژوهی به به طور گسترده مورد استفاده قرار می گیرند؛

ج- از آنجا که در رویکردهای هنجاری^{۳۱}، آینده مطلوب خلق می شود، لذا همه روش های خلاقانه نیز به عنوان ابزارهای آینده پژوهان مورد استفاده قرار می گیرند؛

د- اشاره به این نکته ضروری است که در اغلب برنامه های آینده پژوهی صرفاً از یک روش بهره گرفته نمی شود، بلکه تلاش بر این است که ترکیب مناسبی از روش ها مورد استفاده قرار گیرند، به همین دلیل انتخاب روش های مناسب و ترکیب بهینه آنها

^{۲۴} Delphi
^{۲۵} Scenario
^{۲۶} time series
^{۲۷} survey
^{۲۸} panel
^{۲۹} modeling
^{۳۰} simulation
^{۳۱} normative

موضوعی مهم در این حوزه محسوب می‌شود. در اینجا مراد از ابزار، هرگونه ابداع یا ترکیب هدفمندی از روش‌های آینده‌پژوهی یا سایر روش‌های عام تحقیق است. گزینش روش‌ها به عوامل متعددی بستگی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

- در دسترس بودن منابع (زمان، منابع مالی، نیروی انسانی، اطلاعات)؛
- مشارکت‌کنندگان مطلوب (خبرگان، تسهیل‌کنندگان)؛
- مناسب بودن روش ترکیب با سایر روش‌ها؛
- برون‌دادهای مطلوب آینده‌نگاری؛
- هنجاری یا اکتشافی^{۳۳} بودن برنامه؛
- مکمل بودن روش‌ها نسبت به هم؛
- متناسب بودن سایر ویژگی‌های برنامه مانند: افق زمانی حوزه مورد بحث؛
- رویکردهای روش‌شناسی، به عنوان نمونه کمی یا کیفی بودن نتایج.



شکل ۳- فراوانی روش‌های مورد استفاده در مطالعات آینده پژوهی

۲-۹- آینده‌نگاری

آینده‌پژوهی (Futures Studies) و آینده‌نگاری (Foresight) دو اصطلاحی است که برای مطالعات آینده به کار می‌رود و در بسیاری موارد مترادف و یکسان هستند هر چند که در معنای اصطلاحی با یکدیگر متفاوت می‌باشند. مهم‌ترین تفاوت آنها آن است که برنامه‌های آینده پژوهی لزوماً به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی منتهی نمی‌شود اما برنامه‌های آینده‌نگاری با هدف سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انجام می‌شود. تفاوت دیگری خواستگاه شکل‌گیری این مفاهیم است. آینده‌نگاری در ابتدا به عنوان یک ابزار سیاست‌گذاری علم و فناوری بکاررفته است اما آینده پژوهی در بسیاری مواقع چنین هدفی را دنبال نکرده است. برای آینده‌نگاری تعاریف مختلفی ارائه شده است از جمله تعریف بن مارتین (۱۹۹۵) که آینده‌نگاری را چنین تعریف کرده است: «آینده‌نگاری، فعالیتی است مشتمل بر تلاش نظام‌مند برای نگاه کردن به آینده‌های بلندمدت علم، تکنولوژی، اقتصاد و اجتماع، با هدف شناسایی فناوری‌های عام نوظهور و نیز تعیین حوزه‌های مناسب انجام مطالعه استراتژیک که ممکن است منجر به بیشترین سود در اقتصاد و اجتماع شود.» مارتین این تعریف از آینده‌نگاری را دارای پنج جنبه مهم زیر می‌داند:

- تلاش برای نگاه به آینده، هنگامی فعالیت آینده‌نگاری نامیده می‌شود که تلاشی نظام‌مند باشد. این امر نشان‌دهنده تفاوت میان آینده‌نگاری و ساخت سناریوهای مورد استفاده برای برنامه‌ریزی‌ها است؛
 - دومین وجه تمایز این فعالیت، نگاه بلندمدت آن است که بسیار فراتر از افق‌های برنامه‌ریزی معمول است. افق زمانی در فعالیت‌های آینده‌نگاری از ۵ تا ۳۰ سال است؛
 - سومین جنبه مورد لحاظ در این تعریف، توجه به تعادل میان «فشار علم و فناوری» با «کشش تقاضا» است. بدین ترتیب، نوآوری تنها محدود به فشار فناوری نمی‌شود و به نقش نیازهای برآمده از عوامل اقتصادی-اجتماعی در فعالیت آینده‌نگاری نیز پرداخته می‌شود؛
 - تمرکز فعالیت آینده‌نگاری بر فناوری‌های نوظهور، تمرکز بر فناوری‌هایی است که وارد مرحله رقابتی شده‌اند و این امر باعث می‌شود تا دولت، مشروعیت سرمایه‌گذاری و ورود به این حوزه‌ها را به دست آورد؛
 - توجه به منافع اجتماعی و عدم تمرکز صرف بر ایجاد ثروت، پنجمین وجه از تعریف فوق است.
- توسعه دانش آینده‌نگاری و افزایش کاربرد روزافزون آن باعث شد تا مارتین در سال ۲۰۰۰ میلادی تغییرات بسیار اندکی را در تعریف خود اعمال کند. به این ترتیب مارتین آینده‌نگاری را مجدداً بدین صورت تعریف کرد: «آینده‌نگاری، فرآیند تلاش نظام‌مند برای نگاه به آینده بلندمدت علم، فناوری، محیط زیست، اقتصاد و اجتماع است؛ با هدف شناسایی فناوری‌های عام نوظهور و نیز

تعیین حوزه‌های مناسب انجام مطالعه‌ی استراتژیک که ممکن است منجر به بیش‌ترین سود در اقتصاد و اجتماع شود». به این ترتیب علاوه بر پنج جنبه مهم قبلی، وی جنبه‌ی ششمی را نیز بر تعریف قایل شد:

• فعالیت آینده‌نگارییک فرآیند است. به این ترتیب و با طراحی مناسب فعالیت، حضور بازیگران فعال و کلیدی از گروه‌های ذی‌نفع جامعه مانند جامعه متخصصان، دولت، صنعت سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های مصرف‌کننده، می‌تواند در جهت ایجاد جامعه مطلوب آینده مؤثر باشد.

فعالیت آینده‌نگاری در تعریف تقریباً پذیرفته شده دیگری در سال ۲۰۰۱ توسط گویگان^{۳۳} به صورت زیر ارائه شده است: «آینده‌نگاری فرآیندی نظام‌مند، مشارکتی، و گردآورنده ادراکات آینده است که چشم‌اندازهای میان مدت تا بلندمدت را با هدف اتخاذ تصمیم‌های روزآمد و بسیج اقدام‌های مشترک، بنا می‌سازد».

در برنامه دیگری که در خصوص آینده‌نگاری و توسط اتحادیه‌ی اروپا انجام گرفت و با نام استراتا^{۳۴} شناخته می‌شود. خبرگان این برنامه، تعریف زیر را از آینده‌نگاری ارایه دادند: «آینده‌نگاری به عنوان یک ابزار مهم در توسعه و مدیریت سیستم‌های نوآور آینده‌محور است که بر پایه زمینه گسترده‌ای از فعالیت‌های هماهنگ آینده‌محور در یک جامعه بنا می‌شود. آینده‌نگاری همچنین می‌تواند به عنوان فرآیند سازماندهی شده و هدفمندی باشد که انتظارات بازیگران مختلف در مورد فناوری را با هم جمع کرده و چشم‌اندازهای استراتژیک در مورد آینده را تدوین می‌کند تا حامی و مصدق توسعه اقتصادی و اجتماعی گسترده باشد».

در ادبیات آینده‌نگاری تعریف دیگری نیز از وبستر^{۳۵} وجود دارد: «آینده‌نگاری، فرآیند سازمان‌دهی شده و هدفمندی است که انتظارات بازیگران مختلف در مورد فناوری را با هم جمع کرده و چشم‌اندازهای استراتژیک در مورد آینده را تدوین می‌کند تا حامی و مصدق توسعه اقتصادی و اجتماعی گسترده شود.»

۲-۱۰-ذی‌نفعان برنامه‌های آینده‌پژوهی

مطالعات آینده‌پژوهی فراهم‌آورنده یک چارچوب آزاد برای مباحثه و گفتگوی مداوم بین بازیگران مختلف اجتماعی است. این بازیگران عبارتند از:

- دولت و سازمان‌های دولتی؛
- صنعت؛
- دانشگاه‌ها و دانشمندان علوم طبیعی و علوم اجتماعی؛

^{۳۳}Gavigan

^{۳۴}Strata

^{۳۵}Webster

- و سایر ذی‌نفعان مانند: سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌های بازرگانان، رسانه‌ها، بانک‌ها، مدارس، عموم مردم و غیره. مهم‌ترین فایده برای این بازیگران، یادگیری است که حین فرآیند رخ می‌دهد. مثال‌هایی از مبادلات دانش انجام شده برای شرکت‌کنندگان در فرآیند آینده‌نگاری، در جدول ۱ آمده‌است.

جدول ۱- ذی‌نفعان برنامه‌های آینده‌پژوهی

ذی‌نفعان	دانش عرضه شده از سوی ذی‌نفعان	آنچه توسط ذی‌نفعان آموخته شده است
سیاستگذاران	چارچوب شرایط کاری	ورودی‌هایی برای شکل‌دهی سیاست
محققان	پیشرفت‌های علم و فناوری	نیازمندی‌های صنعت و اجتماع
شرکت‌ها	واقعیت‌های بازار	موقعیت‌های ارائه شده از سوی علم و فناوری
سازمان‌های عمومی	قضایات‌های ارزشی	نوآوری‌های مورد انتظار

۲-۱۱- مزایای آینده‌پژوهی

فرآیند و خروجی‌های یک برنامه آینده‌پژوهی، منافع زیادی را برای بازیگران اجتماعی تأمین می‌کند. پاره‌ای از این منافع در ادامه ذکر می‌شود:

- مشارکت در توسعه تفکر بلندمدت در کردارهای سیاسی؛
- تشخیص و اعلام موانع قانونی نوآوری؛
- سرعت بخشیدن به همکاری بیشتر فعالیت‌های مرتبط موسسات دولتی و وزارتخانه‌های مختلف؛
- درگیر شدن ذی‌نفعان در فرآیند تصمیم‌گیری که احتمال کاربردی شدن سیاست‌ها را افزایش می‌دهد.
- آینده‌پژوهی می‌تواند دانشگاه‌ها را در تعیین حوزه‌های جدید تحقیق، کاربردهای جدید تحقیقات موجود و ایجاد شراکت‌ها و شبکه‌های جدید، رهبری کند.
- مشارکت در آینده‌پژوهی می‌تواند آگاهی سازمان‌ها و بخش‌هایی را که کمتر در خصوص فعالیت دانشگاه‌ها آشنایی دارند، نسبت به کارهای دانشگاهی افزایش دهد؛
- تعیین اولویت‌های آینده‌پژوهی می‌تواند به تلاش برای جذب سرمایه‌های تحقیقاتی کمک کند.
- رهایی از موانع بخش‌های سنتی و بررسی آزادانه نوآوری‌ها برای یافتن موقعیت‌های جدید: اغلب می‌توان این موقعیت‌ها را در مرزهای تلاقی چند نوآوری پیدا کرد؛

- توسعه ساختارهای سازمانی منعطف با همکاری بیشتر بین همه کارکردها؛
- فراهم ساختن محیطی خلاقانه که در آن اطلاعات و ایده‌های خوب می‌توانند به آزادی جریان‌یابند؛
- سرمایه‌گذاری در مهارت‌های موردنیاز و آموزش؛
- توسعه و ایجاد یک چشم‌انداز خلاق، منعطف و بلندمدت؛
- مشارکت و مدیریت تغییر؛

۲-۱۲- کاربردهای آینده پژوهی

یک دلیل عمده‌ی افزایش کاربرد برنامه‌های آینده‌پژوهی، مزایای فرآیند آن است. این مزایای پنج‌گانه که در زبان انگلیسی با حرف C شروع شد، و اصطلاحاً CS ۵ آینده‌نگاری نامیده می‌شود، عبارتند از:

- **ارتباطات**^{۳۶}: جمع کردن گروه‌های متفاوت در کنار یکدیگر در یک اجتماع عمومی جدید که می‌توانند آزادانه با هم تعامل داشته باشند؛
- **تمرکز**^{۳۷}: تمرکز بر زمان‌های بلندمدت‌تر، با اجبار شرکت‌کنندگان به نگاه کردن به آینده‌های دور. به آینده‌ای به غیر از آنچه که تاکنون در ذهن خود تصور کرده‌اند؛
- **هماهنگی**^{۳۸}: در فرآیند آینده‌نگاری، بازیگران مختلف می‌توانند مشارکت‌های پرباری را شکل دهند؛
- **اجماع**^{۳۹}: ایجاد یک چشم‌انداز مشترک از آینده، که شرکت‌کنندگان در فرآیند تمایل پیدایمی‌کنند به آن دست یابند؛
- **تعهد**^{۴۰}: تضمین اینکه تمامی بازیگران می‌توانند و راغب هستند تا براساس راهنمایی‌یافته‌های آینده‌نگاری، جهت نیل به چشم‌انداز مطلوب، تغییرات را اعمال کنند.

۲-۱۲- انواع مطالعات آینده پژوهی

از خلال مطالعه‌ی آینده‌نگاری‌های صورت گرفته در سطح دنیا، براساس انواع نگرش‌هایی که وجود داشته است، دسته‌بندی‌های متفاوتی را می‌توان برای برنامه‌های آینده‌نگاری مشاهده کرد. در ادامه به انواع این دسته‌بندی‌ها اشاره می‌شود.

^{۳۶} Communication

^{۳۷} Concentration

^{۳۸} Co-Ordination

^{۳۹} Consensus

^{۴۰} Commitment

۲-۱۲-۱- تقسیم‌بندی براساس محدوددهی جغرافیایی مورد پوشش

- در سطح منطقه‌ای^{۴۱}
- در سطح ملی^{۴۲}
- در سطح بین‌المللی^{۴۳}

۲-۱۲-۲- تقسیم‌بندی براساس جهت‌گیری‌های^{۴۴} موضوعی

- فعالیت‌آینده پژوهیبا تمرکز بر علوم و فناوری؛
- فعالیت‌آینده پژوهیبا تمرکز بر پویایی کسب و کارها و بنگاه‌های اقتصادی؛
- فعالیت‌آینده پژوهیدر جهت دست‌یابی به چشم‌اندازهای منطقه‌ای؛
- فعالیت‌آینده پژوهیبا جهت‌گیری‌های اجتماعی فرهنگی؛
- فعالیت‌آینده پژوهیبا جهت‌گیری‌های زیست محیطی و توسعه‌ی پایدار؛
- فعالیت‌آینده پژوهیبا جهت‌گیری‌های متفرقه.

۲-۱۲-۳- تقسیم‌بندی از حیث جهت‌گیری عملی

- فعالیت‌هایی که با جهت‌گیری اکتشافی از وضعیت آینده انجام گرفته است؛
- فعالیت‌هایی که با جهت‌گیری تهیه‌یک ورودی برای برنامه‌ریزی‌های استراتژیک انجام گرفته است؛
- فعالیت‌هایی که با جهت‌گیری ساخت چشم‌انداز انجام گرفته است.

۲-۱۲-۴- تقسیم‌بندی براساس نسل‌های آینده‌نگاری

- نسل اول آینده‌نگاری، همان مرحله پیش‌بینی فناوری «خالص» است و در اصل، بسط حوزه‌های علمی (به‌عنوان محتوای اصلی) توسط دانشمندان علوم طبیعی، در جهت پیش‌بینی احتمال انجام پیشرفت‌های بالقوه در علوم و فناوری است. در این مرحله، پیش‌بینی فناوری، زمینه انحصاری و خاص‌نخبگان علم و فناوری محسوب می‌شد که براساس جهت‌گیری پیشرفت‌های فناورانه و انواع فناوری‌هایی که احتمالاً در آینده ظهور می‌کنند و نیازمند توسعه‌اند، کاملاً از

^{۴۱} Regional
^{۴۲} National
^{۴۳} International
^{۴۴} Orientation

نگاه علم و فناوری خالص، به پیش‌بینی می‌پرداختند. به همین جهت، آینده‌نگاری فناوری، ابزاری جهت نشان دادن سمت و سوی فعالیت دانشمندان و مهندسان بود.

- نسل دوم آینده‌نگاری، در بردارنده ترکیبی از دو حوزه‌ی فناوری و بازار است. این مرحله، هنگامی است که متخصصان از دانشگاه و صنعت، جهت مطالعه پیشرفت‌های آینده علم و فناوری گرد هم می‌آیند.
- نسل سوم آینده‌نگاری، متمایل به فناوری سخت است. به‌علاوه، ابعاد مختلف بازار، جامعه، اقتصاد و محیط زیست را نیز در نظر می‌گیرد. در ضمن، انواع مختلفی از مسایل را بر مبنای یک رویکرد حل مسأله (طیفی از عوامل اجتماعی، نه فقط مسایل فنی) در آینده‌نگاری فناوری لحاظ می‌کند.
- نسل چهارم آینده‌نگاری، پارادایم نوظهور در آینده‌نگاری است. نسل چهارم آینده‌نگاری فناوری، متناسب با نیازهای توسعه پایدار در چارچوب سیستم‌های نوآوری فناوری انجام پذیرفته و ابعاد چندگانه‌ی بازار، جامعه، اقتصاد، محیط زیست و امثالهم را دربرمی‌گیرد. به علاوه، فناوری نرم و فناوری سخت را توأمان در نظر می‌گیرد مانند نهادها، فرهنگ‌ها و عوامل اجتماعی مربوط.

با نگاهی به سیر تکامل آینده‌نگاری در طی سه نسلی توان گفت که آینده‌نگاری در طی سه نسل تکامل یافته است (جورجیو^{۴۵}، ۲۰۰۳). نسل اول فعالیت‌ها، شامل پیش‌بینی‌های فناورانه توسط خبرگان، نسل دوم، ورود به صنعت و بازار و نسل سوم آینده‌نگاری شامل جنبه‌های اجتماعی و کاربردی است. قابل ذکر است که این نسل‌ها از نوع ایده‌آل بوده و هر یک از فعالیت‌های آینده‌نگاری به‌طور جداگانه می‌تواند نشان دهنده عناصر دو یا حتی سه نسل باشد. این سه نسل در انواع مختلفی از ساختارهای برنامه‌ای منعکس می‌شوند. اصول تشکیل دهنده نسل اول، زمینه‌های علم و فناوری، نسل دوم، بخش‌های صنعتی و خدماتی اقتصاد و نسل سوم مسایل ریشه‌ای مرتبط با حل مسایل اقتصادی-اجتماعی است (برای مثال جوامع سالخورده یا پیشگیری از جرایم). این نسل‌ها معمولاً شامل سه دسته از بازیگران می‌شوند: اولین نسل آینده‌نگاری را خبرگان آینده‌شناسی^{۴۶} یا قلمروهای فناورانه تشکیل می‌دهند. در نسل دوم با توجه به خصوصیات موج آینده‌نگاری در دهه‌ی ۱۹۹۰، خبرگان فناوری (دانشگاهیان)، خبرگان حوزه‌ی بازار (از صنعت) را نیز در این امر شرکت می‌دهند. به طوری که آینده‌شناسی (یا مهارت آینده‌نگاری) به عنوان پیش زمینه محسوب می‌شود و هدف اصلی ایجاد تماس نزدیک‌تر میان این دو گروه نامبرده است. نسل سوم با حفظ بازیگران نسل دوم، تلاش‌های آشکاری جهت به‌کارگیری مجموعه دیگری که ذی‌نفعان اجتماعی نامیده می‌شوند،

^{۴۵} Georghiou
^{۴۶} futurology

می‌کند. این گروه‌ها نماینده شهروندان هستند. برای مثال، سازمان‌های داوطلب که رفاه افراد مسن را مورد توجه قرار می‌دهند یا سازمان‌های غیردولتی که در حوزه مسایل محیطی فعالیت می‌کنند.

در ضمن این مدل‌ها دارای روش‌های متفاوتی جهت ارزیابی هستند. در مورد نسل اول، مسایل کلیدی عبارتند از: دقت پیشگویی و انتشار نتایج (به غیر خبرگان). در نسل دوم، جذب اولویت‌ها و شبکه‌سازی، مسایل کلیدی ارزیابی را تشکیل می‌دهند. در حالی که نسل سوم مشارکت ذی‌نفعان در ارزیابی را مورد تاکید قرار داده و به دنبال دلیل ظهور فرهنگ آینده‌نگاری است. بدین ترتیب تاکید می‌شود که روش ارزیابی مشروط بر شیوه آینده‌نگاری و انتظارات و اصول منطقی وابسته به آن است.

۲-۱۲-۵- تقسیم‌بندی براساس رویکردهای آینده‌نگاری

با توجه به نسل‌های مختلف آینده‌نگاری چهار رویکرد قابل شناسایی است که بر اساس این رویکردها نیز آینده‌نگاری قابل تقسیم‌بندی است. در رویکرد نخست، صرفاً به وضعیت فناوری، بدون توجه به نتایج و اثرات اجتماعی و اقتصادی پرداخته می‌شود. افق زمانی این برنامه‌ها سه تا پنج سال است. به همین خاطر این برنامه‌ها با فواصل کوتاه‌تر زمانی تکرار می‌شوند. در رویکرد دوم، بیشتر بر جنبه‌های فنی فناوری تأکید می‌شود و سعی می‌شود تا این جنبه‌های فنی پیش‌بینی شوند. در این رویکرد، به جامعه به‌صورت کلی پرداخته می‌شود و بیشتر رابطه جامعه و فناوری یک طرفه فرضی می‌شود و سعی می‌شود تا تأثیر روندها و نیازهای اجتماعی و اقتصادی بر شکل بخشیدن و توسعه‌ی فناوری، مورد توجه قرار گیرد. افق زمانی مورد مطالعه در این آینده‌نگاری‌ها معمولاً ۲۰ تا ۲۵ ساله در نظر گرفته می‌شود، اما به ندرت تا پنجاه سال نیز دیده می‌شود.

رویکرد سوم، منطبق با نسل دوم آینده‌نگاری است و حوزه‌های وسیع‌تری را مورد پژوهش قرار می‌دهد. در این رویکرد بر جنبه‌های بازار و اقتصاد نیز توجه می‌شود و تعدادی از متغیرهای اجتماعی که شکل‌دهنده تقاضا هستند، مورد توجه قرار می‌گیرد. افق زمانی در این نوع از آینده‌نگاری‌ها ۱۰ تا ۱۵ ساله است. تفاوت این رویکرد با دو رویکرد قبلی، توجه ویژه به عوامل اقتصادی است.

رویکرد چهارم نیز منطبق با نسل سوم آینده‌نگاری است. در این رویکرد، عوامل اجتماعی به صورت کامل مورد توجه قرار می‌گیرد و رابطه دو سویه فناوری و اجتماع لحاظ می‌شود. به این ترتیب، هم تأثیر نیازهای اجتماعی و اقتصادی بر فناوری و هم تأثیر فناوری در چالش‌های اجتماعی بررسی می‌شود. در این رویکرد می‌توان به موارد و جنبه‌های فنی فناوری نیز به صورت هم‌زمان پرداخت. افق زمانی مورد استفاده در این رویکرد، با توجه به حوزه‌ها و موضوعات آینده‌نگاری تعیین می‌شود. به‌عنوان

مثال زمان رسیدن به آینده مطلوب در آن برنامه، می‌تواند به‌عنوان افق زمانی برنامه آینده‌نگاری در نظر گرفته شود. در این حالت، افق زمانی نمی‌تواند کوتاه‌تر از زمان موردنیاز برای تحقق تغییرات موردانتظار باشد.

۲-۱۳- توسعه کاربردهای آینده‌پژوهی

امروزه به دلایل مختلف کاربردهای آینده‌پژوهی در حال گسترش و توسعه یافتن در کشورهای مختلف است. این توسعه محدود به کشورهای توسعه یافته نمی‌شود و بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز انجام فعالیت‌های آینده‌پژوهی را در برنامه‌های ملی و کلان خود در نظر گرفته‌اند. برخی دلایل برای توسعه روش‌ها و افزایش کاربردهای آینده‌پژوهی عبارتند از:

- افزایش محدودیت بر هزینه عمومی کشورها و افزایش ارزش پول؛
- افزایش پیچیدگی با افزایش تعداد عامل‌های درگیر در موضوعات و همچنین نزدیک‌تر شدن تعاملات و روابط درون سیستمی میان این عامل‌ها؛
- افزایش اهمیت توان علم و فناوری و در نتیجه آن، افزایش دانش ضمنی به اندازه دانش صریح؛
- تغییر قراردادهای اجتماعی میان علم و فناوری از یک سو و جامعه از سوی دیگر، موفقیت در استفاده و کاربردی کردن علم و فناوری به شدت وابسته به ایجاد و خلق شبکه‌های اثربخش میان صنعت و دانشگاه و مراکز و پژوهشگاه‌های دولتی است؛
- سیاست‌گذاران در جهت مواجهه با محدودیت‌های بودجه و رقابت‌های بین‌المللی، به دنبال مجموعه‌ای از اولویت‌ها می‌گردند؛
- شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا شبکه اقتصادی را ایجاد کنند که ارتباط بین مشتریان، تأمین‌کنندگان، شرکا و قانون‌گذاران را مدیریت کند؛
- آینده‌نگاری وسیله‌ای است برای خلق چشم‌انداز مشترک استراتژیک که عدم قطعیت‌ها را کاهش می‌دهد؛
- تأثیر روندهای جهانی حاکم بر هزاره سوم؛
- ظهور شیوه فراگیر جدیدی از سیاست‌گذاری؛

۲-۱۴- تمرکز برنامه‌های آینده‌پژوهی

همه فعالیت‌های آینده‌پژوهی آینده‌نگاری الزاماً علم و فناوری را مورد توجه قرار نمی‌دهند، اگر چه بررسی ۸۴ فعالیت آینده‌نگاری که در سال ۲۰۰۳ در اروپا صورت گرفته، نشان‌دهنده نفوذ قاطع علم و فناوری است (کینان، ۲۰۰۳). نتایج این

بررسی نشان می‌دهد رایج‌ترین جهت‌گیری بعدی، متعلق به پویایی‌های کسبو کار (تقریباً ۴۰ فعالیت) و بلافاصله بعد از آن، مسایل اجتماعی-فرهنگی (۳۶ فعالیت) است. چشم‌انداز منطقه‌ای و توسعه پایدار و محیط زیست، (هر یک ۳۰ فعالیت) را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، شاهد طیف وسیعی از جهت‌گیری‌های مختلف هستیم. نکته قابل ذکر این است که بیشتر فعالیت‌های آینده‌نگاری دارای بیش از یک جهت‌گیری هستند. این موضوع از طریق تحلیل الگوی جهت‌گیری در میان ۸۴ فعالیت مورد مطالعه، اثبات می‌شود. تنها ۲۱ درصد از فعالیت‌های بررسی شده دارای یک جهت‌گیری بوده‌اند (معمولاً علم و فناوری)، در حالی که تقریباً ۸۰ درصد مابقی دارای دو یا چند جهت‌گیری هستند. فعالیت‌های دارای دو جهت‌گیری، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که فعالیت‌های دارای ۳ تا ۵ جهت‌گیری، در حدود بیش از ۵۰ درصد از فعالیت‌های مورد بررسی را تشکیل می‌دهند.

پیش از این به اهمیت عملیاتی شدن آینده‌نگاری اشاره شد و تعجب‌آور نیست که نوع عملیاتی شدن در نتایج این مطالعات منعکس گشته است. در بیش از ۴۰ درصد از فعالیت‌های مورد بررسی، آینده‌نگاری به عنوان یک ورودی مستقیم در برنامه‌ریزی راهبردی تشخیص داده شده است. در بیش از یک چهارم موارد، آینده‌نگاری به عنوان مبنایی برای ایجاد چشم‌انداز به کار رفته است. در حدود تنها ۱۸ درصد از این موارد، فعالیتی اکتشافی محسوب می‌شود، که ظاهراً به طور رسمی با فرآیند تصمیم‌گیری پیوندی ندارند.

۲-۱۵- خروجی‌های برنامه‌های آینده‌پژوهی

برنامه‌های آینده‌پژوهی یا آینده‌نگاری ممکن است فرایندها یا محصولات را مورد تأکید قرار دهند، یا به دنبال ترکیبی از این دو باشند. رویکردهای محصول‌گرا عموماً به سمت رسیدن به خروجی‌های ملموس گرایش دارد، از قبیل گزارش‌هایی که‌دربرگیرنده سناریوها، مجموعه‌ای از فهرست اولویت‌ها یا فناوری‌های کلیدی، گزارش دلفی و غیره هستند. چنین رویکردهایی اغلب شامل گروه‌های تخصصی کوچک و یاب‌کارگیری روش‌شناسی‌های رسمی برای استخراج و ترکیب نظرات خبرگان می‌شود. به عنوان مثال فعالیت‌های آینده‌نگاری ملی آلمان و فرانسه، به این شکل بوده‌اند. خروجی‌های ملموس به عنوان دانش «مدون»^{۴۷} شناخته می‌شوند. از آن روی که دانش ایجاد شده از طریق این فرآیند، به اطلاعاتی تبدیل می‌شود، که می‌تواند بدون نیاز به تعامل رو در رو، به‌طور وسیع انتشار یابد.

^{۴۷} codified

رویکردهای فرآیندگرا بیشتر بر شبکه‌سازی و تبادل بهتر عقاید میان دست‌اندرکاران تمرکز دارند. تمرکز مشترک بر پیشرفت‌های بلندمدت به دست‌اندرکاران کمک می‌کند تا به فهم مشترک در مورد انتظارات و راهبردهای یکدیگر دست یابند. همچنین به ایجاد شبکه‌های بادوام همکاری کمک می‌کند. فعالیت‌های آینده‌نگاری هلند و انگلستان نمونه‌هایی از آن هستند. درک این خروجی‌های «نرم»^{۴۸} دشوارتر است، زیرا اغلب به‌صورت دانشی هستند که در رویکردها و شیوه‌های افراد نسبت به مسایل متبلور می‌شود. اگر چه شناسایی و تعیین کمیت و کیفیت این خروجی‌ها دشوارتر از خروجی‌های مستند است، ولی جنبه بسیار مهمی از منافع ناشی از آینده‌نگاری فناوری را نشان می‌دهند.

جدول ۲- برخی از انواع خروجی‌های آینده‌نگاری - منبع: کینان (۲۰۰۳)

خروجی‌های غیر رسمی	خروجی‌های رسمی
ایجاد شبکه میان فعالیت‌ها و بازیگران آینده‌نگاری با سایر مجموعه‌ها	گزارش‌ها، کتاب‌ها، بایگانی الکترونیکی (ویدئویی، منابع اینترنتی)
چشم‌اندازها در کارگاه‌ها تدوین شده و نتایج و ارزیابی‌ها در داخل شبکه‌ها منتشر می‌شود.	کارگاه‌ها، خبرنامه‌ها، مقالات مطبوعاتی و سایت‌های اینترنتی
توسعه شبکه‌ها یا ارتباطات جدید در شبکه‌های موجود	نهادینه کردن شبکه‌ها از طریق تشکیل سازمان‌ها و دبیرخانه‌های دائمی
اتصال غیر رسمی نتایج و دانش شبکه‌ها و منابع کلیدی دانش، درون فرآیندهای راهبردی	اتصال رسمی نتایج در فرآیندهای راهبردی از طریق فهرست اولویت‌ها به عنوان چارچوبی برای ارزیابی طرح‌ها و پروژه‌ها
	موارد مورد نیاز برای مراجع و انتشار نتایج فعالیت‌ها به آن دسته از سازمان‌هایی که مستقیماً در آینده‌نگاری مشارکت نداشتند.
	انتشار اطلاعات به سازمان‌هایی که در فرآیند آینده‌نگاری شرکت داشتند.
	شبکه‌سازی
	فرآیند راهبردی

رویکردهای ترکیبی سعی در ترکیب رویکرد فوق دارند. ایجاد محصول ابزار مفیدی جهت تشویق افراد به همکاری و شبکه‌سازی اثربخش محسوب می‌شود. همچنین از لحاظ سیاسی ابزاری قانونی برای متقاعد کردن مخاطبین نسبت به خرج کردن صحیح پول فراهم می‌کند. علاوه بر این، شبکه‌سازی دامنه وسیعتری از ورودی‌ها را فراهم کرده و این مشارکت گسترده خود به خود برای فرآیند، مشروعیت اجتماعی ایجاد می‌کند. اولین فعالیت انگلستان عموماً به عنوان نمونه خوبی از این رویکرد ترکیبی شناخته می‌شود. به‌طور کلی، نتایج فعالیت‌های آینده‌نگاری، مخاطبین مختلفی را مورد خطاب قرار می‌دهد. در شروع

^{۴۸}Soft

فعالیت آینده‌نگاری، ضرورت دارد که مدیران نسبت به شناسایی گروه‌های هدفی که از این خروجی‌ها استفاده خواهند کرد، اقدام کنند.

۲-۱۶- افق زمانی در آینده پژوهی

آینده‌پژوهیدر اصل با افزایش افق زمانی فعالیت‌های برنامه‌ریزی در ارتباط است. در عمل، افق زمانی فعالیت‌های آینده‌پژوهی به‌طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. زیرا آنچه که به عنوان «بلندمدت» شناخته می‌شود، در میان موضوعات و فرهنگ‌های مختلف، به‌طور قابل توجهی تفاوت دارد. افق زمانی متوسط برای فعالیت‌های آینده‌پژوهی ملی و منطقه‌ای در حدود ۱۰ تا ۱۵ سال است. اگر چه ممکن است این مدت به بیش از ۳۰ سال یا کمتر از ۵ سال نیز برسد. برخی شواهد نشان می‌دهد که افق‌های زمانی به اهداف و جهت‌گیری‌های آینده‌پژوهی بستگی دارد. به عبارت دیگر، افق زمانی به کاربردهای آینده‌پژوهی بستگی دارد.

جدول ۳- افق‌های زمانی به‌کار رفته در گزینشی از فعالیت‌های ملی آینده‌پژوهی

افق زمانی	فعالیت‌های آینده‌نگاری ملی
۵ ساله	فناوری‌های کلیدی فرانسه
۱۰ ساله	فناوری رادار هلند، آینده‌نگاری جمهوری چک
۱۵ ساله	بلژیک، فوتور آلمان، ایرلند و اسپانیا
۲۰ ساله	پرتغال، سوئد، انگلستان و مجارستان
بیشتر از ۲۰ سال	دلفی اتریش، نروژ ۲۰۳۰ و مطالعات دلفی آلمان

۲-۱۸- عوامل موفقیتیک برنامه‌ی آینده پژوهی

اجراییک برنامه‌ی آینده‌پژوهیبه خودی خود، با توجه به اهمیتی که فرآیند اجرای آن دارد، یک کسب موفقیت است. با این وجود، عوامل متعددی وجود دارد که می‌توانند موفق آینده‌نگاری به اهدافش را ممکن سازند. برخی از این عوامل عبارتند از:

- کسب تأیید و جلب حمایت مقامات ارشد سازمان؛
- جلب مشارکت افراد متناسب با حوزه آینده‌پژوهیو پرهیز از درگیر کردن افراد بی ارتباط با موضوع آینده‌پژوهی؛

- مستندسازی و اشاعه یافته‌ها به شکل کامل؛
- پاسخ‌گویی به نیازهای مشتریان؛
- جلب حمایت سازمان‌های معتبر؛
- تأمین مستمر منابع موردنیاز؛
- تبدیلا آینده‌پژوهیبه یک فرآیند فراگیر؛
- تبدیلا آینده‌پژوهیبه یک فرآیند پیوسته.

۲-۱۹- چالش‌های موجود در انجام آینده پژوهی

انجام آینده‌پژوهی با همه مزایایی که دارد، دارای چالش‌های جدی نیز هست، که برخورد صحیح با آن‌ها برای انجام برنامه ضروری است. این چالش‌ها و محدودیت‌ها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که برای اولین بار می‌خواهند پروژه آینده‌پژوهی را به اجرا گذارند، مشهود است. برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

- محدودیت منابع مالی: عمومی‌ترین محدودیت موجود برای انجام آینده‌پژوهی، چه برای کشورهای توسعه‌یافته و چه کشورهای در حال توسعه، محدودیت منابع مالی است. برای رویارویی با این محدودیت، ترویج آینده‌نگاری و القای مزایای بی‌شمار آن در جامعه، برای جلب مشارکت سازمان‌های مختلف ضروری است.
- شرایط نامناسب سیاسی: مدیریت دولت و تعهد پیکره آن به انجام آینده‌پژوهی، که از ضروریاتیک برنامه‌ی آینده‌پژوهی است، به شرایط سیاسی کشور وابسته است. تصمیم‌گیری‌های سیاسی-اجتماعی غیرنظام‌مند در کشورهای در حال توسعه، همراه با ناپایداری سیاست‌گذاری آن‌ها، موجب افزایش عدم قطعیت‌ها در برنامه‌های آینده‌نگاری می‌شود.
- فقدان چارچوب سازمانی: مشکل‌ترین وظیفه کشورهای در حال توسعه، ایجاد و نگهداشتن چارچوب سازمانی فراهم‌آورنده رهبری و هماهنگی، برای برقراری اجماع و جلب مشارکت همه اجزای درگیر در توسعه فناوری است. مشکلی که از نارسایی هماهنگی و همکاری سازمانی، و توانایی سازماندهی شده برای مدیریت تغییر، ناشی می‌شود. فرآیند آینده‌نگاری یک راهنما و تمرین با ارزش، برای استقرار یک چارچوب سازمانی است. چارچوبی که به‌عنوان اولین مرحله فراهم‌آوری اجزای سیاست‌گذاری برای توسعه فناوری، ضروری است. آینده‌پژوهی یک فرآیند چندرشته‌ای و بین‌رشته‌ای است و به ساختارهای سازمانی چندرشته‌ای نیز نیاز دارد. در کشورهای در حال توسعه هماهنگی و همکاری بین رشته‌های مختلف، عموماً ضعیف است و فعالیت‌ها و پروژه‌های چندرشته‌ای به ندرت به موفقیت می‌رسند. ارتباط

بین رشته‌ها گاهی اوقات از طریق روابط فردی و غیررسمی برقرار می‌شود، اما از یک ارتباط ثمربخش فاصله زیادی دارد.

- انحصار اطلاعات: از آنجا که اطلاعات و داده‌های حیاتی و مهم عموماً در اختیار کشورهای پیشتاز فناوری قرار دارد، دستیابی به داده‌ها و اطلاعات موردنیاز آینده‌پژوهیدر کشورهای در حال توسعه، با مشکل مواجه است. از طرف دیگر، عدم وجود شبکه‌هایی که اطلاعات را بین متخصصان این کشورها به اشتراک بگذارد، استخراج اطلاعات ضمنی را با مشکل مواجه می‌کند.
- فقدان هم‌فکری: کشورهای در حال توسعه، برای دستیابی به توانایی فناورانه و حکومتی مقتدر، نیازمند برنامه آینده‌پژوهی مؤثری هستند؛ همچنین آن‌ها برای انجام‌آینده‌پژوهیبه تجربه، خردمندی، توانایی فناورانه و نظارتی اثربخش نیاز دارند. به همین دلیل، انجام هم‌فکری و مشورت برای حمایت و هدایت شرکت‌کنندگان در آینده‌پژوهیلازم است.

۳- روش شناسی

روش شناسی یکی از بخش‌های مهم مطالعات آینده‌پژوهی محسوب می‌شود. در این حوزه مطالعاتی به دلیل پیچیدگی و تنوع موضوعات و ماهیت بین رشته‌ای بودن، از ابتدای شکل‌گیری توجه ویژه‌ای به روش‌شناسی علمی شده است. بنیانگذاران آینده‌پژوهی همچون هلمر، کان، نویمان از نوابغ روزگار خود بوده‌اند که نقش قابل توجهی در شکل‌گیری تکنیک‌ها و روش‌های نوین آینده‌پژوهی داشته‌اند. موسساتی مانند پروژه ملینیوم که گزارش‌های ادواری وضعیت آینده را منتشر می‌کند تا به حال ویرایش‌های مختلفی از مجلدات روش‌شناسی آینده‌پژوهی را منتشر کرده‌اند.

در اینجا لازم است قبل از پرداختن به روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی به تفاوت عمیقی که بین آینده‌پژوهی و سایر علوم وجود دارد، توجه ویژه کرد. در علوم مختلف چه علوم طبیعی و چه علوم اجتماعی، موضوع مورد مطالعه عموماً عینیت یافته است. بنابراین موضوع قابل سنجش است و داده‌های قابل توجهی (چه از نوع کیفی و چه از نوع کمی) برای آن وجود دارد. اما موضوع اصلی و مورد مطالعه در آینده‌پژوهی، کشف امکان‌های آینده‌های است که هنوز عینیت نیافته است. این تفاوت از منظر شناخت‌شناسی علم ریشه از دو پارادایم متفاوت دارد. در پارادایم علوم متعارف، فلسفه شناخت‌شناسی اثبات‌گرایانه است و نگاه رئالیستی به علم دارد به این معنا که پدیده‌های مورد مطالعه به عنوان عینیت‌هایی خارج از ذهن پژوهشگر وجود دارند، در حالی که در علم آینده‌پژوهی، موضوع مورد مطالعه هنوز محقق نشده است و پدیدار مورد مطالعه یعنی آینده‌های ممکن، محتمل و بدیل سیستم مورد مطالعه هنوز عینیت ندارد، داده‌های مستقیم و مستقلی از پژوهشگر برای شناخت آینده وجود ندارد. در نتیجه آینده‌پژوهی مبتنی بر پارادایمی متفاوت با علوم متعارف است که ریشه در فلسفه رئالیسم انتقادی در شناخت‌شناسی دارد. این بدان معنا است که در تحقیقات آینده‌پژوهی موضوع شناخت تحت تاثیر فرآیند شناخت قرار دارد و با انجام مطالعه آینده‌پژوهی، موضوع شناخت یعنی آینده، بر ساخته می‌شود و این موضوع مستقل از پژوهشگر نیست. بدین ترتیب در مطالعه آینده‌پژوهی طیفی از امکان‌های آینده مطرح می‌شود که در قالب سناریوها ارائه می‌شوند و این سناریوها با رفتار کنشگر یا پژوهشگر امکان تحقق پیدا می‌کنند. به دلیل این تفاوت بین روش‌شناسی آینده‌پژوهی و علوم دیگر، برای اطمینان از صحت نتایج به جای آزمون فرضیه‌ها، از اعتبارسنجی تکنیک‌ها و هم پوشانی نتایج آنها استفاده می‌شود. موضوعی که در مطالعات دیگر وجود ندارد. از این جهت، استفاده از روش‌های مختلف آینده‌پژوهی به صورت رفت و برگشتی و در تعامل با یکدیگر زمینه‌ای برای راستی‌آزمایی، صحت و دقت مطالعات فراهم می‌کند.

۳-۱- روش‌های آینده پژوهی

طیف وسیعی از روش‌ها برای آینده‌پژوهی موجود است. برخی از آن‌ها مشخصاً برای آینده‌پژوهی طراحی شده‌اند، در حالی که مابقی از مدیریت و برنامه‌ریزی اقتباس می‌شوند و آینده‌پژوهان آن‌ها را از سایر حوزه‌ها به عاریت‌گرفته‌اند. این فنون، ویژگی متمایز آینده‌پژوهی نیستند. چیزی که ارتباط این فنون را با حوزه آینده‌پژوهی تعیین می‌کند، محتوای واقعی و هدف از استفاده از فنون است (به عنوان مثال آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب) نه صرفاً مشخصه‌های روش‌شناختی آن‌ها. (وندل بل^{۴۹} ۱۹۹۷)

برخی از این روش‌ها ممکن است به‌طور مشخص ربطی به آینده نداشته باشند، اما بدین منظور استفاده می‌شوند که مبنا و اساس آینده‌پژوهی را به وجود آورند. برخی روش‌ها، مانند روش دلفی و روش سناریونگاری که توسط آینده‌پژوهان توسعه یافته‌اند، تاکنون توسط دیگراندر علوم مختلف نیز به عاریت گرفته شده‌اند. روش‌های منتخب، بر حسب تناسبشان با هدفی که به منظور آن مورد استفاده قرار می‌گیرند، انتخاب می‌گردند. کشف آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب مبتنی بر مفروضاتی درخصوص آینده‌چگونگی ارتباط یافتن با آن آینده است که این امر به نوبه خود نحوه انتخاب روش‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در حالی که بر ضرورت به‌کارگیری روش‌های رسمی برای هدایتیک پروژه آینده‌پژوهی تاکید نمی‌شود، اما با این وجود این روش‌ها نوعاً در چنین پروژه‌هایی و اغلب به صورت ترکیبی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین دانستن و فهم تمامی روش‌های رسمی موجود، ارزشمند است. انتخاب روش‌ها مبتنی بر چندین عامل است که قابل ملاحظه‌ترین آن‌ها عبارتند از منابع مالی و زمانی موجود و اهداف پروژه. بسیاری از روش‌ها در یک پروژه آینده‌پژوهی، می‌توانند به‌طور بسیار متنوع و به منظور انجام گستره‌ای از وظایف و کارکردها مورد استفاده قرار بگیرند.

۳-۲- انتخاب روش‌های آینده‌پژوهی

به استثنای برخی از پروژه‌های آینده‌پژوهی که به سرعت توسط پانل‌ها هدایت شده‌اند، یا برنامه‌هایی که تاکید بسیاری بر تعاملات رودررو در مقیاس وسیع و رویکردهای پایین به بالا^{۵۰} داشته‌اند، روش‌های رسمی در شرف تبدیل شدن به روش‌هایی کاملاً برجسته در آینده پژوهی هستند. به‌طور کلی، روش‌های رسمی نسبت به دیگر روش‌ها دارای مزایایی ارزشمند هستند، که عبارتند از:

- فرآیند آینده‌نگاری را نظام‌مندتر می‌کنند؛
- شفافیت ورودی‌ها، فرآیندها و خروجی‌ها را افزایش می‌دهند؛

^{۴۹} Wendell Bell, ۱۹۹۷

^{۵۰} Bottom-Up

- تشکیل «میزگردهای ترکیبی»^{۵۱} به منظور تعامل و ارتباط بازیگران گوناگون نظام؛
 - کمک به ترسیم^{۵۲} آینده‌های ممکن یا مطلوب.
- بنابراین سوال اصلی این نیست که «آیا از روش‌های رسمی استفاده شود؟» یا «کدامیک از آن‌ها را باید به‌کار گرفت؟» یا «چگونه از آن‌ها باید استفاده کرد؟». بلکه جهت‌گزینش روشی از میان روش‌های رسمی، چندین معیار وجود دارد که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. برخی از این معیارها عبارتند از:
- منابع، (به‌خصوص زمان و پول) از مهم‌ترین معیارها در انتخاب روش‌های رسمی هستند؛
 - وسعت و میزان مطلوب مشارکت متخصصان و ذی‌نفعان در پروژه آینده‌پژوهی. برخیروش‌ها (مانند دلفی) برای مشارکت دادن تعداد زیادی از متخصصان مناسب‌اند، اگرچه این مشارکت تقریباً موقت و زودگذر است. در مقابل، پانل‌های خبرگان به مباحثات عمیق بین متخصصان می‌انجامد، اما در این روش، تعداد افراد مشارکت‌کننده در مقایسه با روشی همچون دلفی بسیار اندک است. بنابراین ترکیبی از روش‌ها ترجیح داده می‌شود؛
 - مناسب بودن روش جهت ترکیب آن با روش‌های دیگر، به طوری که روش‌ها همدیگر را پشتیبانی و نتایج را تکمیل‌کنند. روش‌های رسمی به ندرت، به تنهایی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این روش‌ها به طرق مختلف با روش‌های دیگر ترکیب می‌شوند؛
 - خروجی‌های مورد انتظار از آینده‌پژوهی ممکن است فرآیندگرایا نتیجه‌گرا باشند. به عنوان مثال در جهت‌گیری فرآیندگرا بر روش‌هایی تمرکز می‌گردد که موجب گفتگو و تعامل میان گروه‌های مختلف می‌شود. در مقابل، در جهت‌گیری نتیجه‌گرا تضمین خواهد شد که روش‌های مورد استفاده، نتایج ملموسی را ارائه خواهند داد؛
 - نیاز روش‌های مختلف به داده‌های کمی یا کیفی نیز عامل تعیین‌کننده مهمی است، به ویژه در شرایطی که داده‌ها به سهولت به‌دست نمی‌آیند؛

۳-۳- روش‌شناسی تحقیق

مطالعات حاضر یک مطالعه با روش‌شناسی آینده‌پژوهی است و موضوع هویت را با روش‌شناسی آینده‌پژوهی بررسی خواهد کرد. بنابراین مباحث روش‌شناسی در این بخش با الگوی روش‌شناسی مرسوم مطالعات اجتماعی هم از نظر مبانی و

^{۵۱} Hybrid Forums

^{۵۲} Visualization

هم از نظر تکنیکی تفاوت می کند که در این بخش تشریح می شود. آینده پژوهی مبتنی بر چند اصل بنیادی است که از آن جمله می توان به تکرر آینده ها در برابر اصل آینده محتوم اشاره کرد. به این معنا که آینده باز است و آینده های بدیلی را می توان شناسایی کرد؛ آینده های ممکن، آینده باور پذیر و آینده محتمل (بل، ۲۰۱۱) با توجه به این اصول و نیز از آنجا که اصل حتمیت در سیستم های اجتماعی مشابه سیستم های فیزیکی قابل پذیرش نیست و سیستم های اجتماعی از پیچدگی و عدم قطعیت های زیادی برخوردار هستند، آینده پژوهی مجموعه متنوعی از روش ها و تکنیک ها را بکار می گیرد تا به جای شناخت یک آینده حتمی، به شناخت امکان هایی از آینده ها دست پیدا کند. این تکنیک ها در مطالعه ای که پوپر (۲۰۰۶) انجام داده است، بالغ بر ۵۰ روش هستند که بر اساس چهار اصل خبرگی، داده (شواهد)، خلاقیت و تعامل در یک لوزی دسته بندی می شوند (شکل ۴) و متناسب با منابع، محدوده زمانی و بافتار تحقیق استفاده می شوند.



شکل ۴ - طبقه بندی روش های متداول آینده پژوهی (پوپر، ۲۰۰۶)

بنابراین در هر مطالعه آینده پژوهانه، پژوهشگر بر اساس اهداف تحقیق و منابع در دسترس، به طراحی روش شناسی مطالعه اقدام می کند. از این منظر این نوع مطالعات با مطالعات مرسوم سایر حوزه های علوم اجتماعی مانند جامعه شناسی تفاوت هایی دارند که از آن جمله می توان به «قلمرو مطالعه» اشاره کرد. معمولاً مطالعات آینده پژوهانه بسیار کل نگر هستند و تعداد زیادی از موضوعات را مورد توجه قرار می دهند که در محدوده یک حوزه علمی خاص قرار نمی گیرند. به این معنا مطالعات آینده پژوهی

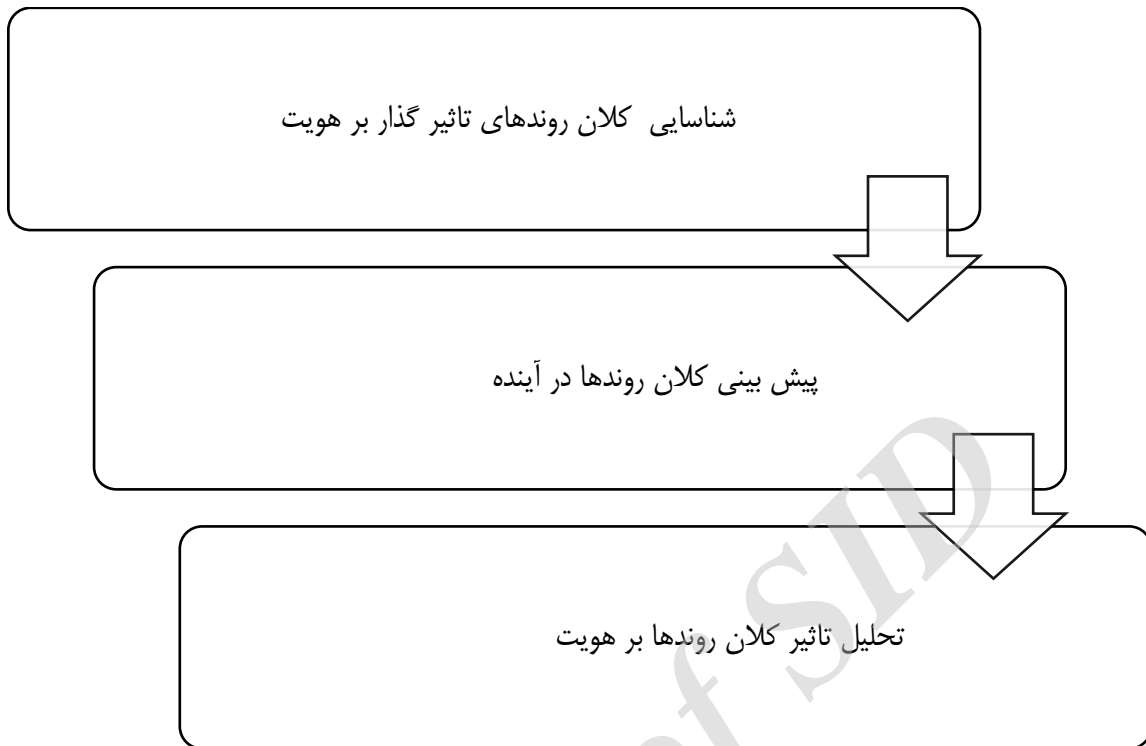
بین رشته ای یا فرارشته ای هستند. این در حالی است که در مطالعات حوزه جامعه‌شناسی، موضوع محدود می‌شود و اگر پژوهش کمی باشد، متغیرهای معدودی بر اساس مدل تحقیق بررسی می‌شوند. همچنین در مطالعات آینده پژوهی به دانش خبرگان و اهل فن، توجه زیادی می‌شود و از تکنیک‌های مختلفی برای استفاده از آنها و نرمال سازی آنها استفاده می‌شود که در سایر علوم چندان جایی ندارند.

با توجه به توضیحات فوق باید این موضوع را در نظر داشت که مطالعه حاضر با رویکرد آینده‌پژوهی انجام می‌شود و اگر چه موضوع مورد مطالعه ابعاد جامعه شناختی دارد، اما دامنه مباحث محدود به حوزه جامعه‌شناسی نیست و برای تحلیل نیروهای پیشران تغییرات آینده، از یافته‌های علوم دیگر مانند اقتصاد، سیاست و فناوری باید استفاده شود.

بر اساس مبانی نظری ارائه شده در بخش قبلی در مطالعات آینده پژوهانه باید ترکیبی از روش‌های مختلف کمی و کیفی استفاده شود (پوپر، ۲۰۰۶). در مطالعه حاضر نیز پژوهش در سه مرحله انجام می‌شود (شکل ۵).

در گام نخست این مطالعه با مرور ادبیات موضوع و تحقیقات انجام شده در حوزه هویت، فهرستی از موضوعات و مولفه‌های اثر گذار بر هویت جامعه ایرانی شناسایی می‌شود. سپس آن دسته از موضوعاتی که بصورت کلان روند قابل تحلیل هستند و می‌توانند بطور مستقل تغییر کنند و بر هویت ایرانی اثر گذار باشند، به عنوان کلان روندهای اثر گذار بر هویت ایرانیان شناسایی می‌شوند. این کلان روندهای بر اساس مدل STEEP در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فناوری، اقتصادی، محیط زیستی و سیاسی شناسایی می‌شوند. مواردی مانند «روند جهانی شدن»، «گسترش شبکه‌های ارتباطی و مجازی مانند تلفن‌های همراه هوشمند و اینترنت اشیاء»، «تغییرات جمعیتی مانند پیری و رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه» از جمله کلان روندهایی است که در مطالعات صورت گرفته به آنها پرداخته شده است. در این مرحله برای انتخاب کلان روندها اصلی اثر گذار بر هویت جامعه ایرانی از مصاحبه‌های کانونی با گروه خبرگان استفاده می‌شود.

در مرحله بعدی، وضعیت آینده این کلان روندها با تکنیک‌های برونیابی، پیش بینی می‌شود. در مرحله آخر تاثیر این کلان روندها بر ابعاد هویت جامعه ایرانی در افق ده ساله ارزیابی می‌شود. برای ارزیابی تاثیر احتمالی این کلان روندها بر آینده هویت جامعه ایرانی از مصاحبه‌های کانونی با خبرگان استفاده می‌شود.



شکل ۵ - فرایند مطالعه

در این تحقیق از تکنیک مطالعه اسناد و تحلیل پیشرانها و روندها استفاده شده است. در ادامه این تکنیک ها توضیح داده شده است.

۳-۳-۱ - مطالعه ادبیات و تحلیل اسنادی

مطالعه ادبیات و تحلیل اسناد یکی از پرکاربردترین تکنیک‌هایی است که در مطالعات آینده‌نگاری استفاده می‌شود. نتایج پژوهش انجام شده توسط رافائله پوپر نشان می‌دهد که در هفتاد درصد مطالعات آینده‌نگاری از تکنیک مطالعه ادبیات و تحلیل اسنادی استفاده شده است. مطالعه ادبیات و تحلیل اسنادی عبارت است از مطالعه‌ای منظم، سیستماتیک و هدفمند که با مراجعه به متون مرتبط و اسناد بالادستی انجام می‌گیرد. هدف از این مطالعه آن است که داده‌های بدست آمده از تحقیقات فعلی جمع‌بندی شود و به عنوان ورودی برای تحلیل وضع موجود و تحلیل وضعیت‌های ممکن مورد بررسی قرار گیرد. این مطالعه تیم تحقیق را قادر خواهد ساخت تا از آنچه که دانش موجود از سیستم‌های فعلی ارائه می‌کند درک روشنی داشته باشند و نسبت به شناسایی آینده‌های ممکن که ادامه روند وضعیت موجود هستند اقدام کند.

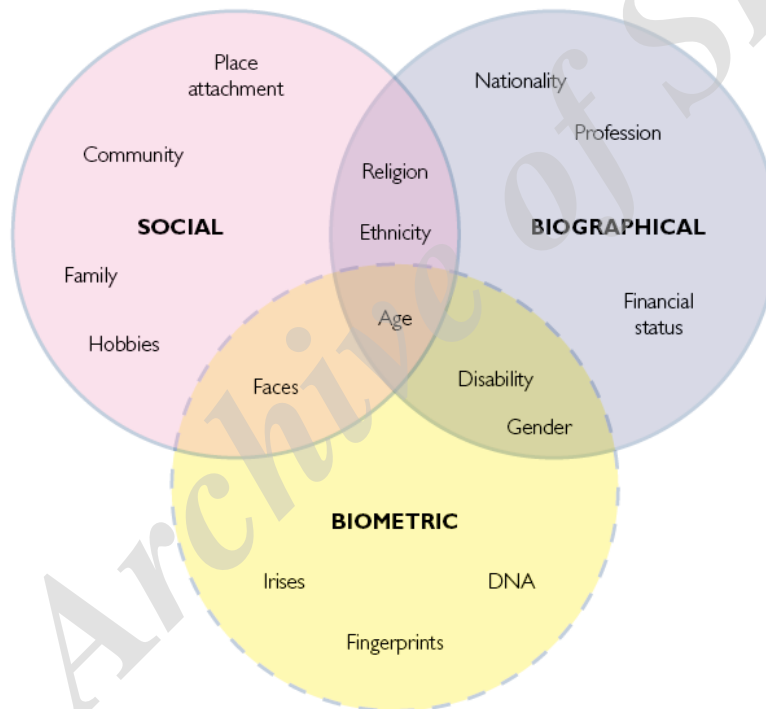
در مطالعه ادبیات و تحلیل اسناد از روش‌های مروری و استنباطی برای گردآوری داده‌ها و تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. به این معنا که ابتدا از طریق جستجو در منابع متون مرتبط شناسایی و گردآوری می‌شود، سپس این متون مورد مطالعه عمیق قرار می‌گیرد و بر اساس کدها و مقوله‌ای تعریف شده، بخش‌های مرتبط ارزیابی شده و نتایج آن با روش‌های استنباطی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۳-۳-۲- شناسایی کلان روندها

کلان روندها به عنوان نیروهای پیشران به صورت عوامل اثرگذار بر آینده تعریف می‌شوند. این عوامل از بیرون سیستم بر رفتار سیستم اثر می‌گذارند. نیروهای پیشران پیش برنده آینده پدیده‌ها هستند. این نیروها در کنترل بازیگران و دست‌اندرکاران آن سیستم قرار ندارند. به عبارت دیگر نقش آن‌ها هدایت متغیرهای سیستم در جهتی است که با محیط سیستم در تعادل قرار گیرد. شناسایی نیروهای پیشران نیازمند مطالعه گسترده‌ای از عوامل اثرگذار بر متغیرهای سیستم است. برای این منظور لازم است تا اثر هر یک از متغیرهای محیطی شناسایی شود و رابطه آن با موضوع مورد مطالعه، بررسی شود. بدون انجام این مرحله ممکن است، تحلیل آینده‌های محتمل مقدور نشود. همچنین در نظر نگرفتن پیشران‌ها عواقب نامطلوبی را در سیستم به همراه خواهد داشت. به عنوان مثال با بررسی تحولات جمعیتی جامعه ایران مشخص خواهد شد که نسبت جمعیت جوان و پیر در حال تغییر است و جامعه در حال پیرتر شدن است، نیم رخ هویتی جامعه نیز دستخوش تغییر خواهد شد.

۴- بررسی کلان روندهای اثرگذار بر هویت

کلان روند مفهومی است که نخستین بار توسط جان نایسبیت به منظور توصیف روندهای کلانی که در جهان در حال وقوع است، بکارگرفته شد [۱، ۲]. ریچارد واتسون در کتاب خود در سال ۲۰۰۸ میلادی چندین کلان روند شامل جهانی سازی، شهرنشینی، محلی شدن، دیجیتالی شدن، شخصی شدن، سالخوردگی، افسردگی، تغییرات محیطی را در بازه زمانی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ شناسایی کرده است که مجموعه ای از روندها از آن منشعب می شوند [۳]. در گزارش شبکه پایش آینده نگاری اتحادیه اروپا کلان روندها به عنوان روندهای بین المللی کلی قلمداد می شوند که نشان دهنده کاربست های نوپدید و منابع باقوه آینده هستند [۴]. مطالعه بدینگتون در سال ۲۰۱۳ میلادی هویت را در سه دستی اصلی تقسیم کرده است. هویت اجتماعی، هویت بیوگرافیک و بیومتریک که در شکل ۶ نشان داده شده است [۵].



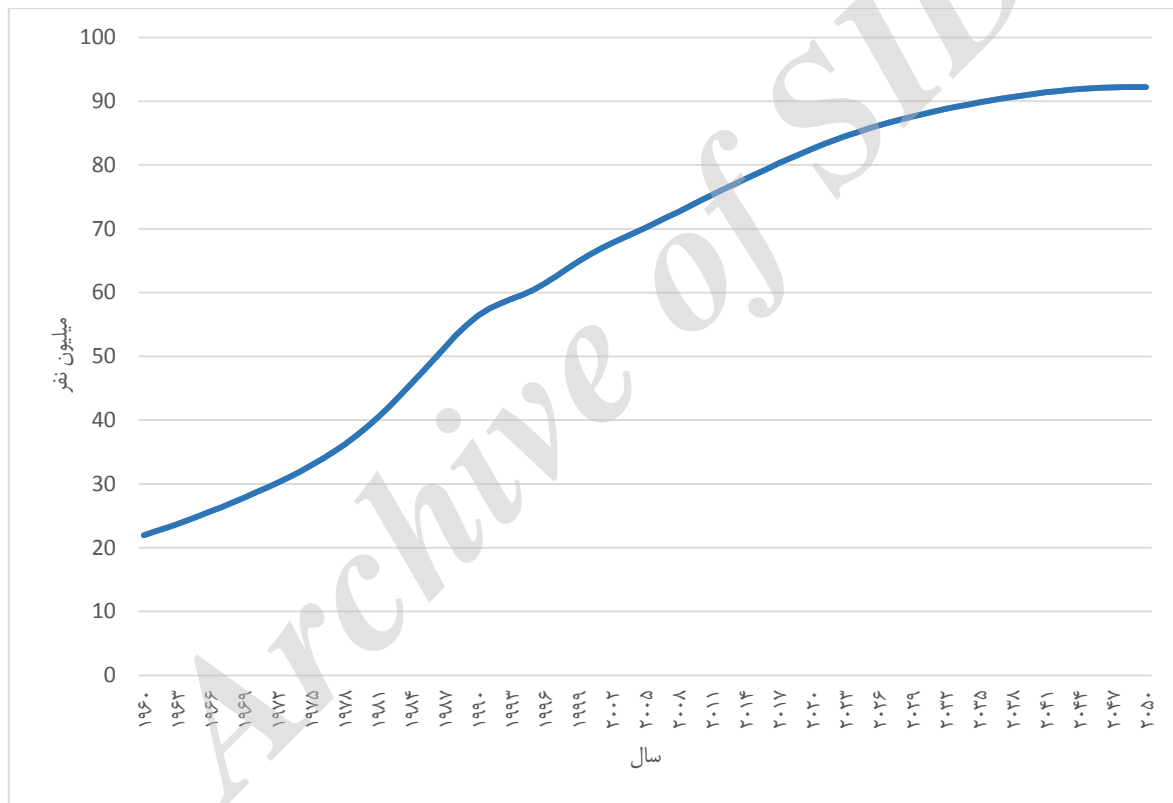
شکل ۶- انواع هویت

در این مطالعه موضوع اصلی تمرکز بر هویت ملی است و بر اساس مطالعات گسترده انجام شده در ایران و جهان کلان روندهای تاثیرگذار بر آینده هویت ملی در ذیل در پنج دسته شامل کلان روندهای اجتماعی، فناوری، اقتصادی، زیست محیطی و سیاسی ارائه شده است.

۴-۱- کلان روندهای اجتماعی

۴-۱-۱- جمعیت سالخورده

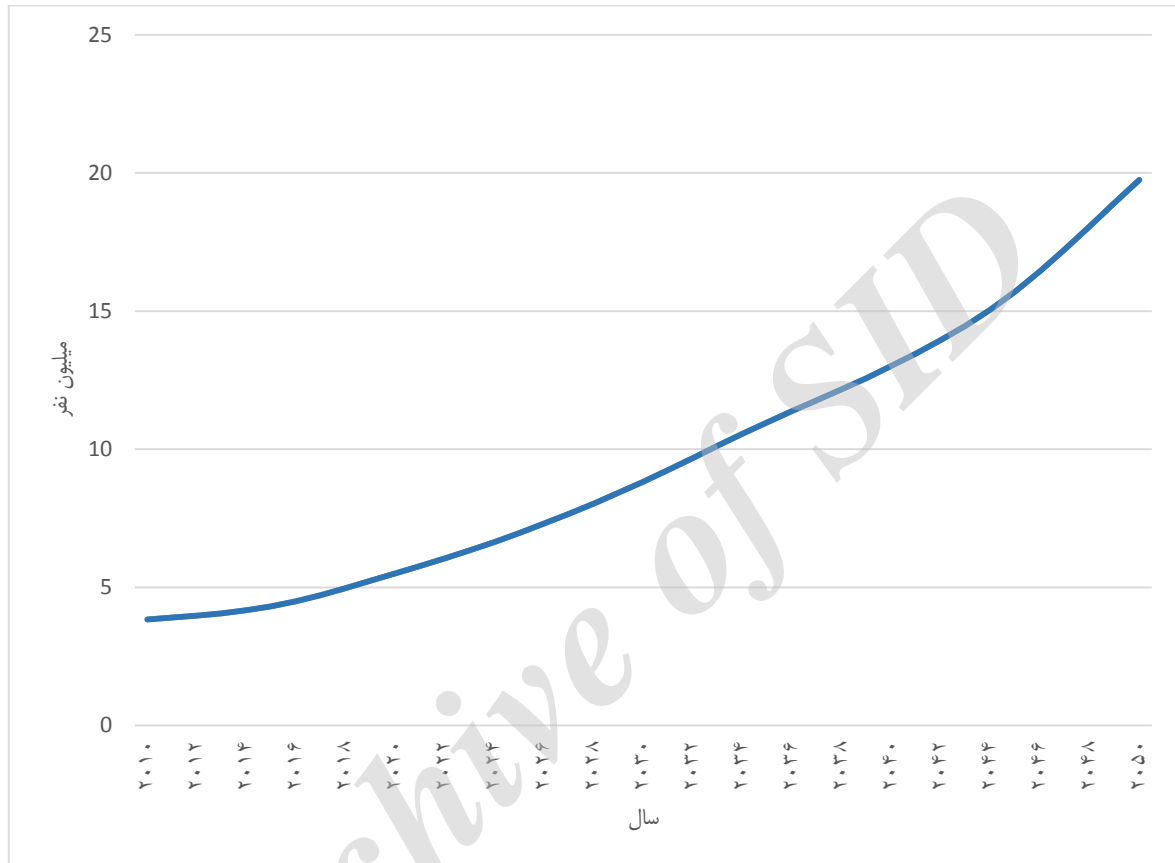
مطالعات جمعیت‌شناسی نشان از این مطلب دارند که جمعیت کشور تا سال ۲۰۳۰ به میزان ۱۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت و جمعیت کشور تا سال ۲۰۶۰ به ۹۸ میلیون نفر خواهد رسید (شکل ۷). در این میان مطالعات مربوط به جمعیت سالخورده کشور نشان از این موضوع دارد که طی ۱۵ سال آینده جمعیت افراد بالای ۶۵ سال به دو برابر خواهد رسید و از ۴ میلیون نفر به ۸ میلیون نفر می‌رسد و جمعیت این افراد تا سال ۲۰۶۰، ۲۴ میلیون خواهد شد [۶].



شکل ۷ - پیش‌بینی روند کل جمعیت ایران تا سال ۲۰۵۰

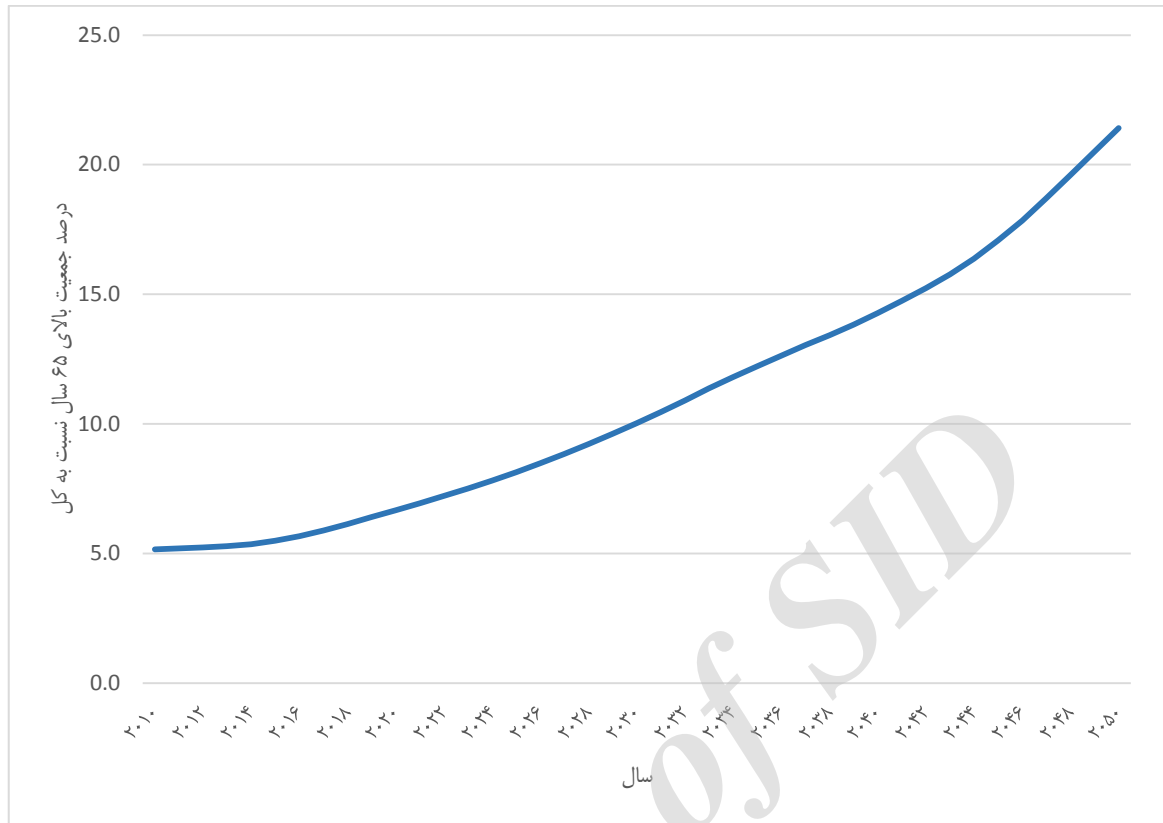
به عبارت دیگر جمعیت بالای ۶۵ سال جمعیت سالخورده را تشکیل می‌دهد که از فعالیت کاری بازنشسته شده است و در تولید نقش چندانی نخواهد داشت. در نمودار زیر پیش‌بینی جمعیت افراد بالای ۶۵ سال در فاصله زمانی ۴۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به پیش‌بینی «تعداد افراد بالای ۶۵ سال» را از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد کهها سناریوهای مختلفی پیش‌بینی شده است. نمودار ۸ حاکی از آن است که جمعیت بالای ۶۵ سال، یک روند

صعودی دارد و با شیب زیادی تا سال ۲۰۵۰ افزایش پیدا خواهد کرد. با افزایش جمعیت تقاضا برای منابع غذا، آب و انرژی افزایش می‌یابد [۷].



شکل ۸- پیش‌بینی جمعیت بالای ۶۵ سال در ایران تا سال ۲۰۵۰

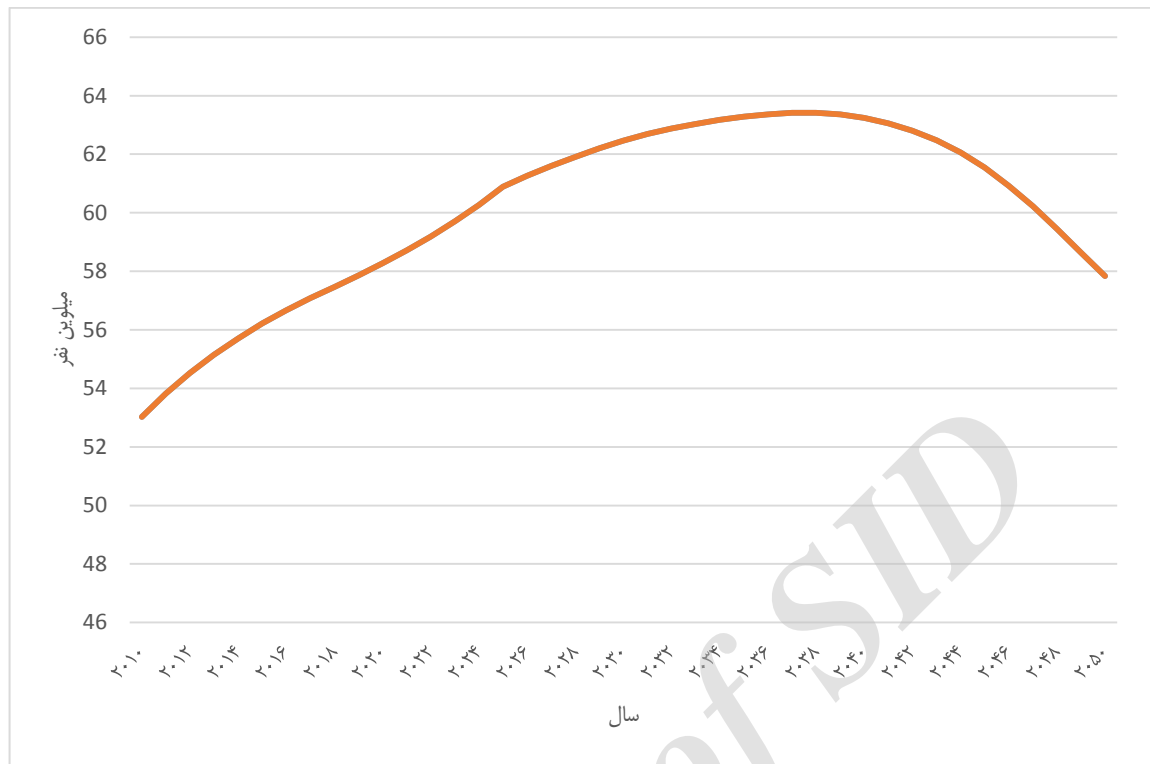
همانگونه که مشاهده می‌شود پیش‌بینی‌های این مدل‌سازی نشان می‌دهد در سناریو پایه جمعیت بین بالای ۶۵ سال از ۳٫۸۴ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ به ۵٫۵ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰، ۸٫۸ میلیون نفر در سال ۲۰۳۰، ۱۳٫۰۳ میلیون نفر در سال ۲۰۴۰ و ۱۹٫۷۵ میلیون نفر در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید. در نمودار (۹) این روند بصورت درصد جمعیت بالای ۶۵ سال نسبت به کل جمعیت نشان داده شده است که بیانگر پیری جامعه در پایان نیمه اول قرن بیست یکم است.



شکل ۹ - پیش‌بینی نسبت جمعیت ۶۵ سال به کل جمعیت ایران تا سال ۲۰۵۰

۴-۱-۲- جمعیت فعال و جوان

جمعیت بین ۱۵ تا ۶۵ سال جمعیت فعال جامعه را تشکیل می‌دهد که بر تمام فعالیت‌های جامعه اثر می‌گذارد. در نمودار زیر پیش‌بینی جمعیت افراد بین ۱۵ تا ۶۵ سال در فاصله زمانی ۴۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به پیش‌بینی «تعداد افراد بین ۱۵ تا ۶۵ سال» را از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد. نمودار ۱۰ حاکی از آن است که در پیش‌بینی‌های روند جمعیت بین ۱۵ تا ۶۵ سال، ابتدا یک روند صعودی با شیب تدریجی پیدا کرده و سپس از سال ۲۰۴۰ این روند نزولی می‌شود.

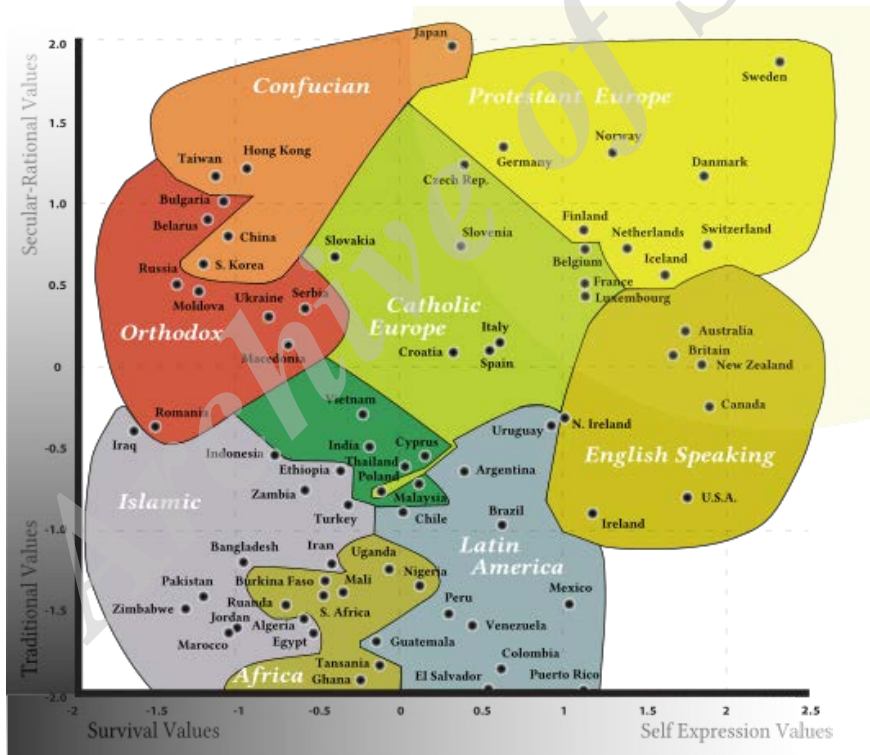


شکل ۱۰- پیش‌بینی جمعیت بین ۱۵ تا ۶۵ سال در ایران تا سال ۲۰۵۰

۴-۱-۳- رابطه دین‌مداری و عرفی‌گرایی

رابطه دین‌مداری و عرفی‌گرایی یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در زمینه هویت ملی است. بعد دینی هویت بر هویت ملی بسیار تاثیرگذار است. هر چه دین عرفی تر شود بعد عملی کم‌رنگ تر می‌شود و دین وارد عرصه زندگی (مناسک و پیامدها) نخواهد شد. با توجه به تضعیف هویت دینی ایران طی سال‌های گذشته شاخص‌هایی همچون دروغ‌گویی، اختلاس و نظایر آن همگی بر تضعیف هویت ملی تاثیرگذار اند. از سوی دیگر ارزشها و باورهای فرهنگی یکی از پیشران‌های مهم سیستم‌های اجتماعی هستند. یکی از روش‌های تحلیل روندهای باورها و ارزشهای فرهنگی، داده‌های پیمایش جهانی ارزش است که مبتنی بر شاخص‌های اینگلهارت است. در این روش برای ارزیابی نگرشها و باورهای فرهنگی از ماتریس دویبیدی استفاده می‌شود که محور افقی آن ارزش‌های ابراز وجود و ارزش بقا را نشان می‌دهد و محور عمودی گرایش به ارزش‌های سنتی و یا ارزش‌های عقلانیت سکولار را در جامعه نشان می‌دهد.

- ارزش‌های سنتی^{۵۳}: تاکید بر ارزش‌های دینی، همبستگی والدین و فرزندان و دفاع از افتداری ارزش‌های خانوادگی و مخالفت با طلاق، سقط جنین و اتونازی
 - ارزش‌های عقلانیت سکولار^{۵۴} (عرفی گرایی): تاکید کم بر مذهب، و ارزش‌های خانواده. دارای تساهل و پذیرش نسبت به طلاق، سقط جنین و اتونازی
 - ارزش‌های بقا^{۵۵}: تاکید بر امنیت مادی و فیزیکی. قوم گرایی، اعتماد پایین و مدارای کم
 - ارزش‌های ابراز وجود^{۵۶}: تاکید زیاد بر حفاظت محیط زیست تحمل بالا نسبت به خارجی‌ها تمایل زیاد به مشارکت در تصمیمات اقتصادی و اجتماعی
- گزارش سال ۲۰۱۰ این شاخص در نمودار ۱۱ نشان داده شده است. بر اساس این گزارش ایران در ربع گوشه پایین سمت چپ قرار دارد که گرایش به سمت ارزش‌های سنتی و ارزش‌های بقا بیشتر است.



شکل ۱۱ - شاخص پیمایش جهانی ارزشها در سال ۲۰۱۰

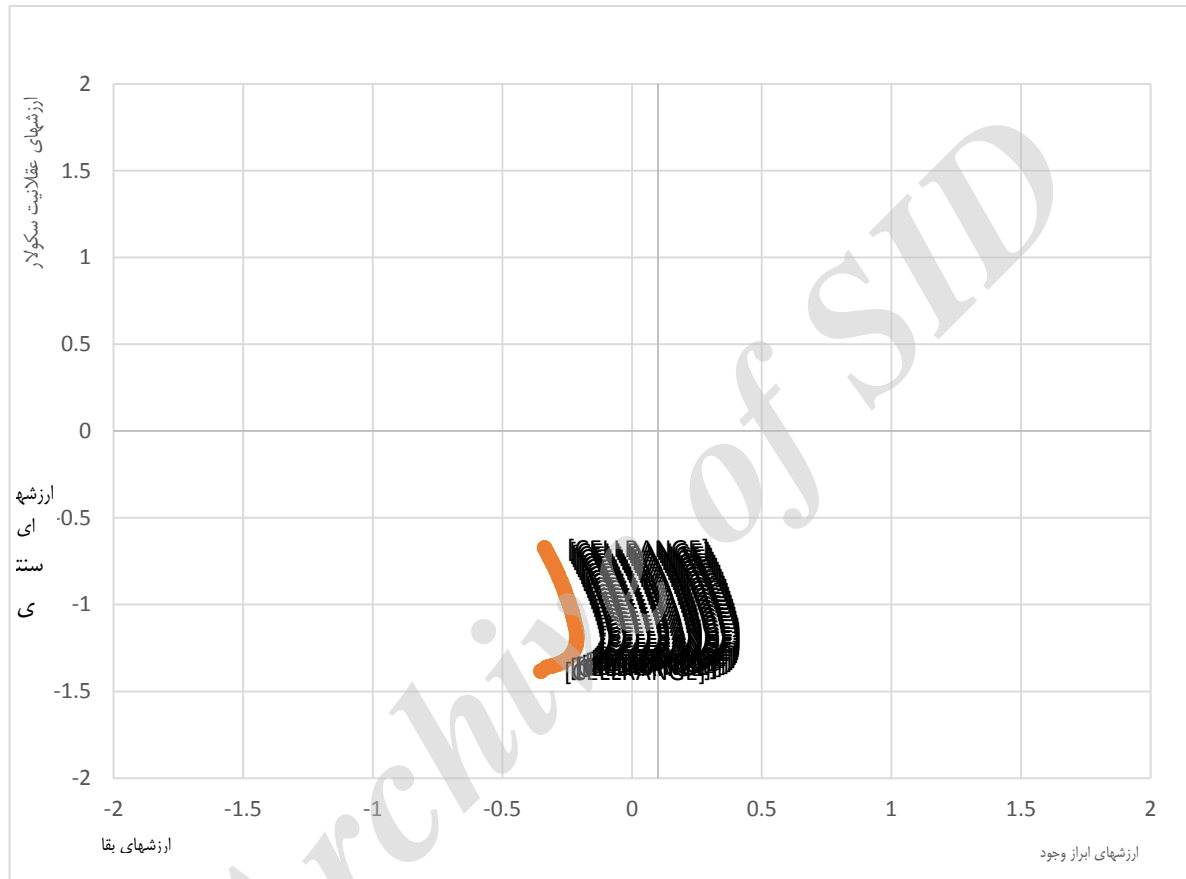
^{۵۳} Traditional values

^{۵۴} Secular-rational values

^{۵۵} Survival values

^{۵۶} Self-expression values

در نمودار ۱۲ پیش‌بینی شاخص ارزشهای و باورهای جامعه ایران در فاصله زمانی ۴۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به پیش‌بینی این شاخص را از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد. نمودار ذیل حاکی از آن است که شاخص ارزش‌های و باورهای جامعه ایرانی، همچنان در ربع پایین سمت چپ باقی خواهد ماند و گرایش به ارزشهای سنتی و بقا خواهد داشت هرچند که تغییر محدودی خواهد داشت.



شکل ۱۲- پیش‌بینی شاخص اینگلهارت ایران تا سال ۲۰۶۰

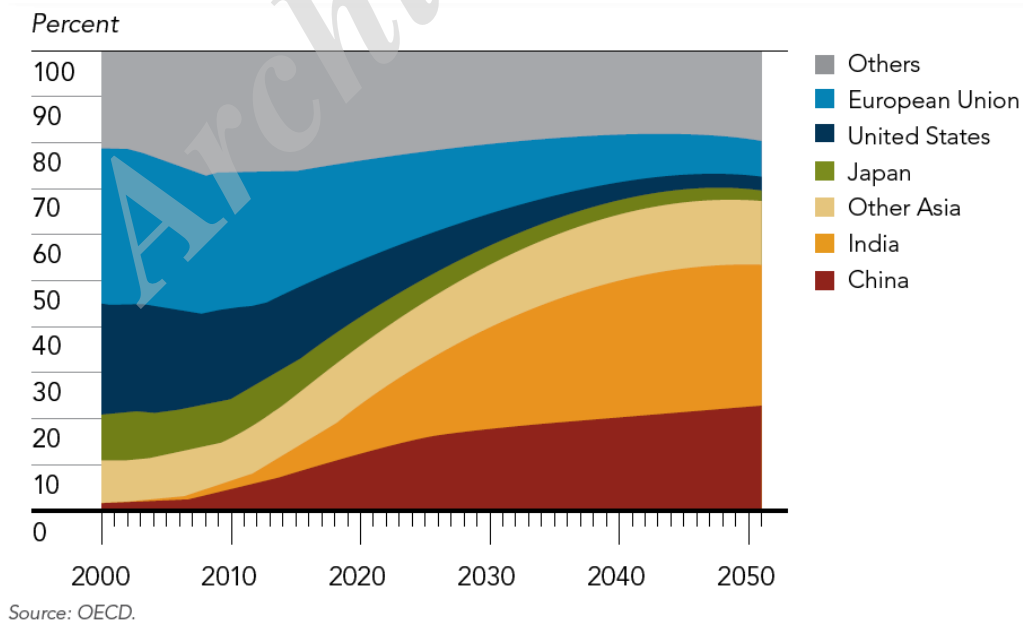
۴-۱-۴- تسریع و تسهیل تعاملات (افزایش ارتباطات نوین)

مطالعات جهانی بر روی کلان‌روندهای ارتباطی نشان از این امر دارد که روش‌های جدید ارتباطی گسترش بیشتری خواهد یافت [۷]. با افزایش ارتباطات رسانه‌ها و تسریع و گسترش دامنه رسانه‌ها در نتیجه هویت جهانی تقویت شده و در مقابل هویت ملی تضعیف می‌شود. لذا هر چه افراد جهان وطن‌تر باشند هویت ملی تضعیف خواهد شد. از سویی دیگر ارتباطات در گذشته از طریق رسانه‌های جمعی و به صورت یک طرفه صورت می‌گرفته است و افراد بیشتر دریافت‌کننده پیام بودند. این در حالی است که در حال حاضر، افراد ابتدا کاربر هستند، اما هم‌زمان «دریافت‌کننده پیام» و «تولیدکننده محتوی» نیز هستند. این امر باعث

تأثیرگذاری رسانه‌های نوین بسیار بیشتر از اثرگذاری رسانه‌های پیشین شده است. این عامل بسیار تأثیرگذار بر روی هویت ملی است. همچنین بسته به نوع استفاده از ارتباطات اثرات آن بر هویت ملی متفاوت است. افرادی که در پیرامون کشور هستند، عموماً از رسانه ملی استفاده نمی‌کنند چرا که به دنبال ادامه قوم خود در کشورهای همسایه هستند. زمانی که همراه با تقویت هویت قومی محرومیت نسبی هم افزایش پیدا کند، هویت قومی تقویت شده و باعث تضعیف هویت ملی خواهد شد. باید توجه داشت که در شرایطی هویت قومی با هویت ملی همراستا هستند (بر اساس دو شاخص مذهب و زبان) که باعث تقویت ملی می‌شود.

۴-۱-۵- توانمندسازی فردی

رشد کاهش فقر باعث افزایش توانمندسازی فردی می‌شود [۷] با توجه به روند کاهشی فقر در ایران، نتایج مطالعات نشان از این مطلب دارد که طی ۱۵ سال آینده شاخص فقر از ۴,۱ به ۳ تقلیل یابد و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۶۰ شاخص فقر در کشور ۵۰ درصد کاهش یابد [۶]. در این خصوص می‌توان گفت با افزایش فردگرایی هویت ملی تضعیف خواهد شد. از سویی دیگر رشد طبقه متوسط در دنیا در حال افزایش است [۷]. افزایش طبقه متوسط نشان دهنده وضعیت مناسب اجتماعی و اقتصادی است و همواره بیش از یک سوم جمعیت باید طبقه متوسط باشد. این طبقه همواره بیشترین تأثیر را در جامعه داشته و در نقش آفرینی اجتماعی هم بسیار مهم هستند. نمودار ۱۳ سهم مصرف طبقه متوسط در جهان را نشان می‌دهد که نشان از روند صعودی جهانی و منطقه‌ای آن دارد.

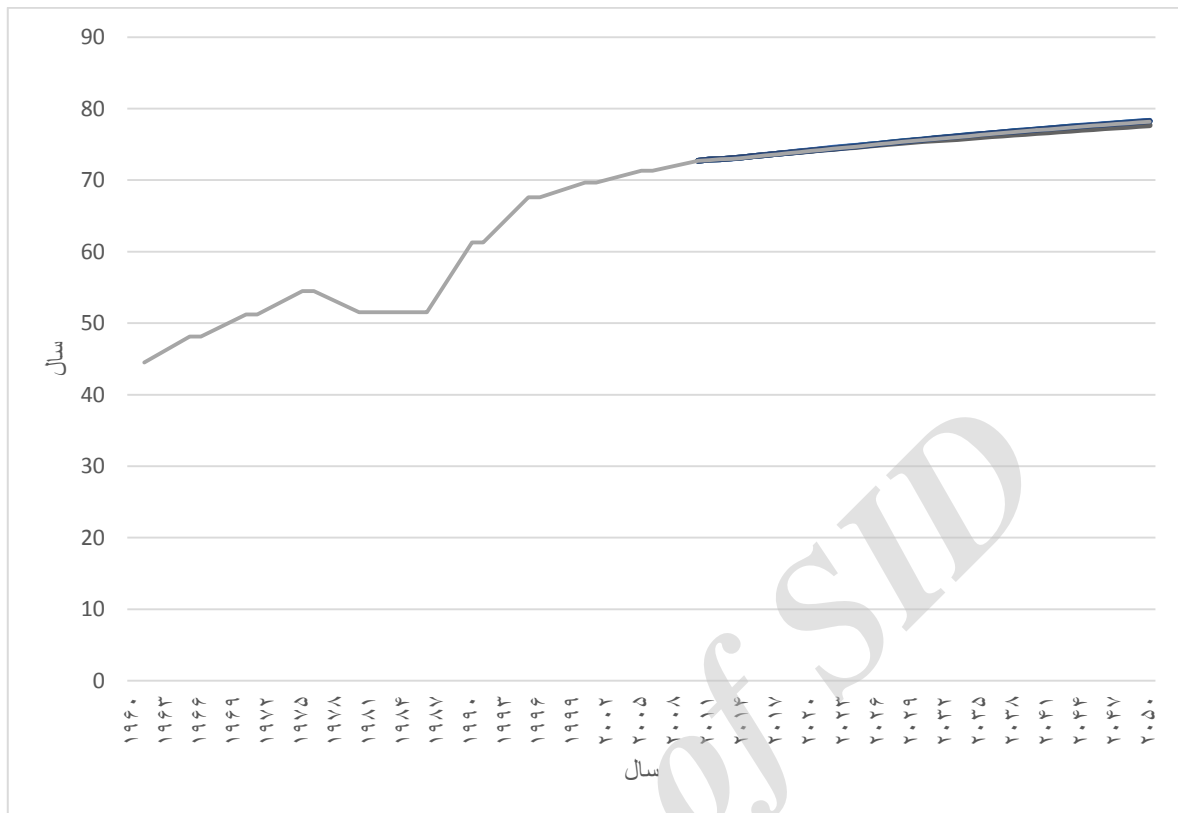


شکل ۱۳ - سهم مصرف طبقه متوسط در جهان در بازه سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰

تحلیل روندهای جهانی نشان از این موضوع دارد که روند فردگرایی در جهان سعودی است [۳]. در نتیجه مردم به جای تفکر به منافع جمعی تمایل به رفع منافع فردی دارند و این امر هویت ملی را تضعیف می‌کند. متناظر با این روند، خصوصی سازی (شخصی سازی) افزایش خواهد یافت و نیز پدیده افسردگی در جوامع افزایش خواهد یافت [۳].

۴-۱-۶- امید به زندگی

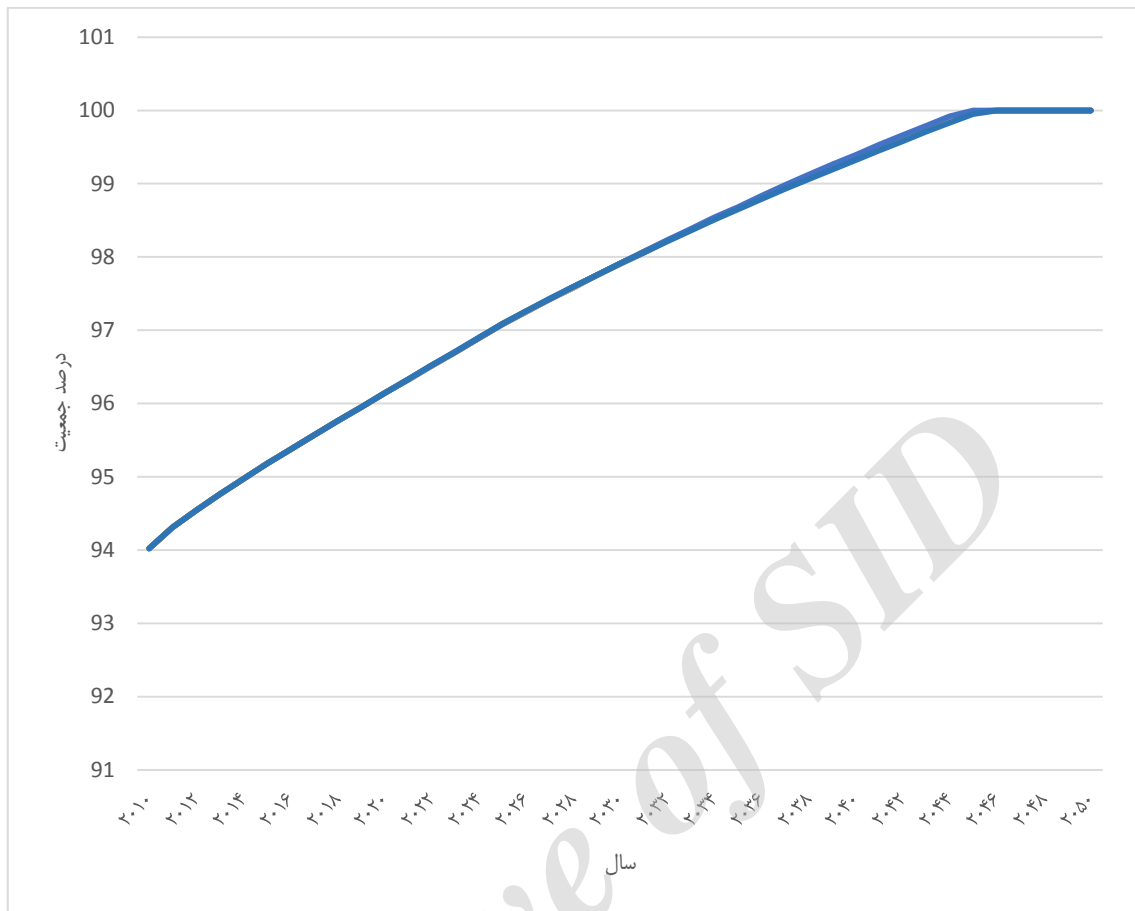
امید به زندگی شاخصی آماری است که نشان دهنده متوسط طول عمر در یک جامعه است؛ به عبارت دیگر هر عضو جامعه انتظار چه طور عمری می‌تواند داشته باشد؟ هر چه شاخص‌های بهداشت و درمان بهبود یابد، امید زندگی افزایش خواهد یافت. از این رو این شاخص یکی از شاخص‌های سنجش پیشرفت و عقب ماندگی کشورها نیز به محسوب می‌شود. در نمودار ۱۴ روند تغییرات شاخص امید به زندگی در فاصله زمانی ۹۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به «شاخص امید به زندگی» را از سال ۱۹۶۰ (۱۳۴۰) تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد. اطلاعات گردآوری شده دربرگیرنده داده‌های ۵۰ سال گذشته (از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰) است و نمودار برون‌یابی شده مربوط به ۴۰ سال بعد از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی شده است. این نمودار حاکی از آن است که روند امید به زندگی ابتدا روند افزایشی داشته است یعنی در بازه زمانی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ روند امید به زندگی سعودی بوده و از ۴۴،۵۲ در سال ۱۹۶۰ به ۵۴،۴۸ رسیده است. اما این روند سعودی با وقوع جنگ تحمیلی متوقف می‌شود و تا سال ۱۹۸۵ (پایان جنگ تحمیلی) کاهش یافته است. مجدد از ۱۹۸۵ با شیب زیادی افزایش یافته و به ۷۲،۶۹ در سال ۲۰۱۰ رسیده است.



شکل ۱۴- پیش‌بینی شاخص امید به زندگی در ایران تا سال ۲۰۵۰

۴-۱-۷- سواد آموزی

یکی از روندهای اجتماعی که بر سیستم‌های و سازمان‌های آینده اثر می‌گذارد، رشد تحصیلات و سواد آموزی جامعه ایران است. معضل خواندن و نوشتن و آموزش از جمله مسائلی بوده است که در ۵۰ سال گذشته گریبانگیر تحولات اجتماعی بوده است. میزان باسوادی جمعیت ۶ سال و بیشتر کشور در سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۳۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب ۲۸، ۱۵ و ۴۱٫۷ درصد بوده است که با وقوع انقلاب اسلامی رشد سواد آموزی چشمگیر بوده است و در سال ۱۳۹۰ به ۹۴ درصد رسیده است. در نمودار ۱۵ پیش‌بینی درصد جمعیت با سواد کشور در فاصله زمانی ۴۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به پیش‌بینی «درصد جمعیت باسواد بالای ۱۵ سال» را از سال (۱۳۹۰) تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد. نمودار ذیل حاکی از آن است که نرخ باسوادی یک روند صعودی دارد و تا سال ۲۰۴۵ صد در صد جامعه با سواد خواهند بود.



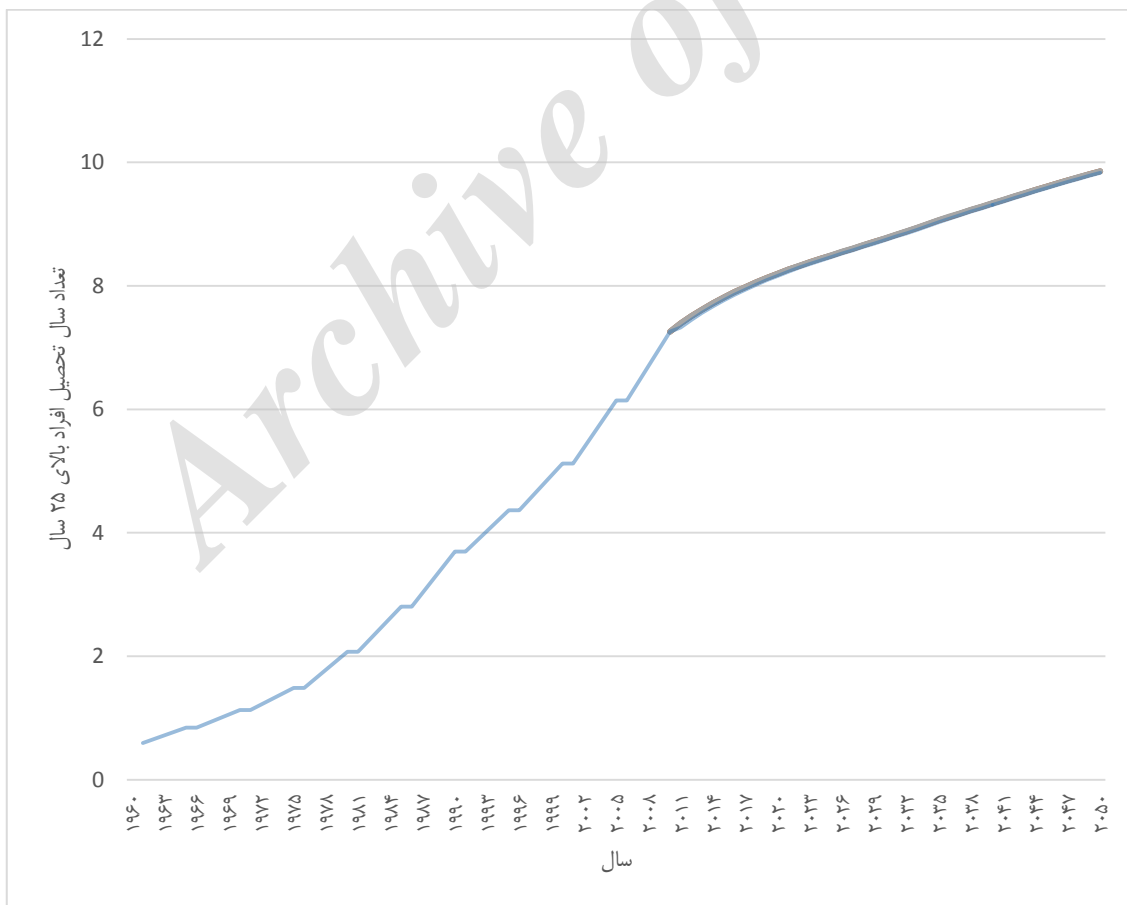
شکل ۱۵- پیش‌بینی درصد جمعیت باسواد بالای ۱۵ سال تا سال ۲۰۵۰

همانگونه که مشاهده می‌شود پیش‌بینی‌های این مدل‌سازی نشان می‌دهد مشکل بی‌سوادی در دو دهه آینده همچنان برای ۲ درصد جامعه حدود ۲ میلیون نفر باقی می‌ماند و از ۲۰۴۰ به بعد بی‌سوادی تقریباً از بین خواهد رفت. بی‌تردید موثرترین و کارآمدترین حوزه تاثیرگذار بر هویت ملی مدارس هستند که در غیاب ارتباطات گسترده در میان دانش‌آموزان و کاهش نسبی تاثیرپذیری آن‌ها از خانواده، نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کنند [۸]. وظیفه اصلی آموزش و پرورش تربیت افرادی متعهد و متعلق به جامعه ایرانی است. دانش‌آموزان در ایران متعلق نمی‌شوند و بازنمایی هویت ملی در کتاب‌های درسی نمود پیدا نکرده است. نتایج مطالعات نشان داده است که در مقاطع مختلف تحصیلی، در آموزش و پرورش، مواد کتب درسی هیچ تاثیری برای تقویت هویت ملی ندارند. در این خصوص تیموری آشتیانی در پژوهش خود هویت ملی در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی را بررسی کرده است. وی در نتایج پژوهش خود اینگونه بیان می‌دارد «... در فرآیند هویت ملی، بعد از انقلاب راهی را می‌رویم که در دوران پهلوی رفته ایم. یعنی تاکید بیش از حد بر برخی مولفه‌ها و عناصر هویت ملی و

استفاده از تبلیغات برای درونی کردن آن‌ها در افکار عمومی، که خود باعث واکنش مردم و روی آوردن به سنن ملی قبل از انقلاب شده است [۸].

۴-۱-۸- کسب آموزش

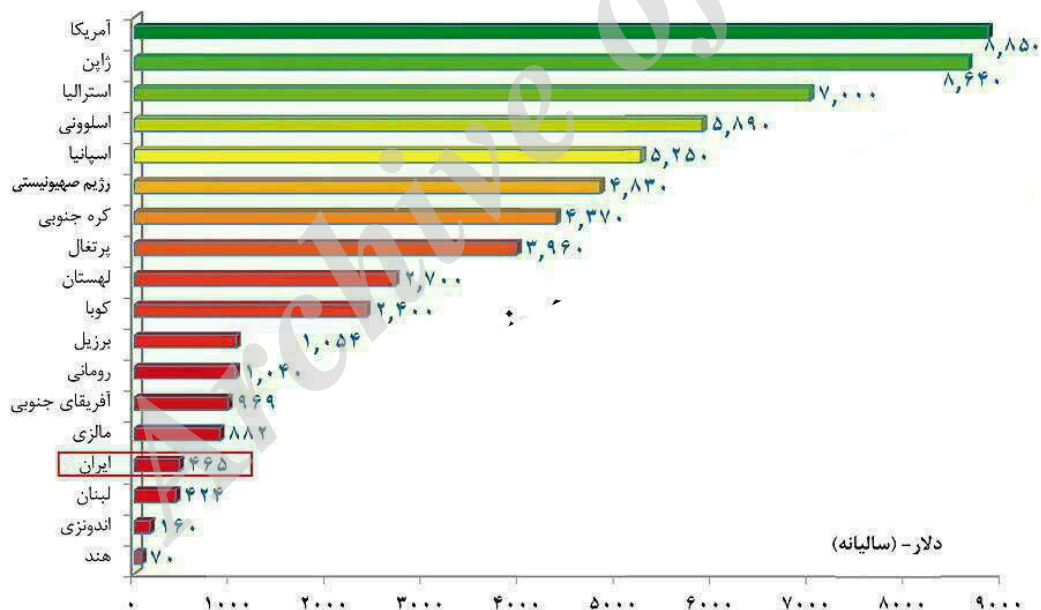
در نمودار ۱۶ روند تعداد سالهای تحصیل جمعیت بالای ۲۵ سال در فاصله زمانی ۹۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به «شاخص تعداد سال تحصیل جمعیت بالای ۲۵ سال» را از سال ۱۹۶۰ (۱۳۴۰) تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد و نمودار برون‌یابی شده مربوط به ۴۰ سال بعد از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ است. این نمودار نشان می‌دهد که شاخص کسب آموزش سطح بالاتر روند افزایشی داشته است یعنی در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۰ با شیب زیادی روند کسب آموزش‌های بیشتر افزایش یافته است. همچنین پیش‌بینی می‌شود این روند با اختلاف کم و شیب ملایم به صورت صعودی ادامه یابد.



شکل ۱۶- پیش‌بینی شاخص تعداد سال تحصیل جمعیت بالای ۲۵ سال ایران تا سال ۲۰۵۰

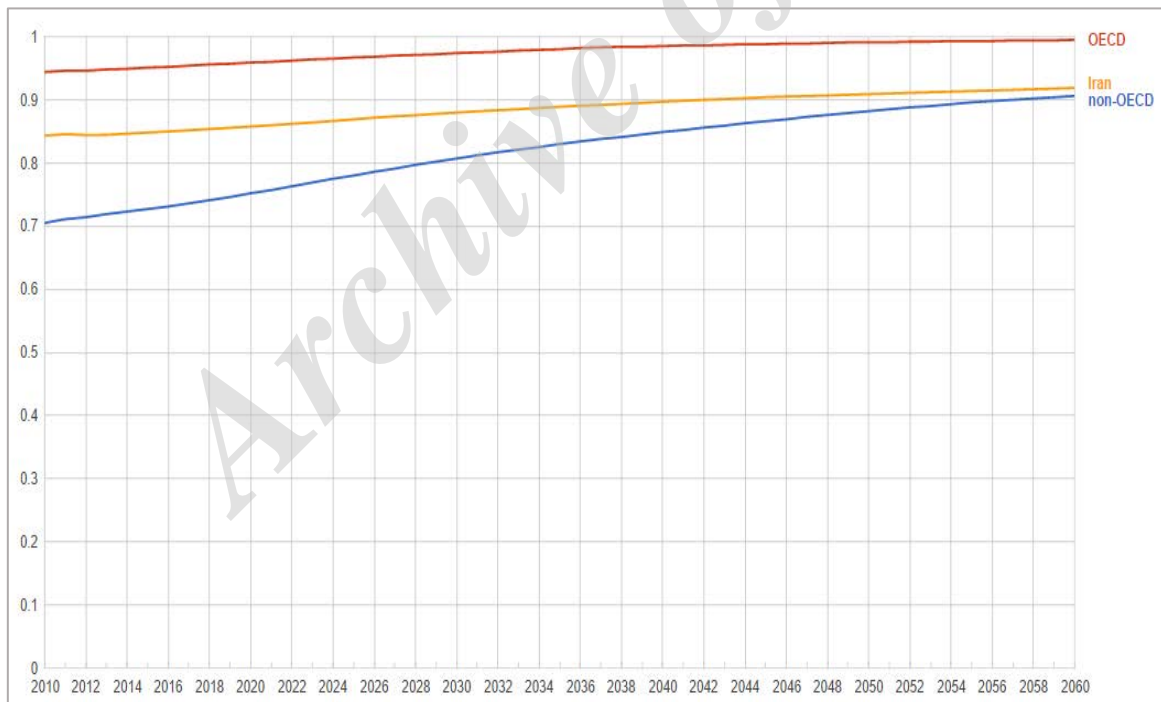
متوسط تعداد سال‌های آموزش کسب شده در ایران در ۱۹۷۰ کمتر از ۱٫۵ سال بوده است. این شاخص در سال ۲۰۱۰ به ۷٫۲ سال افزایش یافته است. در این مدل‌سازی پیش‌بینی می‌شود که متوسط میزان آموزش جامعه ایرانی به حدود ۱۰ سال در سال ۲۰۵۰ برسد.

مقایسه‌ای تطبیقی در خصوص سرمایه‌گذاری دولت برای آموزش نشان از این مطلب دارد که کشور ایران در مقایسه با کشورهای مختلف جهان از سرمایه‌گذاری مناسبی در بخش آموزش برخوردار نیست. یکی از عواملی که باعث فرار مغزها می‌شود عدم سرمایه‌گذاری‌های مناسب بوده است. آمار نشان از این مطلب دارد که پس از انقلاب اسلامی، هشتاد درصد از دانش‌آموزان راه یافته به المپیادهای علمی از کشور خارج شده‌اند. یکی از دلایل آن عدم یافتن موقعیت شغلی مناسب است اما اساساً ضعف هویت ملی و عدم تعلق نیز در آن بی‌تأثیر نبوده است.



۴-۱-۹- شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی^{۵۷} (HDI) شاخصی ترکیبی است برای سنجیدن موفقیت در هر کشور، در سه معیار پایه از توسعه انسانی: زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب. ارزش عددی شاخص توسعه انسانی بین صفر تا یک است و نشان میدهد که هر کشوری چه مقدار از مسیر خود را برای رسیدن به بالاترین ارزش ممکن یعنی یک، طی کرده است و همچنین امکان مقایسه بین کشورها را فراهم می‌کند. این شاخص توسط دفتر توسعه سازمان ملل منتشر می‌شود و وضعیت کشورها را مقایسه می‌کند و بر اساس آخرین گزارش ایران در رتبه ۷۵ دنیا در سال ۲۰۱۳ قرار داشته است. در نمودار ۱۷ پیش‌بینی شاخص توسعه انسانی در فاصله زمانی ۴۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به پیش‌بینی این شاخص را از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد. نمودار ذیل حاکی از آن است که شاخص توسعه انسانی، یک روند صعودی دارد. این نمودار بیانگر آن است که شاخص توسعه انسانی ایران از متوسط کشورهای در حال توسعه بالاتر و از متوسط کشورهای توسعه یافته کمتر خواهد بود.



شکل ۱۷- پیش‌بینی شاخص توسعه انسانی ایران تا سال ۲۰۶۰ نسبت به کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته

^{۵۷}Human Development Index

همانگونه که مشاهده می‌شود پیش‌بینی‌های این مدل‌سازی نشان می‌دهد شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۳۰ این شاخص به ۰٫۹ می‌رسد و با شیب کمی افزایش می‌یابد و ۰٫۹۳۲ در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید.

۴-۱-۱۰- باورها و نگرش‌های فرهنگی

روندهای رو به رشد تحصیلات و آموزش در ایران حاکی از آن است که علی‌رغم عقب ماندگی‌ها تاریخی در آموزش، جامعه ایرانی با شتاب به سمت کسب آموزش و بالارفتن تحصیلات در حرکت است. از سوی دیگر شاخص توسعه انسانی روند صعودی دارد و نشان از بالا رفتن سطح توسعه یافتگی جامعه ایرانی و در نتیجه موجب ارتقای سطح زندگی و بالارفتن انتظارات جامعه از سازمانها و نهادها خواهد شد و جامعه متقاضی خدمات کارآمدتری خواهند شد. این موضوع موجب می‌شود سازمانها با یک فشار اجتماعی برای بهبود دادن سطح عملکرد خود مواجه شوند و در غیر این صورت نارضایتی اجتماعی شکل خواهد گرفت و انتقادات نسبت به رفتار سازمان افزایش پیدا می‌کند.

تغییرات در نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی هر چند که محدود و تدریجی است اما به سوی عقلانیت‌گرایی بیشتر گرایش دارد و موجب می‌شود در مشارکت‌های مدنی گروه‌های اجتماعی نه کارآمدی و اثربخشی روش‌ها توجه بیشتری داشته باشند و با نقادی بیشتری آنها را ارزیابی کنند. از این نظر مدیریت بلایای طبیعی در مواجهه خود با تقاضای‌های اجتماعی نیازمند هوشمندی بیشتر و عملکرد منطقی‌تر است.

۴-۱-۱۱- سند چشم انداز

در سند چشم انداز ۱۴۰۴ کشور تاکید شده است که «... در چشمانداز ۲۰ ساله، ایران کشور با ستوسعه‌یافته‌ی پایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام با تعامل سازنده در روابط بین‌الملل» همچنین موضوعات فراوانی در خصوص تاکید بر هویت ملی، همچون «تقویت هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب با اسلام و نظام جمهوری اسلامی آگاهی‌کافی در باره تاریخ فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی اسلامی و اهتمام جدی به بازسازی»، «تقویت هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب با اسلام و نظام جمهوری اسلامی آگاهی‌کافی در باره تاریخ فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی اسلامی و اهتمام جدی به بازسازی»، «حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی»، «تقویت امنیت و اقتدار ملی با تاکید بر رشد علمی و فناوری؛ مشارکت و توانمندسازی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، و وحدت هویت ملی، قدرت اقتصادی و دفاعی و ارتقای جایگاه جهانی ایران»، «تقویت هویت اسلامی ایرانی و ایران‌خارج‌ساز کشور، کمک به ترویج و بازسازی میان‌انسان، حمایت از حقوق آنان و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی» در دستور کار قرار گرفته است [۹].

در این خصوص روندهایی که باعث بازنمایی بین المللی نسبت به ایرانیان می‌شوند باعث تقویت هویت ملی می‌شود. روند افزایشی فرار مغزها که نشان دهنده عدم تعلق ملی است؛ نیز روند مهاجرت اقتصادی که در ثبات اقتصادی آینده کشور تاثیرگذار است نیز نشانه‌هایی برای رشد عدم تعلق ملی است.

۴-۲- کلان‌روند های فناوری

۴-۲-۱- هویت‌های آنلاین

بی تردید یکی از عوامل تاثیرگذار بر هویت ملی، هویت جهانی است که هویت آنلاین در این حوزه مورد توجه قرار می‌گیرد. هویت آنلاین و هویت ثانویه باعث می‌شود افراد بتوانند با هویت‌های جعلی در جامعه نقش آفرینی کنند. از سویی دیگر هویت‌های آنلاین می‌توانند اثر مثبت داشته و تقویت هویت قومی را در پی داشته باشند. کارکرد دیگر هویت آنلاین، معرفی فرهنگ یک کشور به کشورهای مختلف جهان است. در صورت تلاش نهادهای ملی برای استفاده مناسب از این هویت، کارکرد مثبتی را نیز می‌تواند از این هویت انتظار داشت. در نتیجه هویت آنلاین کارکرد دو گانه دارد.

پژوهش‌های محراب بیگی در سال ۱۳۹۳ نشان داده است که هر چه شاخص‌های میزان آشنایی، میزان استفاده کلی، میزان استفاده از شبکه اجتماعی، کاربران از اینترنت بیشتر باشد، هویت ملی کمتر است [۱۰]. نرخ رشد کاربران اینترنتی در کشور نشان از افزایش کلیه روندهای مذکور در ایران دارد.

۴-۲-۲- شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی پدیده جدیدی است که اثرات آن در ایران از سال ۱۳۹۲ آغاز شده است و مطالعات اندکی در این خصوص صورت پذیرفته است. اما ویژگی تعاملی شبکه‌های اجتماعی تاثیرات آن را دو چندان می‌کند. این رسانه‌ها بیشتر نقش نظاره‌گر دارند و میزان مواجهه مردم با پدیده‌های مختلف را بیشتر می‌کنند. در نتیجه می‌توان کارکرد دوگانه‌ای در خصوص اثرگذاری آن بر هویت ملی متصور شد.

۴-۳- کلان‌روند اقتصادی

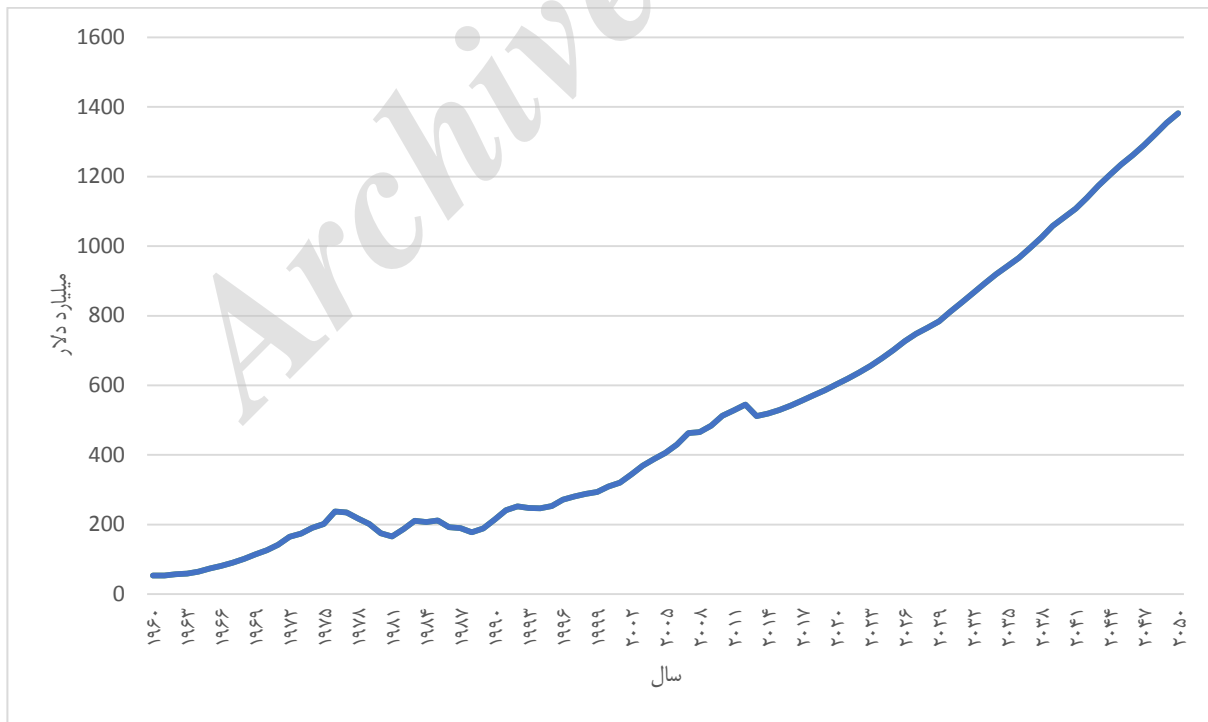
نابسامانی وضعیت اقتصادی (رکود، تدام تحریم‌ها، قاچاق، اختلاس‌ها و نظایر آن) به صورت مداوم بر احساس تعلق افراد به جامعه ملی اثرگذار است. نگاه نابرابر وابستگی و تعهد افراد به جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از سویی دیگر رشد اقتصادی باعث کاهش روند «سالخوردگی» در کشورها می‌شود [۳، ۷] نیز امید به زندگی را بهبود می‌بخشد. نتایج مطالعات بر روی میزان

هویت ملی افراد مسن، نشان از این امر دارد که احساس تعلق افراد مسن نسبت به جامعه ملی بسیار بیشتر از سایر گروه‌های سنی است. لذا با مسن تر شدن جمعیت زمینه لازم برای افزایش تعلق ملی فراهم می شود.

تداوم اصل ۴۴ (خصوصی سازی اقتصادی) در کشور باعث افزایش شکاف طبقاتی خواهد شد. با توجه به وجود رانت اقتصادی در کشور در نتیجه خصوصی سازی واقعی به دلیل بزرگی دولت به سختی اتفاق خواهد افتاد و بخش خصوصی به صورت شبه دولتی فعالیت خواهد کرد. این امر نه تنها باعث افزایش شکاف طبقاتی خواهد شد بلکه باعث فقیرتر شدن فقرا می شود.

۴-۳-۱- تولید ناخالص داخلی

یکی از عوامل مهم در ارتباط با پیشران‌های اقتصادی، «شاخص روند تولید ناخالص داخلی جمعیت» است که دربرگیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک دوران معین (یکسال) در یک کشور تولید می شود. در نمودار ۱۸ روند تولید ناخالص داخلی ایران در فاصله زمانی ۹۰ ساله مشاهده می شود. این نمودار داده‌های مربوط به «تولید ناخالص داخلی ایران» را از سال ۱۹۶۰ (۱۳۴۰) تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می دهد. اطلاعات گردآوری شده دربرگیرنده داده‌های ۵۰ سال گذشته (از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰) است و نمودار برون یابی شده مربوط به ۴۰ سال بعد از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ است.

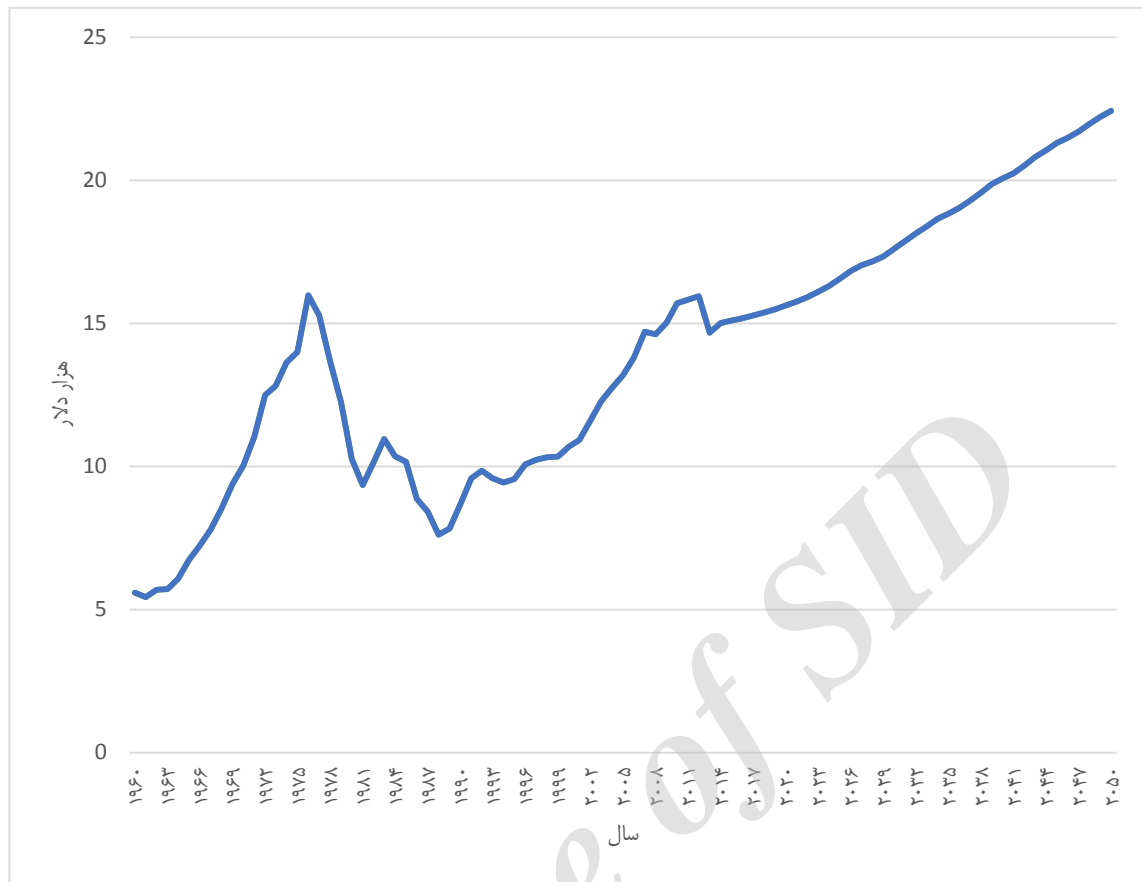


شکل ۱۸- پیش بینی مقدار تولید ناخالص داخلی ایران تا سال ۲۰۵۰

این نمودار حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی در ایران روند صعودی داشته است. در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ این روند با توجه به تغییرات سیستم اقتصادی ایران با وقوع انقلاب اسلامی و تا پایان جنگ تحمیلی دچار وقفه شد ولی دوباره روند صعودی پیدا کرد. پیش‌بینی می‌شود تولید ناخالص داخلی ایران در ۳۵ سال آینده با روند صعودی ادامه پیدا کند.

۴-۳-۲- درآمد سرانه

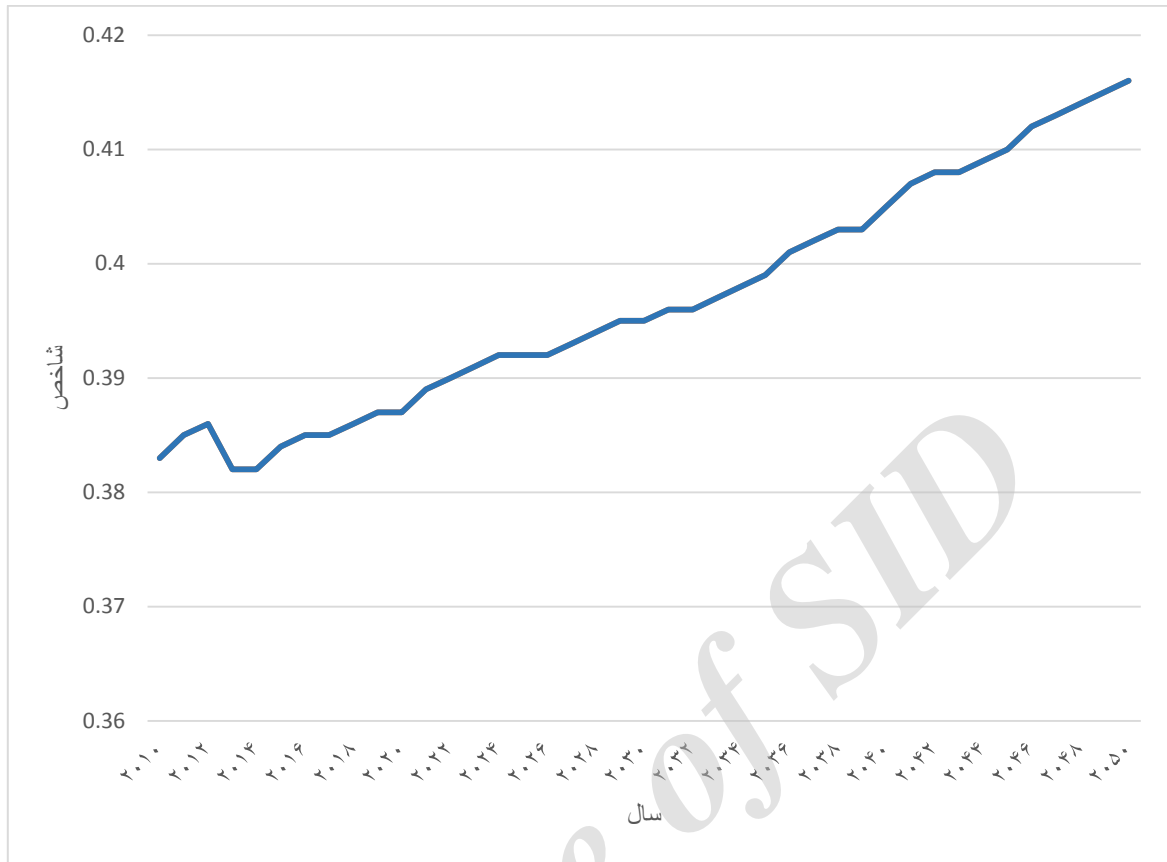
درآمد سرانه یکی از متغیرهای مهم اقتصادی است که بر تمام فعالیت‌های جامعه اثر می‌گذارد. در نمودار ۱۹ روند درآمد سرانه ایران در فاصله زمانی ۹۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به «روند درآمد سرانه ایران» را از سال ۱۹۶۰ (۱۳۴۰) تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد. اطلاعات گردآوری شده دربرگیرنده داده‌های ۵۰ سال گذشته (از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰) است و نمودار برون‌یابی شده مربوط به ۴۰ سال بعد از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ است. نمودار ذیل حاکی از آن است درآمد سرانه ایران ابتدا روند صعودی داشته است اما با وقوع جنگ تحمیلی و تغییر سیستم اقتصادی ناشی تحولات انقلاب در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۸ این روند سیر نزولی پیدا کرد و مجدداً روند صعودی پیدا کرد. پیش‌بینی می‌شود درآمد سرانه ایران در ۳۵ سال آینده با شیب ملایم افزایش پیدا کند.



شکل ۱۹- پیش‌بینی شاخص درآمد سرانه ایران تا سال ۲۰۵۰

۴-۳-۳- شاخص جینی

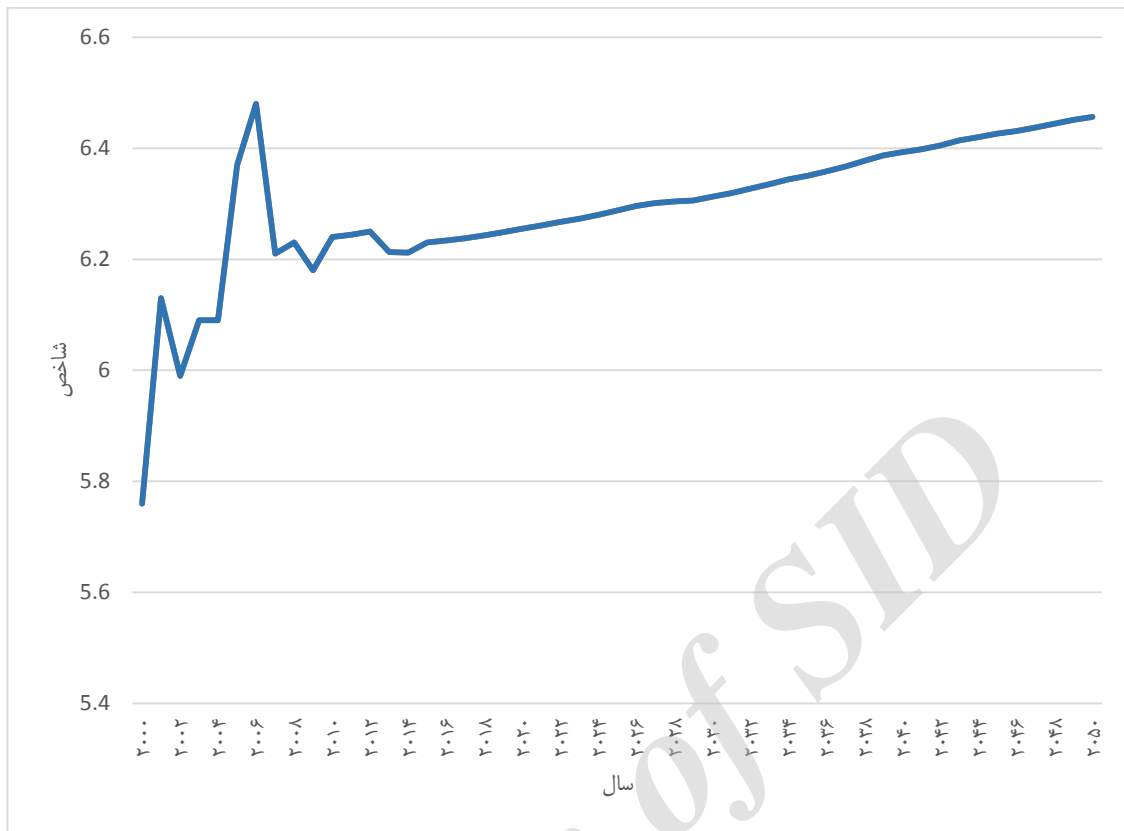
شاخص یا ضریب جینی یک شاخص اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت در میان افراد یک جامعه است. بالا بودن این شاخص به معنای زیاد بودن اختلاف طبقاتی و نابرابری درآمد اقتصادی در یک کشور محسوب می‌شود. در نمودار ۲۰ روند شاخص جینی در فاصله زمانی ۹۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به «روند شاخص جینی ایران» را از سال ۱۹۶۰ (۱۳۴۰) تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد. اطلاعات گردآوری شده دربرگیرنده داده‌های ۵۰ سال گذشته (از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰) است و نمودار برون‌یابی شده مربوط به ۴۰ سال بعد از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ است. این نمودار حاکی از آن است شاخص جینی در ایران با شیب کمی در حال افزایش است و پیش‌بینی می‌شود درآمد سرانه ایران در ۳۵ سال آینده همچنان افزایش پیدا کند.



شکل ۲۰- پیش‌بینی شاخص جینی ایران تا سال ۲۰۵۰

۴-۳-۴- آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی نشان دهنده قابلیت اعضای یک جامعه برای کنش‌های اقتصادی است و یکی از اصول مهم ارزیابی شرایط توسعه یافتگی کشورها است. در نمودار ۲۱ روند شاخص آزادی اقتصادی در فاصله زمانی ۹۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به «روند شاخص آزادی اقتصادی ایران» را از سال ۱۹۶۰ (۱۳۴۰) تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد. اطلاعات گردآوری شده دربرگیرنده داده‌های ۵۰ سال گذشته (از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰) است و نمودار برون‌یابی شده مربوط به ۴۰ سال بعد از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ است.



شکل ۲۱- پیش‌بینی شاخص آزادی اقتصادی ایران تا سال ۲۰۵۰

۴-۴-۵- مصرف‌گرایی

روند مصرف‌گرایی در جهان در حال افزایش است و این امر بر هویت ملی اثرگذار است.

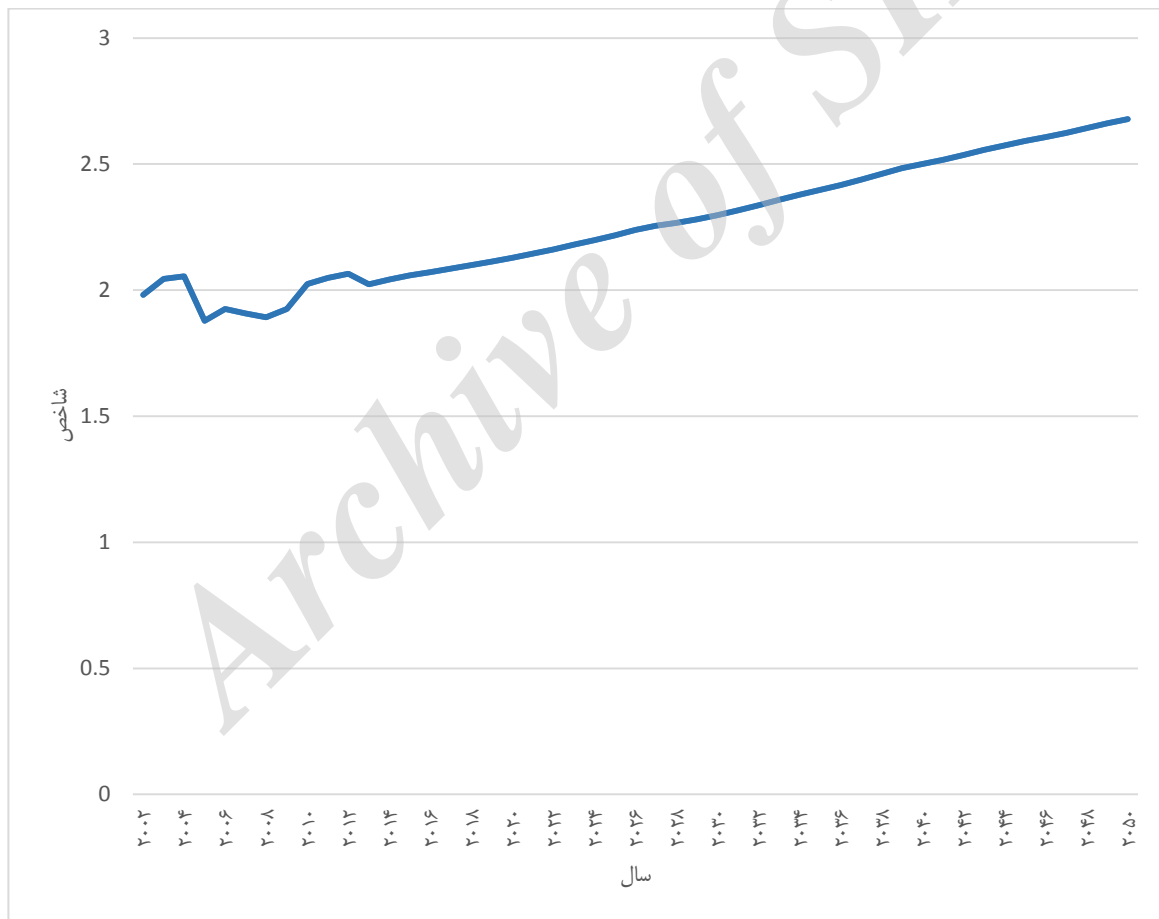
۴-۵- کلان روند زیست محیطی

ویژگی‌های زیست محیطی و اقلیمی باعث افزایش محرومیت نسبی می‌شود و باعث افزایش هویت قومی در میان آن‌ها و تضعیف هویت ملی می‌شود. نشانه‌های فراوانی از تخریب زیست محیطی نظیر دریاچه ارومیه، سد گتوند، آلودگی ناشی از ریزگردها در خوزستان، زابل به عنوان آلوده‌ترین شهر جهان، مشکلات تامین منابع آب، نفت و گاز و نظایر آن روند رو به رشدی در این زمینه را پشتیبانی می‌کنند.

۴-۶- کلان روند سیاسی

۴-۶-۱- اعتماد سیاسی

اعتماد سیاسی یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است و روند تغییرات سیاسی در زمینه دموکراسی در کشور ایران نشان از این مطلب دارد که شاخص دموکراسی از ۰ تا ۲۰ در کشور ایران ۳,۷ است که طی ۱۵ سال آینده به ۵,۲ خواهد رسید و پیش بینی می‌شود این عدد در سال ۲۰۶۰ به ۸ رسیده باشد [۶]. از سویی دیگر در نمودار ۲۲ پیش‌بینی «شاخص کارآمدی حکمرانی» در فاصله زمانی ۴۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به پیش‌بینی «شاخص قدرت ملی» را از سال (۱۳۹۰) تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد. بر اساس مدل‌سازی انجام شده پیش‌بینی شده است که شاخص کارآمدی حکمرانی در ایران روند صعودی را طی خواهد کرد.



شکل ۲۲ - پیش‌بینی شاخص کارآمدی حکمرانی ایران تا سال ۲۰۵۰

۴-۶-۲- جهانی سازی

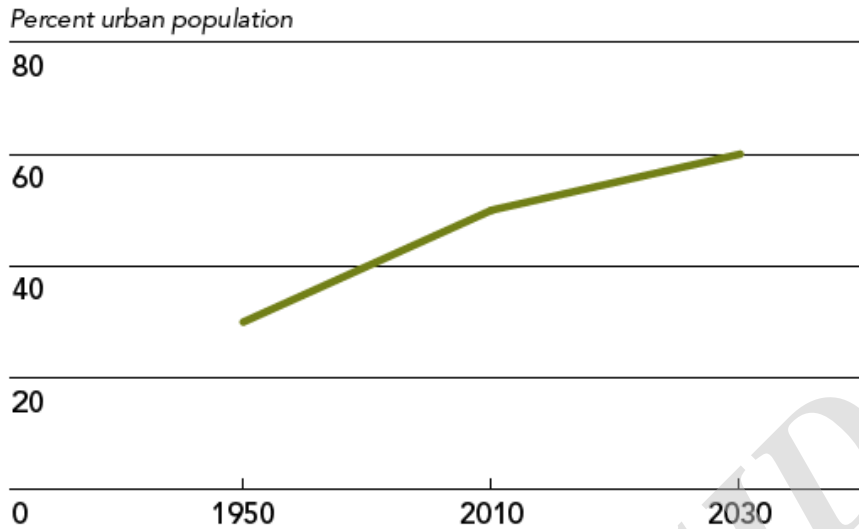
مروری بر روندهای جهانی نشان از این واقعیت دارد که جهانی سازی در حال افزایش است [۳]. امروزه امواج جهانی شده و تبادل سریع فرهنگ ها و اندیشه ها جهان را به سوی یکسان سازی هویت ها پیش برده و صیانت از هویت ملی را با چالش مواجه کرده است. شناخت و احیای هویت ملی روز استقلال و قدرت کشور و مانعی در راه گسترش سلطه قدرت های جهانی است. روند جهانی شده هویت های فروملی یا خرده فرهنگ ها را در مقایسه با هویت ملی برجسته تر می کند و به همین علت شکاف های قومی، مذهبی، زبانی و نظایر آن عمیق تر شده و گرایش های گریز از مرکز تقویت می شود [۱۱]. از سوی دیگر پدیده قدرت برتر در جهان در حال زوال است و قدرت میان شبکه ها و ائتلاف های چندقطبی در دنیا توزیع خواهد شد [۷].

۴-۶-۳- قانون گریزی و قانون مداری

روند قانون گریزی در کشور رو به افزایش است تحركات ۱۰ سال گذشته نشان از این امر دارد که ذهنیت عموم جامعه به این سو تغییر جهت داده است که اعمال قانون تنها محدود به افراد ضعیف جامعه است. لذا در کشور برای قدرت داشتن باید قانون شکنی شود.

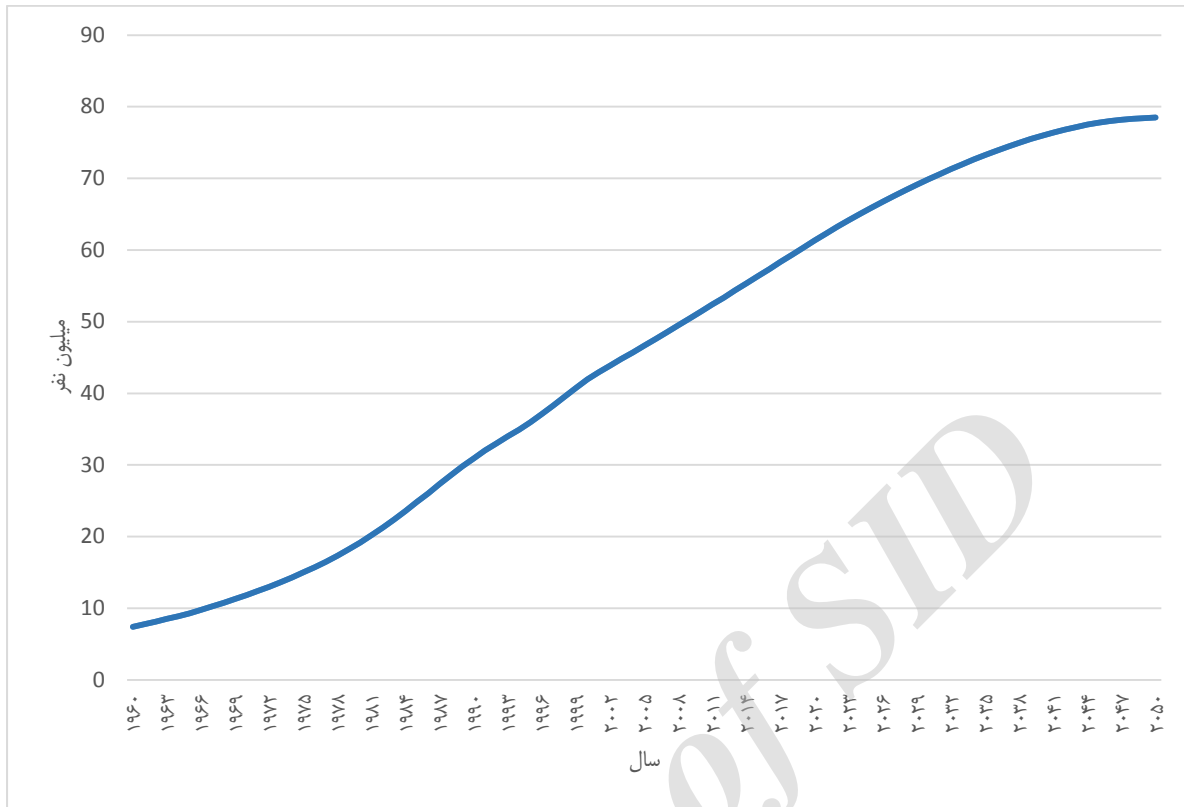
۴-۷- شهر نشینی

نتایج مطالعات و روندهای جهانی حاکی از این امر است که در آینده ۶۰ درصد کشورهای جهان در مناطق شهری سکونت خواهند داشت [۷] لذا روند شهری شدن به شدت افزایش خواهد یافت [۳] در ایران بررسی روند جمعیت ساکن در مناطق شهری نشان از این مطلب دارد که جمعیت شهری کشور ایران از ۵۶ میلیون نفر طی ۱۵ سال آینده قریب به ۱۰ میلیون نفر افزایش را تجربه خواهد کرد و در سال ۲۰۶۰ به قریب به ۸۰ میلیون نفر خواهد رسید [۶]. در این راستا روند مهاجرت جهانی افزایش خواهد داشت [۷]. در نتیجه با افزایش تحركات جمعیتی داخل و خارج کشور زمینه تضعیف هویت ملی فراهم می شود.



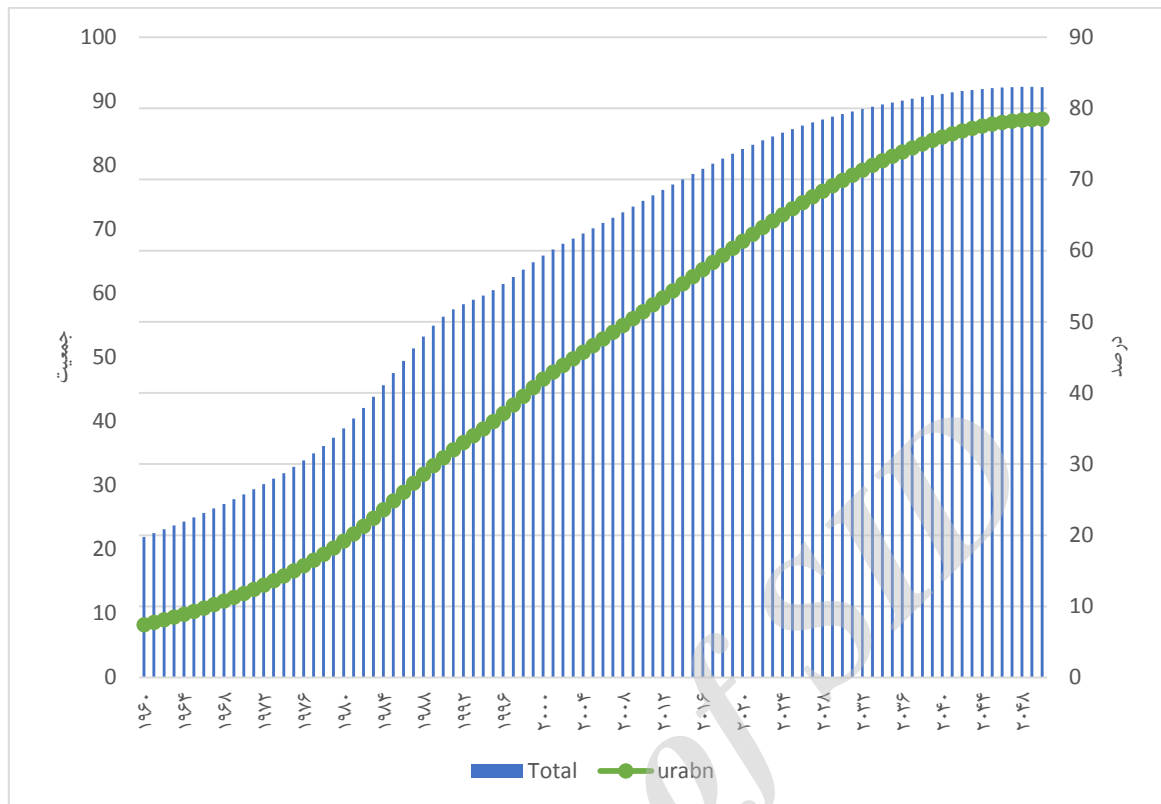
شکل ۲۳- روند افزایش جمعیت شهرنشینی در جهان [۷]

شاخص شهر نشینی یکی از عوامل مهم توسعه جمعیتی است بر تمام مسائل مدیریتی جامعه اثر می‌گذارد. در نمودار ۲۴ روند تغییرات شهر نشینی در فاصله زمانی ۹۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به «شاخص جمعیت شهر نشین» را از سال ۱۹۶۰ (۱۳۴۰) تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد. اطلاعات گردآوری شده دربرگیرنده داده‌های ۵۰ سال گذشته (از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰) است و نمودار برون‌یابی شده مربوط به ۴۰ سال بعد از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۵۰ است. نمودار ۲۴ نشان می‌دهد که شاخص شهر نشینی روند افزایشی داشته است یعنی در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۰ با شیب زیادی روند شهر نشینی ادامه پیدا کرده است.



شکل ۲۴ - پیش‌بینی جمعیت شهری ایران تا سال ۲۰۵۰

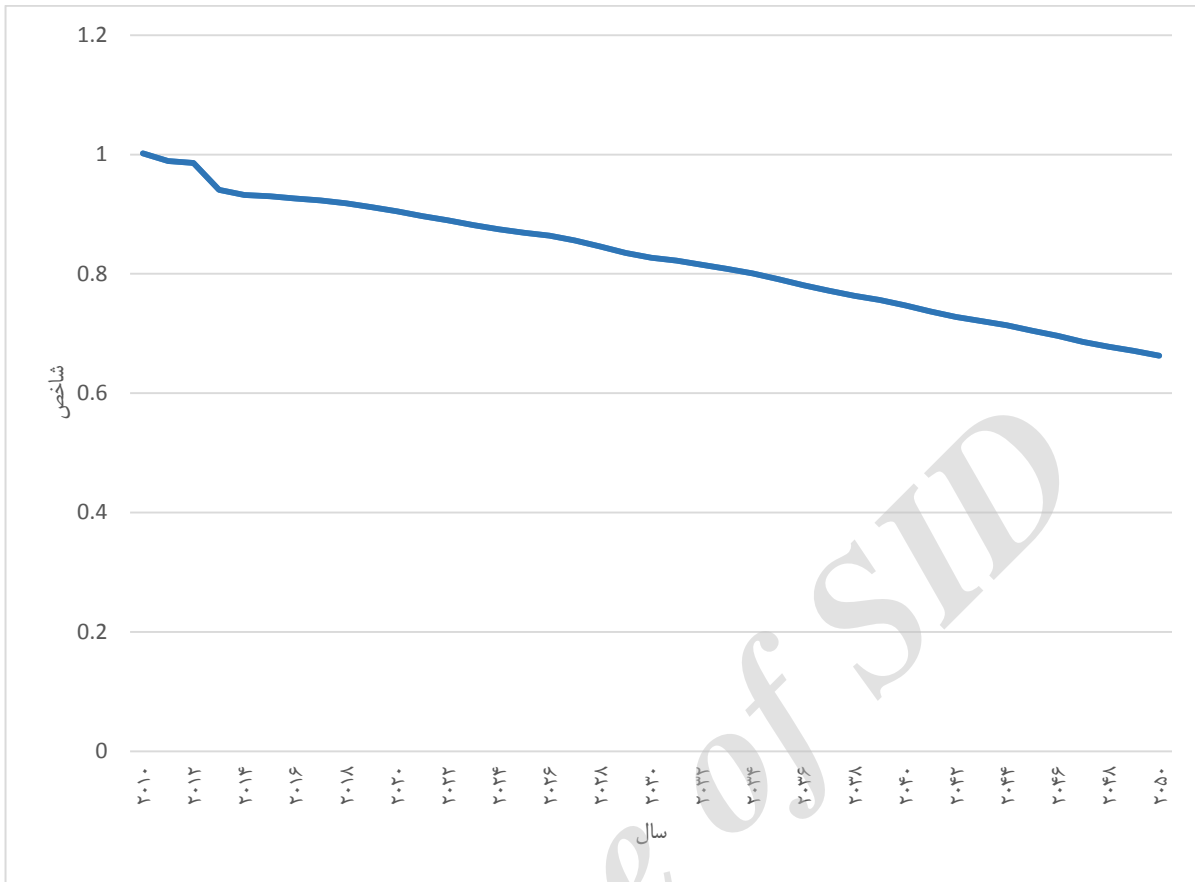
جمعیت شهر نشین ایران از ۷,۴ میلیون نفر در سال ۱۹۶۰ به ۱۱,۸۱ میلیون نفر در سال ۱۹۷۰ رسیده است. این رشد به شدت ادامه داشته است به طوری که در سال ۲۰۱۰ به ۵۱,۴ میلیون نفر رسیده است. این روند بیانگر نرخ رشد بالای شهر نشینی است و جمعیت شهر نشین از ۳۳,۷ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۷۴,۴۶ درصد در سال ۲۰۱۰ رشد یافته است. نمودار ۲۵ این نسبت را نشان می‌دهد.



شکل ۲۵- پیش‌بینی نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت ایران تا سال ۲۰۵۰ در سناریو «پایه»

۴-۸- شاخص قدرت ملی

شاخص قدرت ملی یک شاخص‌های ترکیبی است که از مجموع وزنی تولید ناخالص داخلی، هزینه‌های دفاعی، تعداد جمعیت و فناوری بدست می‌آید. در نمودار ۲۶ پیش‌بینی «شاخص قدرت ملی» در فاصله زمانی ۴۰ ساله مشاهده می‌شود. این نمودار داده‌های مربوط به پیش‌بینی «شاخص قدرت ملی» را از سال ۲۰۱۰ (۱۳۹۰) تا سال ۲۰۵۰ (۱۴۳۰) پوشش می‌دهد. بر اساس مدل‌سازی انجام شده پیش‌بینی شده است که شاخص قدرت ملی است روند کاهشی داشته باشد.



شکل ۲۶ - پیش‌بینی شاخص قدرت ملی ایران تا سال ۲۰۵۰

۵- آینده هویت ملی تحت تاثیر کلان روندها

کلان روندها روی بسیاری از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع در بلندمدت تاثیر گذار هستند. این تاثیر گذاری هرچند که ملموس نیست و نمیتوان اثر آنها روی پدیدارهای اجتماعی و یا اقتصادی بطور مستقیم سنجید. با این وجود، می توانیم تاثیر کلی آنها را تحلیل کنیم. در این بخش تاثیر کلان روندهایی که در بخش قبلی شناسایی شده بوده است را روی ابعاد هویت ملی بررسی می کنیم.

برای این کار مصاحبه های کانونی با تعدادی از خبرگان و متخصصان علوم اجتماعی انجام شد. از خبرگان خواسته شد نظر خود را درباره تاثیر هر یک از کلان روندها بر روی ابعاد هویت ملی بیان کنند. این اظهار نظر بصورت سه گزینه ای تعریف شد:

- تاثیر مثبت دارد (↑)
- تاثیر منفی دارد (↓)
- بدون تاثیر است (●)

جمع بندی این بررسی در جدول ۴ آمده است. در این جدول تاثیر هر یک از کلان روندها بر روی هر یک از ابعاد هویت ملی نشان داده شده است.

جدول ۴ - بررسی تاثیر کلان روندها روی ابعاد هویت ملی

ابعاد هویت ملی	شهرنشینی	پیری	دیجیتالی شدن	عرفی گرایی	رشد اقتصادی	کسب آموزش	توسعه انسانی	مهاجرت	شاخص حکمرانی	جهانی شدن
اجتماعی	↑	↑	↓	●	↓	↑	↑	↓	●	↓
فرهنگی	↓	↑	●	●	●	↑	↑	↑	●	↑
تاریخی	↑	↑	↑	●	●	↑	↑	↑	●	↑
زبانی	●	●	●	●	●	↑	↑	↓	●	↑
دینی	●	↑	↓	↓	●	●	●	↓	●	↓
جغرافیایی	●	↑	↓	●	●	●	●	↓	↑	↓
سیاسی	↑	●	●	●	●	●	●	↓	↑	↓

همانطور که در این جدول دیده می شود تاثیر کلان روندها روی ابعاد مختلف هویت ملی یکسان نیست و در برخی ابعاد تاثیر مثبت و در برخی ابعاد تاثیر منفی دیده می شود. در ادامه تاثیر هر یک از کلان روندها روی ابعاد هویت ملی بررسی می شود.

۵-۱- تاثیر کلان روند شهرنشینی

همانطور که در بخش بررسی کلان روندها بیان شده است، روند شهرنشینی در ایران صعودی است و نرخ جمعیت شهری به جمعیت کل کشور در ۵۰ سال گذشته دو برابر شده است و از ۳۳ درصد به ۷۴ درصد رسیده و انتظار می رود این درصد افزایش یابد و به بیش از ۸۰ درصد برسد. افزایش شهرنشینی روی ابعاد مختلف هویت ملی تاثیر گذار است. بر اساس برابری که صورت گرفته است افزایش شهرنشینی، تعلق به قومیت را تقلیل دهد و تعلق به گروه اجتماعی بزرگتر یعنی جامعه ملی را افزایش دهد. همچنین، گسترش شهرنشینی، تعلق به قومیت را تقلیل دهد و تعلق به گروه اجتماعی بزرگتر یعنی جامعه ملی را افزایش دهد. همچنین، گسترش شهرنشینی می تواند در دلبستگی داشتن به آداب و رسوم محلی که عمدتاً ریشه در زندگی دهقانی دارد، اثر منفی داشته باشد و در عین حال بخش هایی از هویت قومی را تشکیل می دهد تعدیل کند. در نقطه مقابل، پیوند یافتن با آگاهی های تاریخی و دلبستگی به گذشته تاریخی را جایگزین می کند. با توجه اهمیت زندگی سیاسی در نظام شهرنشینی و تاثیر نهادهای دولتی بر معشیت و روزمره شهروندان، تعلق به نظام سیاسی و محوریت داشتن مفهوم ملت-دولت، جایگاه بیشتری در هویت ملی خواهد داشت.

۵-۲- تاثیر کلان روند پیری جمعیت

همانطور که در بخش کلان روند جمعیتی مشاهده گردید، طی ۱۵ سال آینده جمعیت افراد بالای ۶۵ سال به دو برابر خواهد رسید و از ۴ میلیون نفر به ۸ میلیون نفر می رسد و جمعیت این افراد تا سال ۲۰۶۰، ۲۴ میلیون خواهد شد. به عبارتی نسبت جمعیت میانسال و پیر، نسبت به جمعیت جوان بیشتر خواهد شد.

تغییر نسبت جمعیتی به سمت افراد میانسال و کهنسال، جامعه را از نظر هویتی تحت شعاع قرار می دهد. تعلق به گروه اجتماعی، توجه به میراث فرهنگی، و تاریخی، مهر سرزمین مادری و علائق دینی در این گروه جمعیتی بیشتر خواهد بود. بنابراین هویت ملی تقویت خواهد شد. این روند در سایر کشورها نیز مشاهده شده است.

۵-۳- تاثیر کلان روند دیجیتالی شدن (شبکه های مجازی و اینترنتی)

یکی از کلان روندهای نوظهور، دیجیتالی شدن زندگی اجتماعی است. بسیاری از امور اجتماعی تحت تاثیر فناوری های اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته اند. ظهور اپلیکیشن های موبایلی و شبکه های مجازی، بر کمیت و کیفیت بسیار روابط اجتماعی تاثیر گذار بوده است.

بررسی تاثیر این کلان روند بر روی هویت، نیازمند مطالعات فراوانی است، اما در مجموع چنین به نظر می آید که احساس تعلق به گروه های اجتماعی، گروه های دینی و مرزهای جغرافیایی متزلزل شود و در عین حال به دلیل گسترش اطلاعات، آگاهی تاریخی افزایش پیدا کند و اسطوره های تاریخی جایگزین واقعیت های روزمره شود.

۴-۵- تاثیر کلان روند عرفی گرایی

عرفی گرایی یکی از کلان روندهای جهانی است که در بسیاری از کشورهای جهان رخ داده است و شواهد زیادی وجود دارد که نشان میدهد در ایران نیز روند عرفی گرایی در حال ظهور است. عرفی گرایی روی پدیده های اجتماعی از جمله بعد دینی هویت ملی نیز تاثیر گذار خواهد بود. آنچه که می توان در این مرحله مشاهده کرد، تقلیل یافتن جنبه های دینی هویت ملی در نتیجه کلان روند عرفی گرایی است

۵-۵- تاثیر کلان روند رشد اقتصادی و درآمد سرانه

یکی از کلان روندهای جامعه ایران، در بازه های بلندمدت افزایش درآمد سرانه و رشد اقتصادی بوده است که به نظر می رسد ادامه داشته باشد. رشد اقتصادی و درآمد سرانه کمک به رشد طبقه متوسط شهری می کند. طبقه متوسط شهری به دنبال هویت مدرن بود و در آن هویت های دیگر تقلیل پیدا می کند. بنابراین انتظار می رود با رشد اقتصادی و درآمد سرانه، بعد اجتماعی هویت ملی بیشترین تاثیر را بپذیرد و تغییراتی در آن ایجاد شود.

۵-۶- تاثیر کلان روند کسب آموزش و توسعه انسانی

از جمله کلان روندهایی که در جامعه ایران مشاهده می شود روند کسب آموزش و توسعه انسانی است. شاخص های این کلان روندها بیانگر آن است که نرخ رو به رشد آموزش ادامه پیدا می کند و به لحاظ آموزش و سایر ابعاد توسعه انسانی وضعیت جامعه بهبود پیدا کند. این کلان روندها می توانند بر ابعاد هویت ملی تاثیر بگذارند. یکی از تغییراتی مورد انتظار بر اثر روند آموزش و توسعه انسانی، تقویت ابعاد اجتماعی و فرهنگی هویت ملی است. دلبستگی به جامعه ملی و میراث فرهنگی، در کنار تقویت دانش و اهتمام تاریخی و بعد زبانی، از جمله مهمترین تغییراتی است که با روند کسب آموزش و توسعه انسانی در دهه های آینده می توانیم شاهد آن باشیم.

۵-۷- تاثیر کلان روند مهاجرت

مهاجرت یکی از کلان روندهای مهم است که بر ابعاد مختلف هویت ملی تاثیر می گذارد. با توجه به روندهای مهاجرت، انتظار می رود برخی از ابعاد هویت ملی تغییر کند. تعلق به گذشته تاریخی و میراث فرهنگی افزایش پیدا می کند و تعلق به گروه اجتماعی، زبان فارسی، مرزهای جغرافیایی و نظام سیاسی کاهش می یابد.

۵-۸- تاثیر کلان روند شاخص حکمرانی

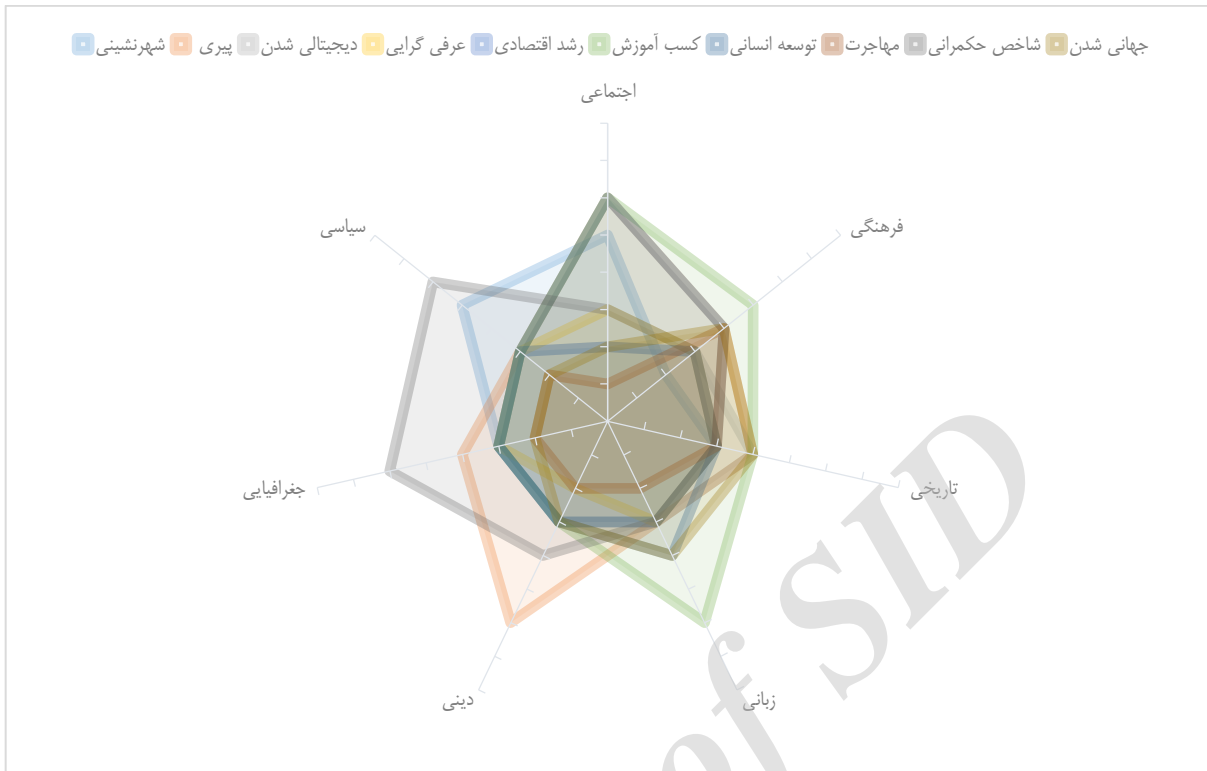
یکی از کلان روندهای اثرگذار بر هویت ملی شاخص حکمرانی (کیفیت نظام سیاسی) است. انتظار می رود با بهبود شاخص حکمرانی خوب، تعلق به نظام سیاسی و حاکمیت ملی افزایش یابد و دلبستگی به مرزهای جغرافیایی و سرزمین مادری افزایش پیدا کند.

۵-۹- تاثیر کلان روند جهانی شدن

یکی از کلان روندهای مهم در دهه های اخیر، کلان روند جهانی شدن است. جهانی شدن به عنوان یک کلان روند کلیدی، با ایجاد یکپارچگی با نظام معنایی و گفتمانی فرامرزی، روی ابعاد مختلف هویت ملی تاثیرگذار خواهد بود. انتظار می رود این کلان روند، موجب تقویت بخش هایی از ابعاد هویت ملی مانند بعد تاریخی و فرهنگی آن شود یعنی میزان دلبستگی به میراث فرهنگی و تاریخی بیشتر شود و بعد جغرافیایی و سیاسی که تعلق به سرزمین مادری و نظام سیاسی است، کاهش پیدا کند.

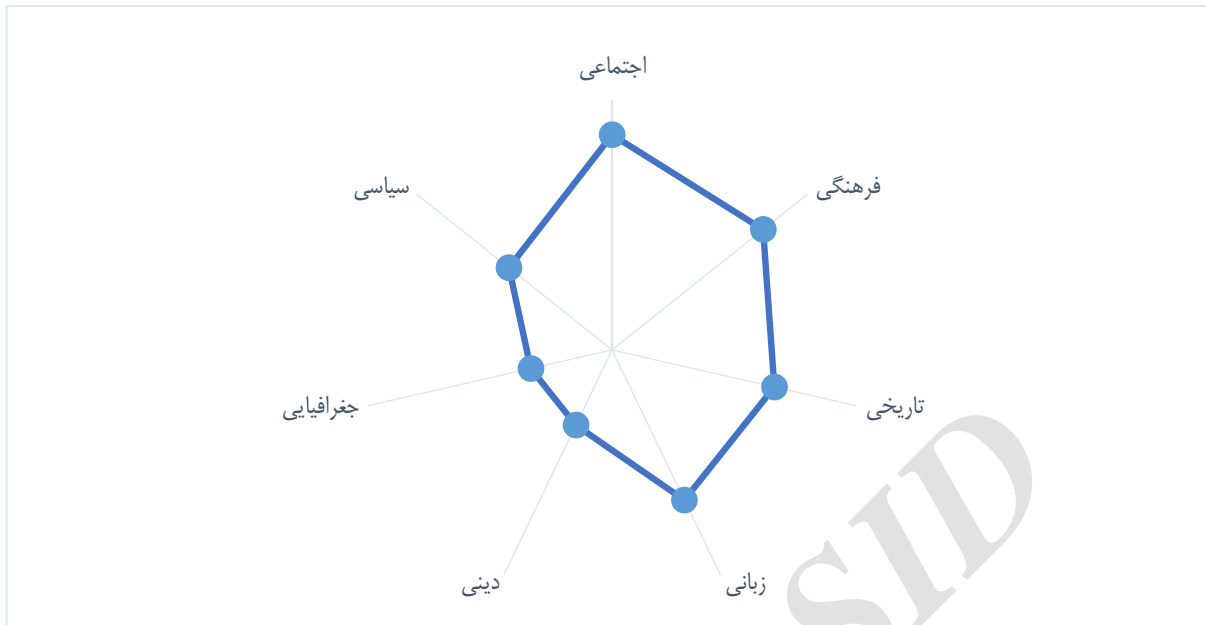
۶- ارزیابی تاثیر کلان روندها بر ابعاد هویت جمعی ایرانیان

با توجه به نتایج بدست آمده در این بخش، می توان تاثیر کلان روندها را بر ابعاد هویت جمعی ایرانیان جمع بندی و تفسیر کرد. در شکل ۲۷، تاثیر این کلان روندها بر ابعاد هویت جمعی جامعه ایرانی نشان داده شده است. همانطور که در این شکل مشاهده می شود، جهانی شدن روی تمام ابعاد هویتی تاثیر محدودی خواهد داشت. روند کسب آموزش بیشترین تاثیر را بر بعد فرهنگی و اجتماعی هویت می گذارد. توسعه انسانی بیشترین تاثیر را بعد اجتماعی و فرهنگی هویت جمعی می گذارد. روند پیری بیشترین تاثیر را بر هویت دینی و اجتماعی می گذارد. شهرنشینی بیشترین تاثیر را بر بعد اجتماعی می گذارد. حکمرانی خوب بیشترین تاثیر را بر بعد سیاسی و جغرافیایی می گذارد. روند دیجیتالی بیشترین تاثیر را بر بعد اجتماعی می گذارد و مهاجرت بیشترین تاثیر را بعد اجتماعی و جغرافیایی می گذارد.



شکل ۲۷- تاثیر هر یک از کلان روندها بر ابعاد هویت جمعی جامعه ایرانی

در شکل ۲۸ میزان تاثیر پذیری هر یک از ابعاد هویت جمعی بر اثر کلان روندها نشان داده شده است. همانطور که در این نمودار دیده می شود ابعاد اجتماعی، فرهنگی و تاریخی هویت جامعه ایرانی بیشتر از ابعاد دیگر در معرض دگرگونی قرار دارند و ابعاد جغرافیایی و دینی دگرگونی کمتری از کلان روندهای جهانی می پذیرند.



شکل ۲۸- تاثیر کلان روندها بر ابعاد هویت جمعی جامعه ایرانی

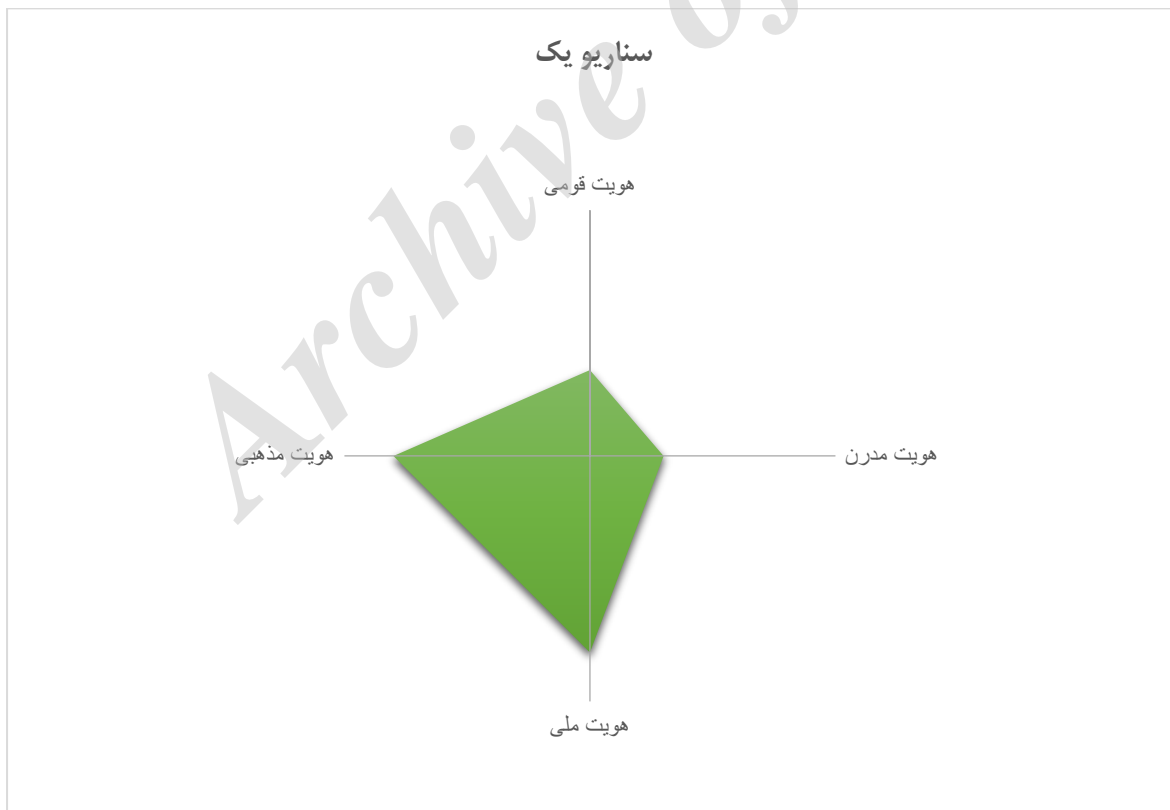
۷- آینده هویت جمعی جامعه ایرانی

پیشران‌ها و کلان روندهایی که روی هویت جامعه ایرانی تاثیر گذار هستند می‌توانند آینده‌های مختلفی را برای جامعه ایرانی پدید آورند. برای تحلیل این آینده‌ها می‌توان از رویکرد سناریویی استفاده کرد. با توجه به نتایج مصاحبه‌ها و پیشینه موضوع، در این تحقیق، گرایش‌هایی که بر روی هویت اثر گذار هستند را در دو محور اصلی طبقه بندی کردیم. محور افقی، ناظر به بخش‌های ارزشی و تمایلات هنجاری رفتاری هویت است که در دو جهت آن هویت مذهبی و هویت مدرن قرار دارند. محور عمودی که ناظر به تعلقات سرزمینی و زادگاهی هستند که دو جهت هویت قومی و هویت ملی در دو سر آن قرار گرفته‌اند. این طبقه بندی برای تفکر درباره حالت‌های مختلفی است که در آینده می‌توان تصور کرد، هرچند که این نکته نباید از نظر دور داشته شود که لزوماً بین دو جهت اصلی هر یک از محورها تعارض یا تضاد وجود ندارد بلکه می‌توان گفت هر یک به نوعی مشخصه‌های جهت دیگر را در خود دارا می‌باشد اما شدت و اثر آن دسته از عناصر هویتی بیشتر نمود دارد و در رفتار اجتماعی بیشتر دیده می‌شود. بر این اساس، سناریوهای مختلفی را می‌توان مطرح کرد که در ادامه این بخش مورد بحث قرار گرفته است.

۷-۱- سناریو یک؛

در این سناریو ویژگی‌های هویت ملی و هویت مذهبی نسبت به ویژگی‌های هویت مدرن و هویت قومی، غالب هستند و در پدید آوردن رفتارهای اجتماعی اهمیت بیشتری دارند. در این سناریو احساس تعلق به سرزمین مادری در مرزهای جغرافیایی فعلی و میراث تاریخی و فرهنگی ملی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند و یکپارچگی عناصر هویت ملی و هویت مذهبی افزایش پیدا می‌کند. بنابراین تمایز با اجتماع‌های دیگر در چارچوب هویت ملی-مذهبی که در این جا هویت ایرانی-شیعی است معنا پیدا می‌کند و نهادها متناسب با این هویت یکپارچه خود را تنظیم خواهند کرد. یکپارچه شدن نمادهای ملی و مذهبی می‌تواند نشانه‌های تثبیت این هویت باشد.

در این حالت، انتظار می‌رود حساسیت جامعه نسبت به منازعات قومی کاهش پیدا کند و همگرایی در چارچوب ارزش‌های میهن‌گرایانه و دینی افزایش پیدا کند.

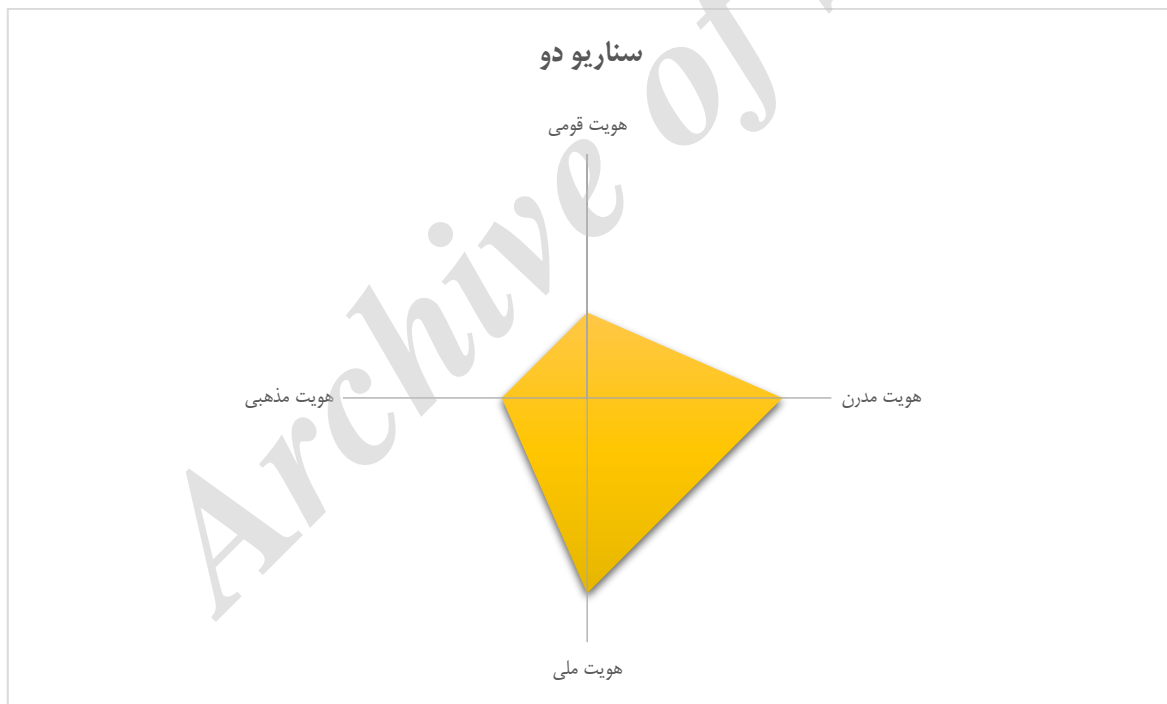


شکل ۲۹- سناریو یک هویت جمعی جامعه ایرانی

۲-۷- سناریو دوم؛

هویت ملی و هویت مدرن تقویت می شوند و هویت مذهبی و و هویت قومی تقویت نمی شوند. در این سناریو تعلق به سرزمین مادری در کنار تقویت ارزش های مدرن، وجه بارز هویت جامعه ایرانی خواهند بود. در این صورت انتظار می رود در شرایط آینده، عناصر هویت ملی با عناصر هویت مدرن یکپارچه شوند و در تقارب و تعارض با اجتماع های دیگر، وجوه هویت ملی (مرزهای سرزمین مادری و نمادهای تاریخی) و وجوه هویت مدرن (مانند انسان گرایی، ترقی خواهی و افسون زدایی و جهان وطنی)، بیشتر تاثیر بگذارند.

در این سناریو احتمال می رود، همگرایی با جامعه جهانی در موضوعات حقوق بشری بیشتر شود و نسبت به منازعات مذهبی چه در سطح ملی و چه در سطح قومی کاهش پیدا کند.

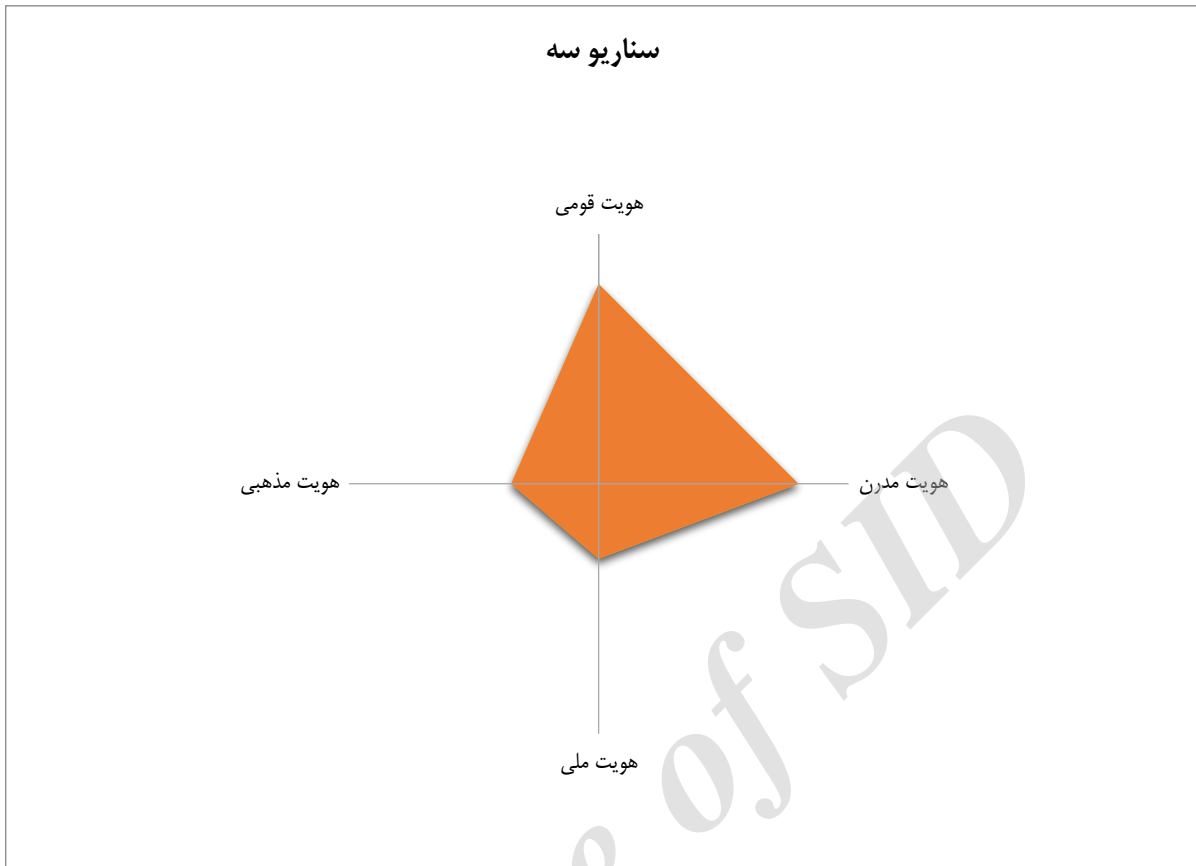


شکل ۳۰- سناریو دو هویت جمعی جامعه ایرانی

۷-۳- سناریو سوم؛

در این سناریو، عناصر هویت قومی و هویت مدرن در هویت اجتماع ایرانی غالب می‌شوند و در ظهور پدیدارهای اجتماعی بیشتر تاثیر می‌گذارد. بر اساس این سناریو، احساس تعلق به قومیت ایرانی و همراه با ارزش‌های هویت مدرن مانند انسان‌گرایی، ترقی‌خواهی و افسون‌زدایی و جهان‌وطنی بیشتر ظهور پیدا می‌کنند، بنابراین انتظار می‌رود تمایل به داشتن گرایش‌های میانه‌روی فدرالی و تساوی طلبی امکانات در مناطق بومی تشدید شود.

Archive of SID

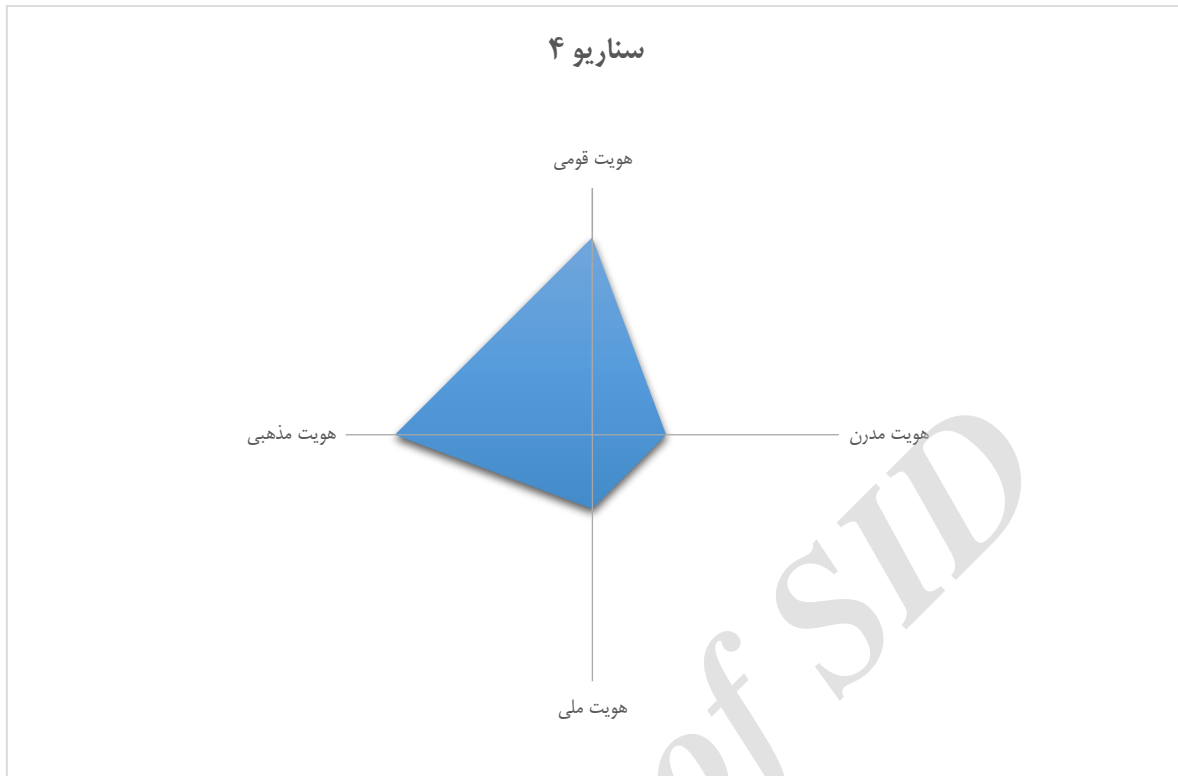


شکل ۳۱- سناریو سه هویت جمعی جامعه ایرانی

۴-۷- سناریو چهارم؛

سناریو چهارم شدت گرفتن عناصر هویت قومی و هویت مذهبی در برابر تقلیل یافتن عناصر هویت مدرن و هویت ملی است. در این سناریو دلبستگی به هویت قومی مانند زبان‌های قومی و محلی در کنار مذاهب ریشه دار در بسترهای محلی بیشتر می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود گرایش به همبستگی قومی - مذهبی تشدید شود در نتیجه در برخی قومیت‌ها مانند کرد و عرب که با زبان و مذهب ملی جدایی دارند، گرایش‌های گریز از مرکز بیشتر شود و تمایل به استقلال‌طلبی گسترش یابد و نسبت به مظاهر ملی و مدرن، با همدلی کمتری مشارکت داشته باشند.

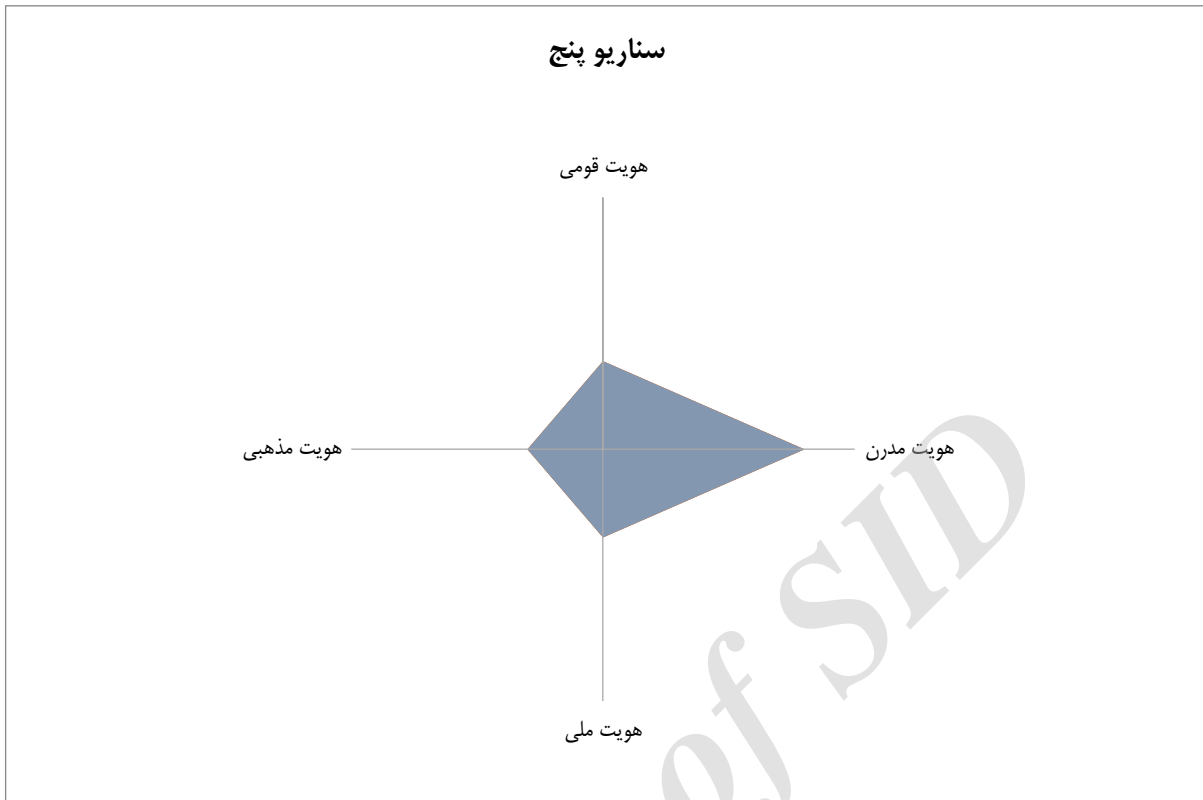
در این حالت منازعات حاشیه و مرکز بیشتر می‌شود و در صورت عدم وجود انعطاف‌پذیری دولت مرکزی، تنش‌های قومی و مذهبی افزایش پیدا کند.



شکل ۳۲- سناریو چهار هویت جمعی جامعه ایرانی

۷-۵- سناریو پنجم؛

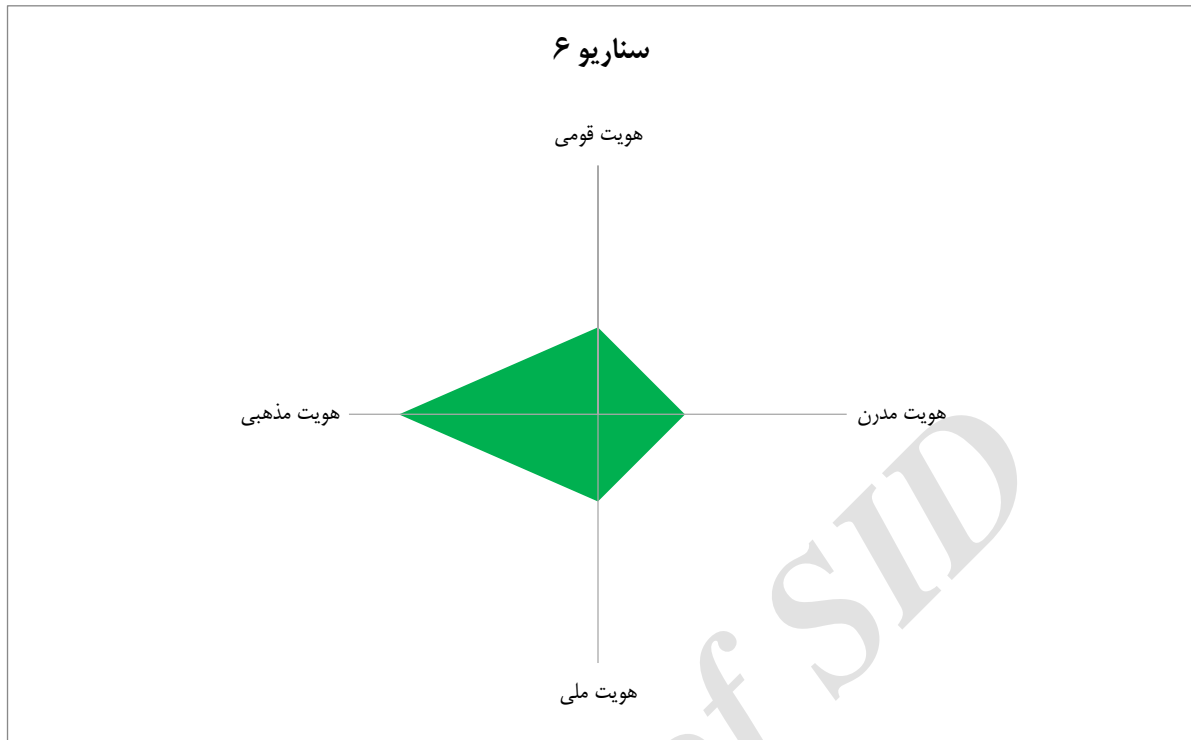
در این سناریو نیروی غالب هویت مدرن خواهد بود و گرایش به عناصر این هویت بویژه جهانی شدن، بیشتر می شود. در این سناریو دلبستگی به ارزش‌های هویت مدرن مانند انسان گرایی، برابری طلبی، تساهل گرایی و جهانی شدن بیشتر خواهد شد و مرزهای جغرافیایی، قومی و مذهبی کمرنگ می شود. در این سناریو انتظار می رود نزدیکی با هویت‌های جهانی و برون مرزی بیشتر شود و نسبت به رویدادهای جهانی و عناصر مدرن حساسیت‌ها بیشتر شود. دموکراسی خواهی، محور اصلی هویت خواهد بود و داشتن ارزش‌های برون مرزی و حضور در رویدادهای جهانی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. در این سناریو، هویت مدرن عامل یکپارچی جامعه است که تکثر را می پذیرد و هویت فردی را در بستر یک فرهنگ انسانی و جهانی تعریف می کند. نگاه به بیرون و تمایل به ایفای نقش در خارج از مرزهای جغرافیایی اهمیت بیشتری پیدا می کند و در نتیجه با تقلیل یافتن عناصر هویت مذهبی و هویت ملی، ادغام شدن در دل فرهنگ جهانی بیشتر مطرح می شود. هنرهای جدید و شبکه های اجتماعی و زبان بین المللی داشتن ارزش محسوب می شود.



شکل ۳۳- سناریو پنج هویت جمعی جامعه ایرانی

۶-۷- سناریو ششم؛

در سناریو ششم، مانند سناریو پنجم، عناصر جغرافیایی هویت کم‌رنگ می‌شود و تعلق به امت دینی و اسلامی تقویت می‌شود. در این سناریو جامعه به سمت یکپارچه شدن با هویت دینی فارغ از مرزهای جغرافیایی پیش خواهد رفت و تمایل برای عضویت داشتن در یک اجتماع مذهبی برون مرزی بیشتر می‌شود. در این سناریو تمایل به مشارکت داشتن در منازعات مذهبی برون مرزی بیشتر می‌شود و تعقیب منافع امت مذهبی فرامرزی اهمیت بیشتری خواهد داشت. انتظار می‌رود در این سناریو واحد سیاسی ملی تمایل زیادی برای شرکت داشتن در رویدادهای مذهبی فرامرزی داشته باشد و عناصر مذهبی یکپارچه در یک واحد بزرگتر از مرزهای جغرافیایی، جایگاه بالاتری در روابط اجتماعات ایرانی داشته باشد.



شکل ۳۴- سناریو شش هویت جمعی جامعه ایرانی

۸- جمع بندی

موضوع هویت ملی، یکی از موضوعات مهم در بررسی روند نظام اجتماعی کشور است که تحقیقات متعددی درخصوص آن انجام شده است و رابطه آن با سایر مولفه ها مانند رسانه، جهانی شدن و زبان بررسی شده است. آنچه که این تحقیق را متمایز از سایر تحقیقات کرده است، نگاه آینده‌نگر به هویت ملی است. برای این کار، ابعاد هویت ملی شناسایی شدند و کلان روندهایی که روی هویت ملی تاثیر گذار هستند با شناسایی و طبقه‌بندی شدند، سپس آینده این کلان روندها، با روش‌های برونپایی، پیش‌بینی شده‌اند. در ادامه، تاثیر کلان روندها روی ابعاد مختلف هویت ملی شناسایی شدند. در انتها، سناریوهای مختلف هویت جمعی جامعه ایرانی با توجه به تاثیرات مختلف کلان روندها و عوامل اثرگذار بر آن‌ها، ارائه شده است.

در مجموع یافته‌های این تحقیق، می‌توان گفت موضوع آینده‌پژوهی هویت دارای پیچیدگی‌های فراوانی است که بدون در نظر گرفتن ابعاد مختلف آن نمی‌توان به شناخت دقیقی درباره آینده‌های مختلف آن رسید. در واقع هویت ملی در تعامل با عوامل اثرگذار بر آن همچون امری سیال که ثابت نیست، در حال تغییر است و شناخت تغییر آن نیازمند تحلیل عوامل اثرگذار و مکانیزهای تاثیرگذار آن است. این در حالی است که دلیل نبود سنجش‌های ملی و اطلاعات دقیق از روند تغییرات آن، تحلیل

آینده هویت ملی، بسیار دشوار است و لازم است که اطلاعات مختلف از منابع مختلف گردآوری و با شاخص‌سازی و شبیه‌سازی، برآوردهای دقیق‌تری از تغییرات هویت بدست آورد. استفاده از روش‌های داده‌کاوی و متن‌کاوی شبکه‌های اجتماعی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی برای تحلیل آینده هویت ملی ارائه کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در ادامه تحقیق جامعی با ترکیب روش‌های آینده‌پژوهی، بویژه شبیه‌سازی، داده‌کاوی، و سناریونگاری انجام شود تا شناخت بهتری از آینده هویت ملی و تأثیرات آن بدست آورد.

Archive of SID

منابع

- Slaughter, R.A., *Knowledge Base of Futures Studies, Glossary of Futures Terms*. ۲۰۰۵, Brisbard: Foresight International.
- Giaoutzi, M. and B. Sapio, *Recent developments in foresight methodologies*. ۲۰۱۲, Springer Science & Business Media.
- Watson, R. *Future files: The ۵ trends that will shape the next ۵۰ years*. ۲۰۰۸: Nicholas Brealey Publishing.
- EFMN, *Collection of EFMN Briefs*. ۲۰۰۸, The European Foresight Monitoring Network.
- Beddington, J., *Future Identities: Changing identities in the UK—the next ۱۰ years*. ۲۰۱۳, Government Office for Science.
- IFS, *Country Profile -Islamic Republic of Iran*, I.F. (IFs), Editor. ۲۰۱۶: University of Denver.
- Kojm, C., *Global Trends ۲۰۳۰: Alternative Worlds*. ۲۰۱۲, a publication of the National Intelligence Council.
- تیموری آشتیانی، ع.، مطالعه مقایسه‌ای مولف‌ها، پیوسته‌ها، پیوسته‌ها، کتبدر سیم‌قطعا ابتدایی، *Iran* دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی، ۱۳۹۲، دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان، ایران.
- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران اندرافق ۱۴۰۴ هجری شمسی ۱۳۸۲، مجمتعشخیص مصطلحتنظام- ابلاغیمقام معظم رهبری: ایران.
۱۰. محراب بیگی، م.، نقش اینترنتر هویت‌ساز ایران، *Iran* دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۳، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق: تهران، ایران.
- خبازان، ع.، بررسی مولف‌ها، پیوسته‌ها، پیوسته‌ها، *Iran* دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۰، دانشگاه آزاد اسلامی: تهران، ایران.
- لقمان نیا، مهدی؛ خامسان، احمد، احمدی یگانه، طیب (۱۳۹۱) توافق یا عدم توافق در زمینه مولفه های هویت ملی و تلویحات آن در نظام آموزش و پرورش ایران، فصلنامه پژوهش در برنامه درسی، سال نهم، دوره دوم، ش ۶ (پیاپی، ۳۳)، تابستان زاهد، سعید (۱۳۹۰) هویت ملی ایرانیان، راهبرد یاس، سال ۱، ش ۴
- دوران، بهزاد (۱۳۸۷) هویت اجتماعی، رویکردها و نظریه ها، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران
- صالحی عمران، ابراهیم؛ شکیباییان، طناز (۱۳۸۶) بررسی میزان توجه به مولفه های هویت ملی در کتابهای درسی دوره آموزش ابتدایی، فصلنامه مطالعات ملی، ش پیاپی ۲۹، سال هشتم، ش ۱، بهار
- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۸) سازگاری هویتها در فرهنگ ایرانی، مطالعه موردی شهروندان تهرانی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۲، تابستان
- لقمان نیا، مهدی؛ خامسان، احمد، احمدی یگانه، طیب (۱۳۹۱) توافق یا عدم توافق در زمینه مولفه های هویت ملی و تلویحات آن در نظام آموزش و پرورش ایران، فصلنامه پژوهش در برنامه درسی، سال نهم، دوره دوم، ش ۶ (پیاپی، ۳۳)، تابستان
- رواسانی، شاهپور (۱۳۸۰) زمینه های اجتماعی هویت ملی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران.
- میر محمدی، داود (۱۳۸۳) گفتارهایی درباره هویت ملی، موسسه مطالعات ملی، تهران
- شمشیری، بابک (۱۳۸۷) درآمدی بر هویت ملی، انتشارات نوید، شیراز
- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۸) تعیین و سنجش مولفه های هویت ایرانی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، تهران.



Archive of SID